



تعلیم و تربیہ اسلامی

صنف دہم

«مذہب جعفری»

تعلیم و تربیہ اسلامی صنف دہم «مذہب جعفری»



سرود ملی

د اعزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه پان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زره وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیري
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

تعلیم و تربیہ اسلامی

صنف دہم

(مذہب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیه اسلامی (جعفری)

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دیپارتمنت فقه جعفری

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی

افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان

برخورد قانونی صورت می‌گیرد.



یام وزیر معارف

اقرأ باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی - که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است. چنانچه بر همه گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می نمایند. در چنین برهه سرنوشت ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویتهای مهم وزارت معارف پنداشته می شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتابهای درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه های فردای کشور می خواهیم تا از فرصت ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجلدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آنها در این راه مقدس و انسان ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتر محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



فهرست مطالب

شماره	موضوع	صفحه
۱	دین و سعادت	۱
۲	توحید	۴
۳	انواع توحید	۷
۴	توحید ربوبی	۱۰
۵	توحید عبادی	۱۳
۶	هدایت الهی	۱۶
۷	هدف بعثت انبیاء <small>علیهم السلام</small>	۱۹
۸	وظایف پیامبران الهی <small>علیهم السلام</small>	۲۲
۹	معجزه و انواع آن	۲۵
۱۰	امامت	۲۸
۱۱	امام کاظم <small>علیه السلام</small>	۳۱
۱۲	امام رضا <small>علیه السلام</small>	۳۴
۱۳	معاد در قرآن	۳۷
۱۴	آثار تربیتی ایمان به معاد	۴۰
۱۵	آثار اجتماعی ایمان به معاد	۴۲
۱۶	اهمیت ازدواج	۴۶
۱۷	موانع ازدواج و راههای مقابله با آن	۴۹
۱۸	شرایط انتخاب همسر	۵۲
۱۹	عقد نکاح	۵۵
۲۰	مهریه	۵۸
۲۱	نفقه	۶۲
۲۲	حقوق متقابل زن و شوهر	۶۵
۲۳	انحلال عقد نکاح	۶۹
۲۴	طلاق	۷۲
۲۵	حضانت	۷۵
۲۶	وصیت	۷۸
۲۷	احکام وصیت	۸۱
۲۸	انواع سیره	۸۶
۲۹	کرامت	۸۹

۹۲	عفت	۳۰
۹۵	ارزش ادب	۳۱
۹۸	صبر و بردباری	۳۲
۱۰۱	شرح صدر	۳۳
۱۰۴	عزت نفس	۳۴
۱۰۷	رابطه مردم و دولت	۳۵
۱۰۹	اداب حکومت داری	۳۶
۱۱۲	اصلاحات از نظر اسلام	۳۷
۱۱۵	رشوه	۳۸
۱۱۸	تکاثر و ثروت اندوزی	۳۹
۱۲۱	محرومیت زدایی	۴۰
۱۲۴	اسراف و تبذیر	۴۱
۱۲۷	مواسات	۴۲



دین و سعادت

هدف: آشنایی با ملاک سعادت و راه رسیدن به آن

پرسش‌ها

۱. سعادت یعنی چه؟

۲. چگونه می‌توان به سعادت حقیقی دست یافت؟

یکی از مهم‌ترین مسایل زنده‌گی ما، شناخت سعادت و ملاک‌های زنده‌گی سالم است. نشاط، تحرک و آرامش و خلاصه رضایت از زنده‌گی برای همه ما، وابسته به رسیدن به سعادت است.

انسان همواره در زنده‌گی با انتخاب‌های گوناگون، از قبیل انتخاب تفریح، انتخاب دوست، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل و... قرار می‌گیرد. آیا شما در موقعیت چنین انتخاب‌هایی قرار گرفته‌اید؟ در این موارد چه کرده‌اید؟ چرا؟
اما در مورد سعادت خود چه؟ آیا تاکنون فکر کرده‌اید که کدام راه شما را به سعادت می‌رساند؟

در ابتدا، سعادت مفهومی واضح و بدیهی به نظر می‌رسد؛ ولی یکی از مبهم‌ترین مفاهیم است؛ زیرا برای شناخت سعادت حقیقی نیاز است که به پرسش‌های اساسی در مورد حقیقت انسان پاسخ داده شود. این پرسش‌ها عبارت‌اند از: من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟

اگر کسی بفهمد که من اشرف مخلوقات خداوند هستم و حیات جاویدانه در دنیای دیگر در پیش رو دارم و در مسیر پرپیچ و خم زنده‌گی، در راه درست و راست گام بردارد، همای سعادت بر سر او سایه افکنده است. راه درست و راست، راهی است که انسان را از میان پرتگاه‌های ترس‌ناک این دنیای پرآشوب و خطرخیز، به سلامت عبور دهد و همراه با

اطاعت و بنده‌گی خدا- که هدف آفرینش است- وی را به سرمنزل مقصد و مقصود (یعنی آخرت و حیات جاودانه) برساند.

هدایت و راه‌یابی بزرگترین سعادت بشر است که فقدان آن، انسان را به پایین‌ترین مراتب می‌کشاند. فقط دربارهٔ نعمت هدایت است که خداوند به صراحت به بشر منت می‌گذارد و می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ؛ به یقین خداوند بر مؤمنان، آن هنگام که رسولی از میان خودشان برگزید، مَنَّت گذاشت.»

اسلام مکتب همه‌جانبه

اسلام که بر جهان‌بینی الهی بنا شده است، برنامه‌ی جامع و واقع‌گرا است. مجموعهٔ تعلیمات اسلامی از سه بخش، تشکیل شده است:

الف) اصول عقاید. ب) اخلاقیات. ج) احکام.

اسلام دربارهٔ اصول عقاید که وظیفهٔ هر فرد، تحصیل آن از طریق فهم و درک شخصی است، تقلید و تعبد را کافی نمی‌داند؛ بلکه لازم می‌داند که هر فردی به صورت مستقل و آزادانه صحت آن عقاید را به دست آورد.

همان‌طور که ذکر شد، در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری، احساسی و عاطفی و فردی یا اجتماعی، توجه شده است.

براساس آموزه‌های دینی، «انسان موجودی است که از خاک سر بلند کرده و پس از پایان زنده‌گی در خاک خواهد آرمید و در روز رستاخیز نیز از خاک برمی‌خیزد»، در این دیدگاه، طبیعت نه تنها نقطهٔ آغاز زنده‌گی انسان می‌باشد؛ بلکه طبیعت با همهٔ زیبایی‌ها و جذابیت‌هایش، آیتی از آیات و جلوه‌های الهی نیز به حساب می‌آید و در امتداد زنده‌گی، مطالعهٔ طبیعت به مثابهٔ آیتی از قدرت الهی در نظر گرفته می‌شود که حاصل آن تفسیر معنوی از طبیعت خواهد بود.

انسان‌های معنوی، دنیا را به گونه‌ی متفاوتی از دیگران مشاهده و تجربه می‌کنند. مسایلی که برای برخی افراد مصیبت تلقی می‌شود، در نظر این گونه انسان‌ها، رویدادی در کنار سایر رویدادهای زنده‌گی محسوب می‌شود و این امر موجب می‌شود که تعادل خود را از دست ندهند و به تزلزل روحی دچار شوند.

چنانچه انسان‌ها از این واقعیت آگاهی یابند که جهانی که در آن زنده‌گی می‌کنند، هدفمند، قانونمند و با معنا است، در آن صورت، انگیزه‌ی کافی برای به کارگیری توان خود به منظور رسیدن به کمال در چنین جهانی، خواهند یافت.



شاگردان، درباره‌ی مفهوم سعادت و راه رسیدن به آن در گروه‌های سه نفری مباحثه نمایند.



- ۱- چه رابطه‌ی بین دین و سعادت انسان وجود دارد؟
- ۲- انسان از چه به وجود آمده است؟
- ۳- اصول اعتقادی را چگونه باید به دست آورد؟



شاگردان، در باره‌ی راه‌های رسیدن به سعادت هشت سطر بنویسند.

توحید

هدف: آشنایی با مفهوم توحید و فواید اعتقاد به آن.

پرسش‌ها

۱- توحید یعنی چه؟

۲- آشنایی با بحث توحید چه فایده‌هایی دارد؟

توحید و یکتایی خداوند متعال یکی از اصول اعتقادی اسلام و همه ادیان ابراهیمی است. دانشمندان اسلامی در این مورد بحث‌های فراوانی داشته‌اند. از طرفی قرآن کریم نیز در آیات زیادی به مسئله توحید اشاره کرده است؛ از جمله این آیه شریفه (ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ^۱؛ پروردگار شما الله است، خدایی جز او نیست، خالق همه چیز است پس او را پرستید)

اهمیت شناخت توحید تا آنجا است که می‌توان گفت: انسانیت انسان در گرو شناخت خداوند و توحید است؛ انسان به هر اندازه، به مبدأ هستی شناخت پیدا کند، انسانیت در او جلوه بیشتری می‌یابد. به عبارتی بهتر، از نظر اسلام، درک معارف الهی، بدون در نظر گرفتن آثار عملی و اجتماعی آن معارف، خود هدف انسانیت است. لذا در این درس بحث توحید را پی می‌گیریم.

معنای توحید

توحید با تمام انواعش در کلمه «لا اله الا الله» جای گرفته است. این کلمه به معنای نفی الوهیت و معبودیت از هر چیزی جز الله جل جلاله می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ از آغاز دعوت خود به مردم می‌فرمودند: بگویند «لا اله الا الله» تا رستگار شوید^۲. ایشان از مردم می‌خواستند که

۱- سوره انعام / آیه ۱۰۲

۲. بگویند خدایی جز خداوند یکتا نیست تا رستگار شوید.

کلمه طیبه لا اله الا الله را به زبان بیاورند. پیامبر خدا بیان این کلمه را از طرف فرد، دلیل بر ایمان فرد به حساب می آورد.

کلمه توحید به عنوان یک اصل اسلامی به معنای یگانه دانستن و یکتا شمردن خداوند می باشد. آنچه را که قرآن کریم به عنوان اولین اصل مطرح می کند، این است که «وَأَهْكُمْ إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ و معبود شما معبود یگانه‌یی است که جز او هیچ معبودی نیست [و اوست] بخشایشگر مهربان» پس خدای شما، خدای یگانه است.^۳ به عبارت دیگر، توحید عبارت است از اقرار به آفریننده و تنها دانستن الله ﷻ در آفرینش، تدبیر و زنده کردن و میراندن و جلب خیر و دفع شر و...^۴.

مطابق این اصل، یک مسلمان، خالق و پروردگاری غیر از الله برای خود قایل نمی شود و تنها خدای یگانه را مالک و مدبر خود می داند، نتیجه چنین اعتقادی، توحید در عبادت و پرستش خداوند یکتا است و این عبادت و پرستش، تحقق و انجام کلمه لا اله الا الله می باشد.

توحید و وحدت شرایع

از منظر قرآن، همه شرایع آسمانی بر اصول سه گانه توحید، نبوت و معاد بنا شده است. همه پیامبران الهی مردمان را به این سه اصل فرا می خوانده اند. در بین این اصول، توحید و تسلیم محض در برابر خداوند، مهم ترین اصل می باشد. قرآن از همه پیروان شرایع آسمانی می خواهد تا در سایه این عقیده مشترک توحید گرد هم آیند؛ خداوند در قسمتی از آیه ۶۴ سوره آل عمران به نبی مکرم اسلام چنین می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا؛ بگو: ای اهل کتاب بیاید تا در کلمه یگان‌های که میان ما و شما مشترک است، گرد هم آییم؛ این که جز خدا را عبادت و پرستش نکنیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم».

۳. (پروردگار شما الله است، خدائی جز او نیست، خالق همه چیز است پس او را بپرستید) «الهمکم اله واحد سوره بقره / آیه ۱۶۳

۴. در مراتب بالاتر، توحید یعنی این که موجودی جز الله وجودی از خود ندارد، و سایر موجودات در وجودشان از اوست. مصباح یزدی معارف قرآن (۳-۱)،

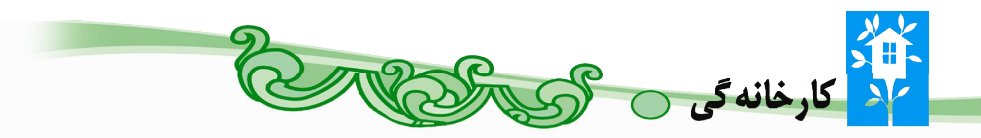
بنابراین، اعتقاد به توحید و پرستش پروردگار یکتا، نور وحدت و یگانه‌گی جامعه انسانی می‌باشد و پیروان ادیان آسمانی می‌توانند در زیر سایه کلمه توحید، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند و به یکدیگر کمک نمایند.



شاگردان، در مورد فواید عملی اعتقاد به توحید در جامعه گفت‌وگو نمایند.



۱. توحید یعنی چه؟
۲. توحید و یکتایی خداوند متعال یکی از اصول... و همه... است.
۳. اهمیت شناخت توحید تا آن جا است که می‌توان گفت:... در گرو شناخت خداوند و توحید است.
۴. توحید با تمام انواعش در... جای گرفته است.
۵. از منظر قرآن، همه شرایع آسمانی بر اصول سه‌گانه...،... و... بنا شده است.



شاگردان، در مورد انواع توحید مطالعه نموده و نتیجه آن را در هشت سطر بنویسند.

انواع توحید

هدف: آشنایی با انواع توحید

پرسش‌ها

۱- توحید چند نوع است؟

۲- با کدام نوع توحید آشنایی دارید؟

همه شرایع آسمانی بر اساس توحید و یکتاپرستی استوار بوده و بارزترین اصل مشترک در میان آن‌ها اعتقاد به توحید است. در یک تقسیم‌بندی، توحید، به توحید نظری و توحید عملی تقسیم می‌شود. زمانی که انسان خداوند را به یگانه‌گی شناخت، نتیجه‌اش تصحیح اعمال فرد و توحید عبادی است. در کتاب‌های کلامی و فلسفی ما کمتر به بحث از توحید عملی یا عبادی پرداخته‌اند و بیشتر این بحث‌ها در کتاب‌های تفسیری و فقهی مطرح شده است.^۱

بیشتر توحید نظری را به توحید ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می‌کنند.

توحید ذاتی

نخستین مرتبه توحید، توحید ذاتی است. توحید ذاتی یعنی ذات خداوند یگانه است و در ذات برای خداوند شبیه و مانندی وجود ندارد.^۲ به عبارت دیگر، خداوند، موجود یکتایی است که مثل، مانند و ضدی ندارد. خداوند در آیه اول سوره إخلاص می‌فرماید: بگو خداوند یکتاست. **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و در آیه چهارم همین سوره می‌فرماید: او را هیچ کس هم‌تا نیست. **وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ**.

۱. زیرا در توحید عبادی، اعمال فرد مکلف مورد بحث است که این مباحث جزء احکام می‌باشد.

۲. محسن قرآنی اصول عقاید توحید، اقسام توحید

امیر مؤمنان علی علیه السلام در بیان معنای فوق چنین فرموده است: **هو واحد لیس له فی الأشیاء شبه**^۳؛ او یکتا است و برای او در میان موجودات مانندی نیست.

توحید افعالی

توحید افعالی یعنی این که جهان با همه اشیا و قوانین حاکم بر آن، همه گی مخلوق خداوند جل جلاله اند و تمامی آن‌ها از اراده و خواست خداوند جل جلاله ریشه می گیرند.

اگر در جهان غیر از خداوند جل جلاله، به فاعل مستقلی قایل باشیم و یا در کارهای عالم در کنار خداوند جل جلاله فرد دیگری را صاحب نقش بدانیم، به شرک افعالی گرفتار شده ایم. البته، اعتقاد به توحید افعالی، به معنای نفی اصل سببیت در نظام هستی نیست؛ زیرا وجود رابطه سببیت بین اشیا، از مظاهر اراده خداوند جل جلاله است. قرآن نیز اصل سببیت را در جهان تأیید کرده است. خداوند جل جلاله در این مورد می فرماید: **(اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ؛** خدایی که بادها را می فرستد، آنگاه باد ابر را برمی انگیزد؛ سپس خدا آن را در آسمان به هر نحو که بخواهد می گستراند)^۴.

در مورد اعمال انسان نیز می توان گفت: انسان اگرچه در سرنوشت خویش مؤثر است؛ ولی این تأثیر را به حول و قوه الهی داراست، نه آن که انسان، فاعلی در کنار خداوند جل جلاله باشد.

توحید صفاتی

مقصود از توحید صفاتی آن است که ما اعتقاد داشته باشیم که صفات خداوند جل جلاله عین ذات اوست، نه مانند مخلوقات که صفات آن‌ها از یکدیگر جدا و از ذات آن‌ها نیز جداست؛ به طور مثال: اگر گفته می شود «خدا عالم است» یعنی علم خداوند جل جلاله، عین ذات خداوند جل جلاله است. این گونه نیست که ذات خدا جدا و علم او جدا باشد. همین طور هنگامی که گفته می شود خداوند جل جلاله توانا و زنده است؛ یعنی قدرت و حیات عین ذات خداوند جل جلاله است، نه این که قدرت و حیات اضافه بر ذات او باشد. اگر علم، قدرت و حیات خداوند جل جلاله را جدا از ذات خداوند جل جلاله بدانیم، در حقیقت قایل به ترکیب خداوند جل جلاله از دو

۳. اصل بیست و هشتم توحید، صدوق، ص ۸۴، باب ۳، حدیث ۳.

۴. اصل سی ام منشور عقاید امامیه بخش دوم کلیات عقاید

جزء ذات و صفات شده‌ایم هرگونه ترکیب نشانهٔ احتیاج و نوعی نقص می‌باشد و نیاز و نقص هم با خداوند سازگار نیست؛ پس توحید صفاتی یعنی صفات خدا مانند علم، قدرت و حیات، عین ذات اوست.^۵

فعالیت



شاگردان متن درس را مطالعه نموده و در بارهٔ انواع توحید بحث و گفت‌وگو نمایند.

ارزشیابی



۱. توحید در گام اول به چند نوع تقسیم می‌شود؟
۲. توحید نظری را به توحید...،...و... تقسیم می‌نمایند.
۳. این حدیث (هو واحد لیس له فی الأشیاء شبه) از کیست؟
۴. توحید افعالی یعنی این که جهان با همهٔ اشیا، قوانین آن، همه‌گی... است.
۵. مقصود از توحید صفاتی خداوند جل جلاله چیست؟

کارخانه‌گی



شاگردان تحقیق نمایند که در سورهٔ مبارکهٔ اخلاص از چه نوع توحید بحث به میان آمده است و نتیجهٔ آن را در هشت سطر بنویسند.

۵. محسن قرائتی اصول عقاید توحید اقسام توحید

توحید ربوبی

هدف: آشنایی با انواع توحید ربوبی

پرسش‌ها

۱. توحید ربوبی چه نوع از توحید است؟

۲. توحید ربوبی چند نوع است؟

انواع توحید ربوبی

یکی از شاخه‌های توحید افعالی، توحید در ربوبیت و تدبیر جهان و انسان است. مقصود از ربوبیت و تدبیر، همان اداره جهان و انسان در همه موارد و جهات، اعم از دنیا و آخرت است. مطابق توحید ربوبی، تدبیر امور بشر در تمام موارد مانند رزق دادن، میراندن و زنده نمودن منحصرأ از آن خداوند یکتا است. در یک تقسیم‌بندی، توحید ربوبی به ربوبیت تکوینی و ربوبیت تشریحی تقسیم می‌شود.^۱

ربوبیت تکوینی

ربوبیت یا تدبیر تکوینی، همان کارگردانی جهان آفرینش است. در کارهای بشر ساختن یک شیء از تدبیر و اداره آن شیء، قابل تفکیک و جدایی می‌باشد؛ به‌طور مثال: فردی موتری می‌سازد و فرد دیگر آن موتر را اداره و راننده‌گی می‌کند و یا زمانی که موتر خراب شد، کسی دیگر آن را ترمیم می‌کند؛ ولی در عالم آفرینش، تدبیر جهان جدا از صنع و آفرینشگری آن نیست؛ یعنی آفریده‌گار و کارگردان جهان یکی است. بر اساس تدبیر تکوینی ما معتقدیم که خداوند جهان را آفریده است؛ همان‌گونه نیز اداره جهان فعل خداوند یکتا می‌باشد. البته، توحید در تدبیر با اعتقاد به مدبرهای دیگر که با اذن خداوند ﷻ انجام وظیفه می‌نمایند، منافات و ضدیت ندارد. در حقیقت این مدبرها، جلوه‌یی از مظاهر ربوبیت خدا می‌باشند؛ لذا قرآن کریم در عین تأکید بر توحید در

۱. اصل سی و یکم

ربوبیت، به وجود مدبران دیگر تصریح کرده می‌فرماید: **(فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا)**؛ و کار [بنده‌گان] را تدبیر می‌کنند^۲ که آنان ملایک می‌باشند.

ربوبیت در تشریح

وجه دوم توحید ربوبی، ربوبیت یا تدبیر در تشریح می‌باشد^۳. همان‌گونه که در عرصهٔ تکوین، خداوند یگانه مدبر است و تدبیر جهان آفرینش و زنده‌گی انسان در دست اوست، هر نوع امور مربوط به شریعت اعم از تعیین تکلیف، قانون‌گذاری، حکومت و فرمانروایی، شفاعت و مغفرت گناهان نیز همه‌گی در اختیار خداست؛ یعنی هیچ‌کس بدون اذن خداوند ﷻ حق تصرف در این امور را ندارد؛ به‌طور مثال: هیچ‌کس حق ندارد به غیر آنچه که خدا فرمان داده است، داوری کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: **(وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)**؛ و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود کافراند^۴.

از آنجا که انتخاب پیامبران به عنوان حاکمان و راهنمایان بشر به اذن پروردگار بوده است، تصرف ایشان و اطاعت مردم از این بزرگواران، عین اطاعت خداوند است. خداوند ﷻ می‌فرماید: **(مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا، هُرَّكَسَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ)**؛ و در آیهٔ دیگر خداوند می‌فرماید: **(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطِيعَ بِإِذْنِ اللَّهِ)**؛ و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن‌که به توفیق الهی از او اطاعت کنند^۵.

با توجه به ربوبیت تشریحی به‌طور خلاصه می‌توان گفت: یک فرد موحد باید در امور مربوط به شریعت، تنها خدا را مرجع و مدبر بداند؛ مگر آن‌که خداوند کسی را برای فرمانروایی و بیان تکالیف دینی برگزیند.

۲. نازعات/ ۵.

۳. اصل سی و دوم

۴. مائده/ ۴۴

۵. نساء/ ۸۰

۶. نساء/ ۶۶

فعالیت



بعد از مطالعه، درس را با یکی از هم‌صنفان خود گفت‌وگو نمایید.

ارزشیابی



۱. مقصود از توحید ربوبی چیست؟
۲. ربوبیت در تشریح یعنی چه؟
۳. مطابق توحید ربوبی، تدبیر امور بشر در تمام موارد مانند...،...و... منحصرأ از آن خداوند یکتاست.
۴. ربوبیت تکوینی، همان... است.

کارخانه‌گی



شاگردان، در باره توحید ربوبی مطالعه نموده، پنج سطر بنویسند.

توحید عبادی

هدف: آشنایی با توحید عبادی

پرسش

عاملی که عبادت را از احترام و تکریم جدا می‌سازد، چیست؟

اعتقاد به یگانه‌گی ذات و صفات و افعال خداوند ﷻ انسان را به برقراری رابطه‌ی خاص با خداوند ﷻ و جهان فرا می‌خواند. انسان معتقد، تلاش می‌کند تا کلمه طیبه «لا اله الا الله» را در زنده‌گی خود محقق سازد. از نظر چنین فردی، هیچ معبودی جز ذات پاک خداوند ﷻ شایسته پرستش نیست.

پرستش، یک امر فطری

روان‌شناسان عقیده دارند که در وجود انسان گرایش‌هایی به صورت فطری وجود دارد. یکی از آن گرایش‌ها میل به پرستش است. با این وصف، همه انسان‌ها به صورت ناخودآگاه، گرایش به ستایش خداوند ﷻ دارند؛ اما آن‌چه مهم است، پرستش اختیاری است که در سایه آگاهی و ایمان یک فرد تحقق می‌یابد که هدف بعثت پیامبران الهی نیز تذکر و یادآوری همین گرایش درونی بوده است.^۱

در این‌که فقط باید خدا را پرستش کرد و از پرستش غیر او دوری جست، اختلاف نظری وجود ندارد؛ اما درباره عملی که مصداق عبادت و پرستش محسوب می‌شود و عملی که به عنوان تعظیم و تکریم انجام می‌گیرد، بحث‌هایی وجود دارد. شکی نیست که پرستش پدر و مادر و انبیا و اولیا، حرام و شرک است و در عین حال تکریم و تعظیم آنان لازم و عین توحید می‌باشد؟ اما باید دید عاملی که عبادت را از تکریم جدا می‌سازد، چیست؟ چگونه یک عمل مانند سجده ملایکه بر آدم و سجده فرزندان یعقوب بر یوسف در یکجا

۱. منشور عقاید امامیه بخش دوم کلیات عقاید اصل سی و سوم ۴

۲. وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

عین توحید؛ ولی سجده در برابر بت‌ها عین شرک و بت‌پرستی است؟ پاسخ این سؤال از بحث توحید در تدبیر که گذشت و تعریف عبادت، آشکار می‌شود.

عبادت و تکریم

توحید در عبادت به معنای یگانه‌پرستی و انجام اعمال برای خداوند ﷻ می‌باشد. اگرچه عبادت به اعمالی همچون نماز، روزه و نیایش خداوند ﷻ گفته می‌شود؛ ولی عبادت منحصر به این اعمال نیست. اگر کسی به کارهای خود جهت الهی دهد و برای خدا کار کند، عبادت کرده است؛ از همین رو، خداوند ﷻ به حضرت ابراهیم فرمود که بگوید: **(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ؛** بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زنده‌گی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است - [که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته‌ام و من نخستین مسلمانم).^۳

اگر انسان در مقابل موجودی غیر از خدا، با این اعتقاد که او به طور مستقل سرنوشت جهان یا انسان و یا بخشی از سرنوشت آن دو را در دست دارد، خضوع کند و به تعبیر دیگر، آن موجود را ربّ و مالک جهان و انسان بداند، این عمل فرد شرک می‌باشد؛ ولی اعمالی مانند سجده فرشته‌گان برای حضرت آدم و سجده فرزندان یعقوب برای حضرت یوسف، از آنجا که از روی اعتقاد به ربوبیت و پروردگاری آنان نشأت نمی‌گرفت؛ بلکه خضوع آنان با اعتقاد به عبودیت و بنده‌گی خداوند همراه با کرامت آدم و یوسف در درگاه الهی سرچشمه می‌گرفت، رنگ شرک و عبادت غیر خدا را نداشت؛ ولی سجده بت‌ها که از اعتقاد مشرکان به ربوبیت و کارگردانی بت‌ها بر سرنوشت مردم سرچشمه می‌گرفت، و مشرکین عزت و ذلت، مغفرت و شفاعت خود را در دست آن‌ها می‌دانستند، شرک محسوب می‌شد که این عمل آنان منفی و مطرود می‌باشد.

۳. مائده/۶۲

پس می‌توان گفت: ضابطه‌یی که احترام و تکریم را از عبادت جدا می‌نماید، اعتقاد به ربوبیت یا عدم اعتقاد به ربوبیت فرد و شیء مورد نظر می‌باشد. یک عمل مانند سجده بت‌ها با توجه به این ضابطه می‌تواند شرک محسوب شود و در جای دیگر عملی مانند سجده فرشته‌گان و فرزندان یعقوب، عین توحید به حساب آید.

فعالیت



شاگردان متن درس را مطالعه نموده و در گروه‌های سه نفری در باره تکریم و عبادت و فرق آن دو باهم تبادل نظر نمایند.

ارزشیابی



۱. همه انسان‌ها به صورت ناخودآگاه، گرایش به... دارند.
۲. توحید در عبادت به معنای... و... برای خداوند می‌باشد.
۳. ضابطه‌یی که احترام و تکریم را از عبادت جدا می‌نماید... یا... به ربوبیت فرد و شیء مورد نظر می‌باشد.
۴. عاملی که عبادت را از تکریم جدا می‌سازد، چیست؟

کارخانه‌گی



شاگردان، این درس و درس توحید ربوبی را مطالعه نموده و چهار سطر در باره فرق عبادت و تکریم بنویسند.

هدایت الهی

هدف: آشنایی با انواع هدایت الهی

پرسش‌ها

۱. آیا می‌توانید بگویید که زنبور عسل و حیوانات چگونه راه زنده‌گی خود را می‌یابند؟
۲. آیا در وجود آنان برنامه و قانونی برای چگونه زیستن وجود دارد؟

هدایت

هر موجودی که در عالم وجود دارد، برای این که به مقصد و کمال ذاتی خود برسد، نیاز به نوعی هدایت و برنامه زنده‌گی دارد؛ از این رو خداوند ﷻ دانا همه موجودات را به گونه‌ی هدایت نموده و راه رسیدن به کمال را به آنان نشان داده است. برای آشنایی بیشتر با این راه‌های رسیدن به کمال، این درس را پی می‌گیریم.

هدایت تکوینی

قرآن مجید در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل چنین می‌فرماید: «پروردگار تو، به زنبور عسل الهام کرد که در کوه‌ها و درختان و سقف‌های رفیع، خانه اختیار کن؛ سپس از تمام گل‌ها بنوش و در راهی که پروردگارت تعیین کرده، با آرامی گام بردار؛ آنگاه از درون آن‌ها شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفای مردمان است. در این کار نیز آیت قدرت خدا برای متفکران پیداست».

در این آیه شریفه به نمونه‌ی از هدایت الهی اشاره شده است. البته، ما می‌توانیم هدایت الهی را در موجودات دیگر نیز مشاهده نماییم؛ آیا می‌توانید نمونه‌هایی ذکر نمایید؟
همه موجودات عالم شامل جمادات، گیاهان و انسان‌ها تحت قوانین حساب‌شده‌ی که از طرف خداوند معین شده، به پیش می‌روند. به عبارت دیگر، در واقع تمام هستی هماهنگ و منسجم به سوی غایتی در حرکت و تکاپویند که منشأ این حرکت‌ها، همان

قوانینی است که به خواست و اراده‌ی خداوند در مخلوقات قرار داده شده است. به این نوع هدایت که با خلقت موجودات همراه است، هدایت تکوینی گفته می‌شود. قرآن کریم در معرفی خداوند از زبان حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: **(رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛** پروردگار ما همان است که همه چیز را آفرید و سپس آن را هدایت کرد).^۱

در مورد انسان، این هدایت به روش‌های متعدد می‌باشد. وجود فطرت و عقل نمونه‌هایی از هدایت تکوینی الهی در انسان می‌باشد. انسان‌ها از این طریق به سوی اصول و ارزش‌هایی خاص، متمایل و در حرکت‌اند.

هدایت تشریحی

همان‌طور که گفتیم، آنچه که در عالم وجود دارد، برای این که به کمال ذاتی خود برسد، باید از نوعی هدایت برخوردار باشد. دسته‌یی از موجودات عالم بنا به ویژه‌گی‌های خاصی که دارند، نیاز به نوع دیگری از هدایت‌های الهی دارند. این موجودات که دارای عقل و اندیشه و در نتیجه قدرت انتخاب هستند، نیاز به هدایت دارند که اگر خواهان سعادت بودند، به آن روی آورند و اگر نخواستند، از آن روی گردانند. در واقع این هدایت، همان تشریح الهی می‌باشد.

هدایت تشریحی، آن است که خداوند راه را نشان می‌دهد و انتخاب راه را به عهده‌ی موجودات مختار می‌گذارد. چنان‌که در این باره می‌فرماید: **«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛** ما آدمیان را به راه راست هدایت کردیم. او یا آن را بر می‌گزیند که قدر دان خواهد بود و یا از آن روی می‌گرداند که در آن صورت نسبت به نعمت الهی کفران‌کننده خواهد بود.»^۲

این نوع هدایت، همان راهی است که به وسیله‌ی پیامبران و امامان علیهم السلام از طرف خدا پیش روی انسان‌ها گشوده شده است. این گونه هدایت مخصوص انسان‌ها است؛ زیرا تشریح و قانون‌گذاری در جایی ممکن است که موجود دارای اختیار و توان انتخاب و گزینش باشد. چنین هدایتی، حالت فراگیر و همه‌گانی دارد؛ یعنی خداوند پیامبران را برای همه

۱. طه/۵۰.

۲. دهر/۳.

انسان‌ها فرستاده و کتاب آسمانی خود را برای جمیع بشر نازل فرموده است: چنان‌که می‌فرماید: «ولکل قوم هاد» و «انا ارسلناک کافه للناس».

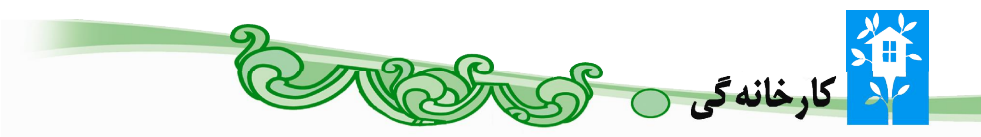
انسان‌ها در برابر این نوع هدایت الهی دو دسته می‌شوند؛ برخی در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورند و برخی به سرپیچی و طغیان می‌پردازند. در نتیجه هرگز به کمال نهایی و سعادت ابدی نخواهند رسید؛ بلکه گرفتار عذاب‌های دردناک ابدی خواهند شد.



شاگردان، در گروه‌های سه نفری دربارهٔ انواع هدایت تبادل نظر نموده و نمایندهٔ هر گروه نتیجهٔ آن را در صنف برای دیگران ارائه کنند.



- ۱- زنبور عسل از چگونه هدایتی برخوردار است؟
- ۲- هدایت تکوینی چیست؟
- ۳- هدایت تشریحی چیست؟



شاگردان، در بارهٔ دو نوع هدایت و فرق آن‌ها مقالهٔ پنج سطر بنویسند.

هدف بعثت انبیا ﷺ

هدف: آشنایی با هدف بعثت انبیا ﷺ

پرسش: هدف از بعثت انبیا چه بوده است؟

همه پیامبران الهی ﷺ برای اهداف مشترکی تلاش و کوشش می کردند. این اهداف شامل همه پیامبران می شد. هدف اساسی دعوت پیامبران، سعادت و کمال انسان ها بوده است. سعادت و کمال به هدف های جزئی تری تقسیم می شود. در این درس به برخی از آیاتی اشاره می کنیم که در آن ها از اهداف رسالت انبیا سخن به میان آمده است.

ایمان به توحید

مهم ترین هدف پیامبران، دعوت به توحید بوده است. همه پیامبران مردم را به توحید و دوری از شرک دعوت می کردند. قرآن کریم می فرماید: **(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ** **اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛** و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را پرستید و از طاغوت [فریگر] پرهیزید.)^۱

حضرت علی ﷺ درباره هدف بعثت پیامبران می فرماید: **(و لِيُعْقِلَ الْعِبَادُ عَنْ رَبِّهِمْ مَا** **جَهَلُوهُ، فَيَعْرِفُوهُ بِرُبُوبِيَّتِهِ بَعْدَ مَا أَنْكَرُوا، وَ يُؤَخِّدُوهُ بِالْأُلُوهِيَّةِ بَعْدَ مَا عَنَدُوا؛** خداوند پیامبران را برانگیخت تا بنده گان وی آنچه را که درباره توحید و صفات خدا نمی دانند، فراگیرند و به ربوبیت و پروردگاری و یگانه گی او بعد از انکار و عناد، ایمان بیاورند).

ایمان به معاد

یکی دیگر از اهداف مهم پیامبران ﷺ، دعوت به پذیرش حیات اخروی بوده است. پیامبران ﷺ تلاش می کردند که به مردم بفهمانند که پس از زنده گی دنیوی، حیات دیگری وجود دارد که در آنجا به تمام اعمال انسان ها رسیده گی می شود و همه باید مراقب اعمال خود باشند تا در آن حیات، دچار عذاب و گرفتاری نشوند.

قرآن کریم در آیه‌ی، از زبان نوح عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که مردم را چگونه به سوی توحید و معاد فرامی‌خواند: **(لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ؛** همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ پس گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم).^۲

اصلاح جامعه و اجرای عدالت اجتماعی

یکی دیگر از اهداف مهم پیامبران، برپایی عدل و داد بوده است. پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام، مأموریت داشتند تا با مفسد اجتماعی مبارزه کرده، عدل و قسط را در جامعه حاکم نمایند. خداوند می‌فرماید: ما رسولان خود را با معجزاتی آشکار فرستادیم و بر آن‌ها کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم برای برپایی عدالت قیام کنند.

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند).^۳

زیرا در جامعه‌ی که رسومات و قوانین ضد الهی نظیر خرافات، آداب و عنعنات غلط، امتیازات قومی و نژادی حاکم باشد، عدالت تحقق نمی‌پذیرد؛ از این‌رو، هریک از پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام با مهم‌ترین مفسد جامعه خود به مبارزه برمی‌خاستند. قرآن مصادیق بسیاری از حیات اجتماعی پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام را نقل می‌کند تا نشان دهد که انبیا نابودی کلیه مفسد اجتماعی را نشانه گرفته بودند، به‌طور مثال: پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ‌گونه امتیاز نژادی و قومی را نمی‌پذیرفتند؛ بلکه تمام نژادها و زبان‌ها و اقوام، در نظرشان یکسان بود. قرآن خطاب به همه انسان‌ها می‌فرماید: **(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛** ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است).^۴

۲. اعراف/ ۵۹

۳. حدید/ ۲۵

۴. حجرات/ ۱۳

حضرت صالح عليه السلام با اسراف و تبذیر قوم خود به مبارزه برخاست. (فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا - وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ - الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ؛ از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید- و فرمان افراط‌گران را پیروی نکنید- آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند).

با توجه به آیات فوق، می‌توان گفت که پیامبران برای اصلاح جامعه با همه انحرافات مبارزه کردند. آن‌ها تلاش می‌کردند تا همه مفاسد اجتماعی را از میان ببرند.

فعالیت

۱. شاگردان، در باره اهداف بعثت به صورت دو نفری باهم بحث کنند.
۲. شاگردان، آیات درس را به صورت دو نفری بحث نمایند.

ارزشیابی

۱. هدف اساسی دعوت پیامبران عليهم السلام ... و... انسان‌ها بوده است.
۲. مهم‌ترین هدف پیامبران عليهم السلام، دعوت به... بوده است.
۳. امیر مؤمنان در باره هدف بعثت پیامبران عليهم السلام چه فرموده است؟
۴. اهداف بعثت انبیا عليهم السلام را نام ببرید.

کارخانه‌گی

شاگردان، در باره اهداف پیامبران عليهم السلام پنج سطر بنویسند.

وظایف پیامبران الهی ﷺ

هدف: آشنایی با وظایف پیامبران ﷺ

پرسش: پیامبران ﷺ برای رسیدن به اهداف بعثت، چه وظایفی دارند؟

اوصاف و تعابیر متعددی در قرآن کریم وجود دارد که نوع وظیفه و رسالت پیامبران ﷺ را نشان می‌دهد؛ اما برجسته‌ترین و مانوس‌ترین اصطلاحی که در این میان وجود دارد، کلمهٔ هدایت است. متکلمان، هدایت را به دو معنا به کار برده‌اند: ۱- نشان دادن راه ۲- رهبری تا رسیدن به مقصود. هدایت، سایر وظایف را نیز دربرمی‌گیرد. شیوه‌های هدایت یا وظایف پیامبران ﷺ متنوع است؛ از جملهٔ این وظایف به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد.

دریافت و ابلاغ وحی

دریافت وحی از ویژه‌گی‌های پیامبران است. خداوند از طریق وحی، برنامه‌ها و دستورهای خود را در اختیار پیامبران قرار می‌دهد. پیامبران بعد از دریافت پیام‌ها و دستورهای الهی، وظیفه دارند بدون کم و زیاد دستورها و رهنمودهای خداوند را به انسان‌ها برسانند. خداوند در این مورد چنین می‌فرماید: **(كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ. ۱** بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از ایشان مردمان دیگری بودند فرستادیم تا آنچه را به تو وحی می‌کردیم بر آنان بخوانی....)

مرجعیت علمی^۲

پیامبر اسلام ﷺ سرچشمه و منبع اصیل حیات علمی و فکری مردم بود. زمانی که آیات و دستورهای الهی بر حضرت نازل می‌شد، آن حضرت ﷺ علاوه بر ابلاغ دستور خداوند ﷻ، در مورد آیات و احکام نازل شده توضیحات لازم را بیان می‌فرمودند و مردم را راهنمایی می‌نمودند. هنگامی که در زمان حضور پیامبر ﷺ برای مردم در زمینه‌های مختلف

۱. رعد/ ۳۰.

۲. قرآن و اهداف نبوت منشور عقاید امامیه اصل پنجاه و پنجم

اعتقادی، احکام، اخلاق و دیگر مسایل اجتماعی سؤالی ایجاد می‌شد، آنان برای یافتن جواب به پیامبر اسلام ﷺ مراجعه می‌کردند. امام علی علیه السلام در مورد این وظیفه پیامبر ﷺ فرمودند: «رسول خدا دروازه‌یی از علم به روی من گشود که از آن هزار باب دیگر گشوده می‌شود.»

اگر زمانی دشمنان اسلام به دین و احکام الهی با ایجاد سؤالات و شبهات هجوم می‌آوردند، آن حضرت ﷺ برای رفع شبهات و پاسخ به سؤالات تلاش می‌کردند.

ولایت معنوی

یکی از وظایف مهم پیامبران علیهم السلام، ولایت و رهبری مردم می‌باشد. ولایت در بعد باطنی و در بعد اجتماعی و سیاسی قابل بحث می‌باشد.

ولایت در بعد باطنی به معنای تقرب به خداوند جل جلاله و نوعی ارتباط ویژه میان اولیا و خداوند جل جلاله است. پیامبران علیهم السلام به وسیله ولایت معنوی، واسطه خیر و برکت و رحمت جهان قرار می‌گیرند. آنان نیازهای مهم افراد را به اذن خداوند جل جلاله از راه‌های غیبی برطرف می‌کنند. برکات معنوی این بزرگواران به زمان حضور و بعد از رحلت و شهادت ایشان هم ادامه پیدا می‌کند. یکی از نمونه‌های ولایت معنوی اولیای الهی علیهم السلام، طلب مغفرت برای بنده‌گان خداوند جل جلاله می‌باشد. خداوند جل جلاله در این باره می‌فرماید: **و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جائئوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما**، اگر آن‌ها هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و مرتکب معصیت می‌شدند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و رسول خدا ﷺ نیز برای آن‌ها طلب آمرزش می‌نمود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

ولایت ظاهری

مجموعه قوانین برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون باعث اصلاح جامعه شود، نیاز به اجرای قانون در جامعه می‌باشد؛ بنابراین یکی از بزرگترین مسؤولیت‌های پیامبران، رهبری و تطبیق قوانین الهی بر زنده‌گی مردم می‌باشد. در بعد اجتماعی، حق ولایت در اشکال گوناگون مانند زعامت سیاسی، داوری در اختلافات و... جلوه می‌نماید. مطابق این وظیفه، پیامبران علیهم السلام برای برپایی عدل با فساد جامعه‌شان مبارزه می‌کردند. خداوند جل جلاله در آیه شریفه می‌فرماید: **«...وقل آمنتم بما انزل الله من کتاب و امرت لا عدل**

بینکم...»، لذا پیامبر بزرگ اسلام ﷺ نیز برای اصلاح جامعه مکه همت گماشت و در آنجا تجمع ایمانی بنیان نهاد و روابط آن‌ها را نظم داد و سپس حکومت خویش را بعد از هجرت در مدینه منوره با استفاده از همان افراد و پیروان جدید از انصار مدینه پایه‌ریزی کرد. مسلمانان در مدت ده سال اقامت در مدینه از چنان قدرتی بهره‌مند شدند که مکه را فتح نموده و ابوسفیان و پیروانش را تسلیم ساختند. از طرف دیگر قدرت‌هایی مانند روم و ایران را نیز شکست دادند. ایجاد این گونه تحول اعتقادی در میان مردم جاهل و بت‌پرست و ایجاد اخوت در بین مردمی پراکنده، از دستاوردهای ولایت و رهبری بی‌نظیر پیامبر اسلام می‌باشد.

فعالیت



۱. شاگردان، به صورت دو نفری در باره ولایت معنوی پیامبران علیهم‌السلام بحث نمایند.
۲. شاگردان، در باره ولایت ظاهری و حکومت‌سازی پیامبران علیهم‌السلام بحث کنند.

ارزشیابی

۱. کدام یک از وظایف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با آمدن قرآن پایان یافت؟
۲. عبارت قرآنی «**لنتلو علیهم الذی اوحینا الیک**»، در مورد کدام وظیفه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد؟
۳. این سخن «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بابتی از علم به روی من گشود که از آن هزار باب دیگر گشوده می‌شد.» فرموده کیست؟ و بیان‌گر کدام وظیفه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؟
۴. ولایت معنوی یعنی چه؟
۵. ولایت ظاهری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را توضیح دهید.
۶. اولین بار حکومت بر مبنای قوانین اسلام توسط چه کسی و در کجا پی‌ریزی شد؟

کارخانه‌گی



شاگردان، درباره وظایف پیامبران علیهم‌السلام و ولایت معنوی و ظاهری آنان پنج سطر بنویسند.

معجزه و انواع آن

هدف: آشنایی با معجزات پیامبران علیهم السلام و انواع آن

پرسش‌ها

۱. معجزه چیست؟

۲. چه تفاوتی بین معجزه ابتدایی و اقتراحی وجود دارد؟

در تاریخ مشاهده می‌کنیم که برخی افراد به دروغ، مدعی نبوت شده‌اند تا از این طریق، به شهرت و جاه برسند. برای شناخت مدعیان دروغین نبوت از پیامبران راستین الهی باید ویژه‌گی‌هایی وجود داشته باشد که از جمله این ویژه‌گی‌ها، ارایه معجزه رسولان الهی است.

تعریف معجزه: مردم از کسانی که مدعی نبوت بودند، نشانه‌هایی طلب می‌کردند. در مواردی که درخواست مردم از حس حقیقت‌جویی آن‌ها بود، انبیاء علیهم السلام به اذن خداوند، معجزه ارایه می‌نمودند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: **(قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِيَّ اللَّهُ شَكَّ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مَن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛** پیامبران شان گفتند مگر در باره خدا پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین تردیدی هست. او شما را دعوت می‌کند تا پاره‌ای از گناهان‌تان را بر شما ببخشد و تا زمان معینی شما را مهلت دهد. گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید می‌خواهید ما را از آنچه پدران‌مان می‌پرستیدند؛ باز دارید؛ پس برای ما حجتی آشکار بیاورید^۱)

ابی‌بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا خدای عزوجل به پیامبران، معجزه داده است؟ حضرت فرمودند: برای آن‌که دلیلی بر صدق آورنده‌اش باشد و معجزه از نشانه‌های خداوند است که جز پیامبران و حجت‌های او آن‌را در اختیار ندارند تا به این وسیله، راست‌گو از دروغ‌گو شناخته شود. با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت: معجزه کاری فوق طاقبت بشری است و با عنایت ویژه خداوند به دست مدعی نبوت، برای اثبات صدق مدعی خویش انجام می‌گیرد و مطابق با گفته مدعی نبوت و همراه با مبارزه طلبی است.

۱. ابراهیم/ ۱۰؛ سوره رعد - آیه ۳۷، سوره غافر - آیه ۷۸

در قرآن کریم لفظ معجزه ذکر نشده است؛ بلکه از معجزه به آیه، بینه و برهان یاد شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد که او به آنان می‌گوید] در حقیقت من از جانب پروردگارتان برای تان معجزه‌یی آورده‌ام من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرنده‌های می‌شود و به اذن خدا ناینیای مادرزاد و پیس را بهبود می‌بخشم و مرده‌گان را زنده می‌گردانم و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌های تان ذخیره می‌کنید، خبر می‌دهم مسلماً در این [معجزات] برای شما اگر مؤمن باشید، عبرت است. (سوره آل عمران: ۴۹)

انواع معجزات پیامبران علیهم‌السلام: قرآن کریم معجزات بسیاری به پیامبران علیهم‌السلام نسبت می‌دهد؛ به‌طورمثال: برای حضرت موسی علیه‌السلام نه معجزه^۲ و برای حضرت عیسی علیه‌السلام نیز معجزات فراوانی نسبت داده شده است.^۳ در یک تقسیم‌بندی، معجزات انبیا علیهم‌السلام به معجزات ابتدایی و معجزات اقتراحی تقسیم می‌شود.

۱. معجزه‌های ابتدایی: معجزه‌های ابتدایی، معجزه‌هایی هستند که با خواست و اراده الهی تعیین می‌شود و پیشنهاد مردم یا پیامبر در تعیین آن تأثیری ندارد. مانند عصای موسی علیه‌السلام و قرآن کریم از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.^۴

۲. معجزات اقتراحی: معجزات اقتراحی معجزاتی هستند که با پیشنهاد مردم و در پی دعا و درخواست پیامبر و موافقت الهی انجام می‌شود. نزول غذای آسمانی در زمان حضرت عیسی علیه‌السلام و شتر حضرت صالح^۵، از این‌گونه معجزات است. در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشرکان عرب چند معجزه اقتراحی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طلب نمودند که مورد قبول خداوند جل‌جله قرار نگرفت.^۶

معجزات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: قرآن کریم: خداوند جل‌جله برای هدایت انسان‌ها کتاب‌های آسمانی مانند صحف ابراهیم و نوح، تورات موسی، انجیل عیسی و قرآن محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را فرستاده است، بر اثر گذشت زمان و دخالت مخالفان، بسیاری از کتاب‌های آسمانی مورد

۲. سوره بنی اسرائیل، آیه ۱۰۱

۳. سوره آل عمران، آیه ۴۹. سوره مائده، آیه ۱۱۰

۴. البیان، ص ۳۷ و ۳۸

۵. سوره مائده، آیه ۱۱۵

۶. سوره قمر، آیه ۲۷

۷. سوره بنی اسرائیل، آیات ۹۰ تا ۹۳

تحریف قرار گرفتند؛ ولی قرآن کریم که معجزه علمی و جاودان پیامبر اسلام ﷺ است، از دستبرد تحریف در امان مانده و در همه زمان‌ها همچون آفتابی فروزان می‌درخشد.

معجزه‌های عملی: معجزه‌های عملی آن حضرت ﷺ برخی در قرآن کریم و مواردی در کتاب‌های حدیث و تاریخ نقل شده است. یکی از معجزات عملی پیامبر اکرم ﷺ شق القمر می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: (اَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَالنَّشِقُ الْقَمَرُ - وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ؛ نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه - و هر گاه نشانه‌یی ببینند، روی بگردانند و گویند سحری دایم است).^۸

فعالیت

۱. شاگردان، با استفاده از تعریف معجزه، در باره ویژگی‌های معجزه باهم بحث کنند.
۲. شاگردان، در باره آیات درس در گروه‌ها گفت‌وگو نمایند.

ارزشیابی

۱. چرا خدای عزوجل به پیامبران ﷺ خود معجزه داده است؟
۲. معجزه را تعریف نمایید.
۳. در قرآن کریم از معجزه با چه الفاظی یاد شده است؟
۴. انواع معجزات الهی را با ذکر مثال شرح دهید.

کارخانه‌گی

شاگردان، در مورد علت عدم تحریف قرآن تحقیق نموده و نتیجه را در پنج سطر بنویسند.

۸. سوره قمر / آیه ۱

امامت

هدف: آشنایی با مقام امامت و وظایف امامان علیهم السلام

پرسش‌ها

۱. وظایف امامان علیهم السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟
۲. وظایف آنان با وظایف پیامبران علیهم السلام چه تفاوت دارد؟

اهل بیت پیامبر

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین می‌فرماید: «من در میان شما دو امانت نفیس و گران‌بها می‌گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم، این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند»^۱.

از این حدیث، پیوند مستحکم اهل بیت علیهم السلام و قرآن استنباط می‌شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را اهل بیت خود می‌دانستند. بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تعداد دوازده نفر از اهل بیت علیهم السلام ایشان رهبری و هدایت مسلمانان را بر عهده گرفته‌اند که با نام آنان در سال‌های گذشته آشنا شده‌اید.

وظایف امامان علیهم السلام

بعد از پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله اسلام، امامان علیهم السلام همه وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله به جز دریافت وحی را دارا بودند. انجام مسؤولیت‌های امامان تأثیر زیادی در حفظ و توسعه اسلام داشت. حضور ۲۵۰ ساله امامان علیهم السلام در میان مردم سبب شد که جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از گنجینه گرانقدر علم، زهد و تقوی بهره‌مند شود.

مرجعیت علمی^۲

به طور خلاصه می‌توان گفت: تبیین و توضیح تعالیم دین، پاسخ به مسائل جدید، تربیت شخصیت‌های اسلامی، بازداشتن جامعه از هر نوع انحراف و تزکیه مردم، مربوط به نقش مرجعیت علمی امامان علیهم السلام می‌باشد.

بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ترویج و تبلیغ دین بر عهده امامان قرار گرفت. امامان با دو ویژه‌گی برجسته علم لدنی و عصمت خود، مردم را به سوی کمال و ارزش‌های انسانی

۱. حدیث ثقلین:

۲. قرآن و اهداف نبوت منشور عقاید امامیه اصل پنجاه و پنجم

هدایت می‌کردند. اگرچه تمام ائمه در جهت نشر اسلام کوشش‌های زیادی نمودند؛ اما برای چهار تن از امامان شامل امام علی، امام باقر، امام جعفر صادق و امام رضا علیهم‌السلام، شرایط بهتری وجود داشته است. آنان به سؤالات مردم و بزرگان در زمینه فقه، عقاید، کلام و دیگر علوم پاسخ می‌دادند. از طرف دیگر، دشمنان دین جهت تحریف اسلام تلاش‌های زیادی می‌کردند. آنان در صدد تحریف روح فرهنگ اسلام و قرآن برآمدند که ترویج احادیث جعلی و التقاط آرا و نظرات غیر اسلامی با افکار اسلامی، نمونه‌هایی از این تحریف‌ها می‌باشند به‌طور مثال: مأمون عباسی مجالس مناظره ترتیب می‌داد که نمونه‌های فراوانی از این جلسات و پاسخ به شبهات آنان، در تاریخ زنده‌گانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام نقل شده است.

از دیگر اقدامات امامان علیهم‌السلام می‌توان به تلاش علمی، ایجاد مراکز آموزشی و تربیت شاگردان اشاره کرد؛ به‌طور مثال: در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام همه علوم و فنون رایج تدریس می‌شد، در بین شاگردان آن حضرت علیه‌السلام افرادی چون جابر بن حیان، کیمیادان، هشام بن حکم کلامی‌تاز زراره بن اعین فقیه جای داشت.

از امامان علیهم‌السلام آثار درخشانی در زمینه‌های مختلف به یادگار مانده است؛ از آن جمله می‌توان به نهج البلاغه از امام علی علیه‌السلام، صحیفه سجادیه از امام زین‌العابدین علیه‌السلام و توحید مفضل از بیانات امام صادق علیه‌السلام اشاره کرد.

۱. ولایت معنوی

عده‌یی وجود معصومین را در عالم هستی، به قلب در مجموعه بدن انسان تشبیه می‌نمایند؛ همان‌گونه که وجود قلب برای انسان ضروری است، وجود این انسان‌های کامل نیز در کالبد جهان انسانیّت ضرورت دارد. این بزرگواران، واسطه فیض الهی بر مردم می‌باشند، هر فرد به مقدار ارتباطش با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام از فیض الهی بهره می‌برند. بدیهی است چنانچه مردم به استقبال این مظهر لطف الهی بروند، از همه آثار و برکات وجود آنان بهره‌مند می‌شوند؛ در غیر این صورت، عامل محرومیت نیز خود مردم خواهند بود.^۳

۲. ولایت ظاهری

معنای ولایت ظاهری، مقارن با نوعی تسلط بر امور فردی یا اجتماعی است. وقتی درباره ولایت ظاهری امامان علیهم‌السلام سخن می‌گوییم، مقصود اداره امور اجتماع است. ولایت

۳. محقق طوسی، در کتاب تجرید الاعتقاد (بحث امامت) با عبارت زیر به این برهان اشاره دارد: وجوده لطف، و تصرفه لطف آخر و عدمه منأ، ص ۳۶۲.

معصومین، مظهر ولی مطلق یعنی خداوند است. آیه شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اوبی الامر منکم»^۴ به ولایت و سرپرستی معصومین علیهم السلام اشاره دارد.

ولایت امامان علیهم السلام در بعد اجتماعی و سیاسی، شامل اقامه دین، اجرای احکام، امر به معروف و نهی از منکر و رهبری جامعه اسلامی می‌باشد. ائمه در موقعیت‌های مختلف وظایف خود را انجام می‌دانند؛ به‌طور مثال: امام علی علیه السلام طی سال‌های خلافت ظاهری‌اش، با روش‌های مختلف در اصلاح جامعه تلاش می‌کردند و یا امام رضا علیه السلام با جریان‌های فکری مخالف با اصول اسلامی به رویارویی برخاستند. این وضع تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام ادامه داشت.

فعالیت



۱. شاگردان، در باره وظایف امامان علیهم السلام در گروه‌های چهار نفری تبادل نظر نمایند.
۲. شاگردان، در باره فعالیت‌های علمی امامان علیهم السلام بحث کنند.

ارزشیابی

۱. حدیث ثقلین را بیان نمایید.
۲. از حدیث ثقلین، پیوند مستحکم... و... استنباط می‌شود.
۳. مرجعیت علمی امامان شامل چه چیزهایی می‌شود؟
۴. ولایت امامان علیهم السلام در بعد اجتماعی و سیاسی، شامل چه مسائلی می‌شود؟

کارخانه‌گی



مواردی از ولایت ظاهری امامان علیهم السلام را یافته و در صنف بیان نمایید.

امام کاظم علیه السلام

هدف: آشنایی با زنده گی امام کاظم علیه السلام

پرسش: در مورد زنده گانی امام کاظم علیه السلام چه می دانید؟

از دیدگاه قرآن، فلسفه برانگیخته شدن انبیا و فرستاده گان الهی، علاوه بر اقامه قسط و اجرای احکام و قوانین الهی در جامعه، مطرح شدن سیره آنان به عنوان الگو برای مردم می باشد و به تبع سیره پیامبر، سیره و زنده گی ائمه اطهار علیهم السلام، به عنوان الگو فرا راه تمامی بشریت و به ویژه دوستداران و پیروان آنان قرار دارد؛ لذا برای آشنایی با زنده گی امام کاظم علیه السلام این درس را با هم می خوانیم.

نام آن حضرت، موسی علیه السلام می باشد. ایشان در صبح روز یکشنبه ۷ صفر سال ۱۲۸ هجری قمری، در روستای «ابواء» واقع در بین مکه و مدینه به دنیا آمدند. پدر امام کاظم علیه السلام، ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام ملقب به صادق و مادر ایشان حمیده ملقب به «مصفاة» بوده است. ایشان را کاظم، صابر، صالح و امین لقب داده بودند. زنده گی ایشان عملاً از تجلیات این صفات پر فضیلت آکنده بود. در مورد زنده گی ایشان به دو دوره قبل از امامت و دوره بعد از امامت ایشان، می توان اشاره نمود.

دوران قبل از امامت

آن حضرت علیه السلام ۲۰ سال از عمر شریف خویش را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش، امام صادق علیه السلام، سپری کرد. آن حضرت علیه السلام همواره به فضایل فرزندش اشاره می نمود و به دوستان و یاران خاصش می گفت: که او سرور فرزندان من است و پس از من امامت را عهده دار خواهد شد.

از آن جا که در روزگار امام صادق علیه السلام تا حدودی فضای باز فرهنگی ایجاد شده و معارف اهل بیت علیهم السلام گسترش یافته بود، بیشتر مردم در آن دوره به سوی مذهب اهل بیت علیهم السلام گرائیده بودند.

دوران امامت

دوران امامت حضرت موسی بن جعفر ۳۵ سال بود. آن حضرت علیه السلام از سال (۱۴۸هـ.ق)، یعنی زمانی که ۲۰ سال داشت، تا سال (۱۸۳هـ.ق) عهده‌دار منصب امامت و پیشوایی مردم بودند. دوران امامت ایشان در زمان سلطنت منصور و تمام مدّت سلطنت مهدی، سلطنت هادی و زمانی طولانی از حکومت هارون‌الرشید بود. بیشتر دوران امامت ایشان در عصر خلافت هارون‌الرشید، پنجمین خلیفهٔ عباسی، بود.

روزگاری که امام کاظم علیه السلام در آن می‌زیست، به قرن طلایی دوران عباسیان معروف بود. در آن هنگام، کاخ‌های فرمان‌روایان عباسی آکنده از ثروت‌های هنگفت و شاهد برپایی جشن‌های پرخرج بود. در چنین روزگاری، یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های رهبران مکتب، عبادت و تقوی الهی است که در امام علیه السلام بیشتر تجلی یافته است. ابراهیم بن عبدالحمید می‌گوید: «به خانه امام کاظم علیه السلام رفتم، او به نماز ایستاده بود. در خانه‌اش چیزی نبود مگر منسوجی از برگ‌های درخت خرما یا جامه‌یی بسیار خشن و شمشیری آویخته و یک قرآن^۲.

در این دوره، رسوخ دنیاطلبی بین طبقهٔ حاکم، تفسیر انحرافی از دین و دور ماندن اهل ذکر از صحنهٔ دینی و علمی، سبب ایجاد مشکلات و طرح شبهات زیادی در زمینه‌های مختلف در بین مردم شده بود. در این شرایط، امام علیه السلام به صورت شخصی برای دفع شبهات وارد بحث می‌شدند و در عین حال اصحاب را تشویق و تقویت می‌نمودند تا دیدگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در بین مردم منتشر نمایند؛ به‌طور مثال: امام علیه السلام به محمد بن حکم دستور می‌داد تا در مسجد رسول خدا بنشیند و با مخالفان بحث نماید^۳.

از طرفی، دورهٔ خلافت عباسیان یکی از سخت‌ترین دوران‌ها بر اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. عباسیان بر پیروان اهل بیت علیهم السلام سخت‌گیری می‌کردند. امام کاظم علیه السلام و پیروانش در یکی از سخت‌ترین دوران‌ها قرار داشتند؛ چه بسا ملقب ساختن ایشان به لقب «کاظم» به شیوهٔ حیات آن حضرت علیه السلام به صورت تقیّه و فرو خوردن خشم و غیظ در برابر دردها و فشارها اشاره داشته باشد. آن حضرت علیه السلام در این عصر، سال‌ها در زندان‌های

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۰۰

۳. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، چاپ اول ۱۳۷۶، صفحه ۴۲۱

متعدد به سر برد. اگرچه حکومت می کوشید زندان بان‌های آن حضرت علیه السلام را از میان خشن‌ترین افراد و طرفداران خود برگزیند، زندان بان از نحوه عبادت امام کاظم علیه السلام و دانش سرشار و مکارم اخلاقی آن حضرت علیه السلام اطلاع می‌یافتند و با مشاهده کرامات آن حضرت علیه السلام، تحت تأثیر اخلاق و معنویت ایشان قرار می‌گرفتند.

مرارت و رنج‌ها و غم‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام بعد از فاجعه کربلا، دردناک‌تر و شدیدتر از سایر ائمه علیه السلام بود. ایشان در (۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ ق) در زندان هارون الرشید، در بغداد در سن ۵۵ ساله گی، به دستور هارون مسموم شده و به شهادت رسید. مرقد شریف این امام بزرگوار در شهر کاظمین نزدیک بغداد می‌باشد.



۱. شاگردان، بعد از مطالعه متن درس، به صورت دو نفری در باره زنده گی امام کاظم علیه السلام بحث و گفت‌وگو نمایند.



۱. امام کاظم علیه السلام در کدام سال هجری قمری و در کدام منطقه به دنیا آمد؟
۲. بیشتر دوران امامت امام کاظم علیه السلام در عصر خلافت...،...،... خلیفه عباسی بود.
۳. مرقد شریف این امام بزرگوار در کدام کشور و در کدام شهر می‌باشد؟
۴. امام کاظم علیه السلام برای مقابله با شیعات چه می‌کردند؟ توضیح دهید.



شاگردان، در باره زنده گی امام کاظم علیه السلام مطالعه نموده، شش سطر بنویسند.

امام رضا علیه السلام

هدف: آشنایی با زنده گی امام رضا علیه السلام

پرسش: در مورد زنده گی امام رضا علیه السلام چه می دانید؟

چهره تابناک هریک از معصومین علیهم السلام، همچون ستاره یی در آسمان پرشکوه اسلام می درخشد. زنده گی سازنده آنان می تواند راهگشای ما باشد؛ لذا در این درس به گوشه یی از زنده گی هشتمین امام یعنی امام رضا علیه السلام می پردازیم.

هشتمین اختر تابناک ولایت در سال (۱۴۸ هـ.ق، روز یازدهم ذی القعدة الحرام) دیده به جهان گشود. نام آن حضرت، علی، نام پدرش، موسی علیه السلام و مادر ایشان نجمه می باشد^۱.

دوران قبل از امامت^۲

امام موسی کاظم علیه السلام، از همان اوان کودکی فرزندش علی، لقب رضا و کنیه ابوالحسن را برای ایشان برگزید. این طفل زیر نظر پدرش پرورش یافت و امام موسی کاظم علیه السلام او را به آداب امامت آشنا نمود و اسرار امامت را به ایشان آموخت.

امام موسی کاظم علیه السلام در باره فضایل فرزندش، امام رضا، و این که او جانشین و پیشوای امت است، فراوان سخن گفته است. شاید یکی از عوامل، شرایط بسیار دشوار سیاسی زمان امام موسی کاظم علیه السلام باشد؛ به طوری که تقیه در اوج خود بود و امام در این زمان به فرمان هارون از زندانی به زندان دیگر منتقل می شد. در چنین شرایطی، امکان تفرقه و پراکنده گی پیروان ائمه وجود داشت؛ لذا آن حضرت علیه السلام بر ولایت امام رضا علیه السلام، پس از خود، بیشتر تأکید می کردند.

علی بن عبدالله هاشمی گوید: در کنار مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در حالی که دست فرزندش علی را در دست خود گرفته بود، به سوی ما آمد و پرسید: آیا می دانید من کیستم؟ گفتیم: تو مولا و بزرگ ما هستی. فرمود: مرا به نام و نسب بخوانید.

۱ . محمد تقی مدرسی، هدایتگران راه نور - زندگانی ثامن الائمه حضرت علی بن موسی علیه السلام

۲ . محمد تقی مدرسی، هدایتگران راه نور - زندگانی ثامن الائمه حضرت علی بن موسی علیه السلام

گفتیم: شما موسی بن جعفر هستید.

فرمود: چه کسی همراه من است؟ گفتیم: او، علی، پسر موسی بن جعفر است.
فرمود: پس گواه باشید که او در زمان حیات من و کیلم و پس از مرگم جانشین من است.

دوران امامت

خلفای عباسی که پس از خلفای اموی به حکومت رسیده بودند، خود را در برابر فکر و اندیشه جریان‌های سیاسی مخالف یافتند. این جریان‌ها به نظریات فرهنگی و علمی مسلح بودند. خلفای عباسی که در خلاء فکری به سر می‌بردند، چاره‌ی جز این نیافتند که در صدد استفاده از منابع فکری خارجی برآیند؛ بر همین اساس بود که نهضت ترجمه را نیرو بخشیدند و پیش از پرداختن به کتاب‌های علمی، به ترجمه کتاب‌های فلسفی توجه کردند. این حرکت، موجب اضطراب فکری و آشفتگی فرهنگی امت اسلامی شد و وحدت امت را با خطر روبه رو ساخت. در دوران خلافت مأمون، این اضطراب فکری به اوج خود رسید و همین مسأله موجب شد تا امام رضا علیه السلام عهده‌دار برخورد با آن شود. انتقال آن حضرت علیه السلام به پایتخت دیار اسلام و پذیرفتن ولایت‌عهدی مأمون، باعث شد که وی در متن برخوردهای فکری قرار گیرد. امام رضا علیه السلام با ارباب ملل و مذاهب گوناگون، مناظره‌های بسیاری ترتیب داد. این مناظره‌ها توسط علمای بزرگوار ما، همچون شیخ صدوق رحمه الله، در کتاب‌های مستقلی مثل عیون اخبار الرضا گردآوری شده است. از تأمل در سخنان آن حضرت علیه السلام درمی‌یابیم که وی در صدد برخورد با تشکیک‌ها و تردیدهایی بوده که از سوی دشمنان انتشار می‌یافته است. از همین رو، احادیث بسیاری از امام رضا علیه السلام در خصوص علل و فلسفه شرایع و حکمت‌هایی که در پس احکام دینی نهفته، نقل شده است. همچنین رساله‌ی طبی آن حضرت علیه السلام به نام «طب الرضا» می‌باشد.

ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام

در این جا سزاوار است اندکی در باره ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام که نقطه عطفی در حرکت ائمه علیهم السلام به شمار می‌آید، توضیح داده شود.

مأمون برای کسب مشروعیت حاکمیت خود، ولایت‌عهدی خود را به امام رضا علیه السلام پیشنهاد نمود.

از آنجا که امام شرکت در حکومت عباسیان را قبول نداشت، در مرحله اول از پذیرفتن ولایت عهدی خودداری کرد. مأمون در کار خود اصرار ورزیده، امام مجبور به پذیرش ولایت عهدی شد؛ ولی حضرت شرط کرد که به هیچ وجه در کارهای حکومتی دخالت نکند. مأمون بارها کوشید تا امام را اندک اندک به دخالت در امور حکومتی بکشاند؛ ولی امام کوشش‌های او را بی نتیجه ساخت. این امر موجب شد تا حکومت نتواند کارها را به نام امام پیش ببرد و یا از آن حضرت علیه السلام کسب مشروعیت کند؛ چون قصد مأمون این بود که از طریق ولایت عهدی امام، برای حکومت خود مشروعیت کسب نماید و پس از کسب مشروعیت، امام را از بین ببرد.

سرانجام، امام علیه السلام در آخر صفر ۲۰۳ هـ ق در سن ۵۵ ساله گی، به وسیله مأمون، مسموم و به شهادت رسیدند. مرقد شریف ایشان در مشهد مقدس در کشور ایران می باشد.

فعالیت

۱. شاگردان، در باره دوران زنده گی و مباحثات امام علیه السلام باهم در گروه‌های سه نفری تبادل نظر نمایند.
۲. شاگردان، در همان گروه‌ها در باره ولایت عهدی امام علیه السلام بحث و گفت و گو نمایند.

ارزشیابی

۱. چرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد جانشینی امام رضا علیه السلام بسیار تأکید کرده است؟
۲. چرا خلفای عباسی در صدد استفاده از منابع فکری خارجی و نهضت ترجمه برآمدند؟
۳. امام رضا علیه السلام در مقابل آشفته گی فرهنگی زمان خود چه کرد؟
۴. چرا امام رضا علیه السلام ولایت عهدی مأمون را نمی پذیرفت؟

کارخانه گی

شاگردان از کسانی که به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده‌اند، در مورد خاطرات آنان سؤال نموده و برای دوستان خود تعریف نمایند.

معاد در قرآن

هدف: آشنایی با نظر قرآن کریم در مورد معاد

پرسش: در باره معاد چه می‌دانید؟

از آیات قرآن کریم چنین به نظر می‌رسد که در میان مسایل اعتقادی، پس از توحید و خداشناسی، معاد یا اعتقاد به حیات پس از مرگ دارای اهمیت ویژه‌ی می‌باشد. لذا در این درس نظر قرآن در مورد جهان پس از مرگ را مرور می‌نماییم.

معاد یا آخرت

در اصطلاح ادیان آسمانی، معاد به جهان ابدی گفته می‌شود و انسان در آن‌جا به نتایج اعمال خود دست می‌یابد. در قرآن از معاد با تعابیر مختلفی مانند «الدار الآخرة» و «النشأة الآخرة» و... یاد شده است.

قرآن کریم با تعبیرات گوناگون از معاد سخن به میان آورده است؛ به‌طور مثال: در آیاتی عنوان می‌نماید که از زمان آفرینش آدم، مسأله معاد و حیات پس از مرگ مطرح بوده و حتا ابلیس نیز به این امر اعتراف داشته است.^۱ پس از آدم نیز پیامبران الهی علیهم‌السلام، اقوام مختلف را به مسأله «حیات پس از مرگ» توجه می‌دادند؛ به‌گونه‌ی که این زنده‌گی برای همه اقوامی که انبیا به سوی آنان مبعوث شده‌اند، امری بدیهی و آشکار محسوب می‌شده است؛ لذا قرآن، آخرت را به عنوان اصلی مسلم و یادآورنده فطرت نام برده و چنین می‌فرماید: **ان الدین لواقع**، رستاخیز آمدنی است و شک و شبهه‌ی در آن نمی‌باشد.

قرآن کریم^۲ در آیاتی دیگر در مقام احتجاج و پاسخگویی به شبهات منکران جهان آخرت برمی‌آید و با آیاتی کوتاه، امکان واقع شدن معاد را بیان می‌کند. خداوند می‌فرماید: **(أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ - بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ؛** آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد- آری قادریم که حتی خطوط سر انگشتان او را موزون و مرتب کنیم).^۳

۱. «قال أنظرنی الی یوم یبعثون» (اعراف: ۱۴)؛ گفت: مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند، مهلت ده.

۲. ناصر مکارم شیرازی اعتقاد ما

۳. سوره قیامت ۳-۴

رابطه دنیا و آخرت در قرآن^۴

قرآن کریم در مورد رابطه دنیا و آخرت آیات فراوانی دارد. این آیات رابطه مستقیمی میان اعمال اختیاری انسان در دنیا و سعادت و شقاوت او در آخرت قایل می‌باشد. اگر انسان در دنیا اهل ایمان و عمل صالح باشد، در آخرت سعادت‌مند خواهد بود و بر عکس، اگر انسان در دنیا نافرمانی خدا را انجام دهد و بدون ایمان بمیرد، شقاوت‌مند خواهد شد. به عنوان نمونه، خداوند در آیات ۸۱ و ۸۲ سوره بقره می‌فرماید: «آن‌آن که گناه ورزند و گناهان‌شان آنان را احاطه کند، دوزخی‌اند و جاودانه در آنند و آنان که ایمان آورند و کردار نیکو از ایشان سرزند، از دسته بهشتی‌هایند و در آن جاودانند.»

آثار معاد در قرآن

قرآن کریم اعتقاد به معاد را دارای آثار و نتایج مختلفی می‌داند؛ لذا قرآن کریم در آیات گوناگون به آثار ایمان به معاد اشاره می‌نماید.

قرآن با توصیه‌های اخلاقی از قبیل، ایثار، گذشت، دادن قرض‌الحسنه، یتیم‌نوازی، حمایت از محرومان، نوع‌دوستی و... این اعمال را توشه آخرت و انکار آن را موجب نابودی عواطف انسانی می‌داند و چنین می‌فرماید: آیا دیدی که روز جزا را انکار می‌کند؟ او همان کسی است که با کمال بی‌رحمی یتیم را از خود می‌راند و دیگران را برای خوراندن به مستمندان فرا نمی‌خواند.^۵

از طرف دیگر، صفات برجسته انسانی با یاد معاد به کمال و شگوفایی می‌رسد؛ کسی که بیشتر به یاد معاد و قیامت باشد، قلب او خاشع می‌گردد. قرآن کریم با اشاره به این موضوع، یکی از صفات نمازگزاران خاشع را تصدیق قیامت می‌داند.^۶

انسان معتقد به معاد در مقابل خوش‌گذرانی، رفاه‌طلبی، هوس‌رانی، ثروت‌اندوزی و اسراف بی‌حد و مرز بیمه و ایمن‌گشته و تلاش می‌کند که امکانات و نعمت‌های خداوند را در جهت رضایت او استفاده نماید.^۷

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۹۴

۵. ماعون/ ۳

۶. معارج/ ۲۸

۷. قصص/ ۸۳

آثار منفی انکار معاد

یکی از آثار منفی انکار معاد، ابتلا به انواع آلوده‌گی‌ها است. خداوند در آیات ۴۰-۴۶ سوره مدثر می‌فرماید: «هنگامی که بهشتیان نگاهی به دوزخ می‌افکنند و مجرمان را غرق در انواع عذاب‌ها و شکنجه‌ها می‌بینند، سؤال پرمعنایی از آن‌ها می‌کنند، می‌گویند: چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟ دوزخیان فریادشان بلند می‌شود و عوامل دوزخی شدن خود را در چهار چیز خلاصه می‌کنند: ترک نماز، ترک اطعام مستمندان، همسویی با اهل باطل و سرانجام تکذیب روز جزا.

این آیات به خوبی نشان می‌دهد که یکی از عوامل آلوده‌شدن به اعمال دوزخی، بلکه عامل اصلی، همان انکار روز جزا است که انسان را به یک موجودی بی‌بند و بار و فاقد مسئولیت و تعبد و تقوا تبدیل می‌کند.

فعالیت

۱. شاگردان، در فواید اعتقاد به معاد به صورت دو نفری گفت‌وگو نمایند.
۲. شاگردان در باره کیفیت معاد و روز جزا باهم تبادل نظر نمایند.

ارزشیابی

۱. معاد یا آخرت یعنی چه؟
۲. مسأله معاد در قرآن شریف از چه زمان و چه زوایایی مورد بحث واقع شده است؟
۳. قرآن کریم در مورد امکان وقوع معاد چه می‌فرماید؟
۴. آیا بین این دنیا و آخرت رابطه‌ی وجود دارد؟ شرح دهید.
۵. در مورد آثار منفی انکار معاد توضیح دهید.

کارخانه‌گی



شاگردان، در باره معاد مطالعه نموده، پنج سطر بنویسند.

آثار تربیتی ایمان به معاد

هدف: آشنایی با آثار اخلاقی و تربیتی ایمان به معاد

پرسش: ایمان به معاد چه آثار اخلاقی و تربیتی می‌تواند داشته باشد؟

تمام اعتقادات دینی به صورت کم یا زیاد در رفتار انسان‌ها تأثیر دارد. از میان این باورها، اعتقاد به معاد در جهت دادن و اصلاح رفتار انسان‌ها نقش برجسته‌تری ایفا می‌نماید. چنین عقیده‌ی آثار اخلاقی و تربیتی عمیقی برای انسان به ارمغان می‌آورد در این درس به برخی از آثار اخلاقی و تربیتی ایمان به معاد اشاره می‌نماییم.

اصلاح نگرش انسان به دنیا

در پرتو ایمان و باور به معاد، انسان از ظاهر امور گذر کرده و به باطن آن‌ها نفوذ می‌نماید؛ به گونه‌ی که آمدن‌ها و رفتن‌ها و دگرگونی‌های روزگار را به عنوان نشانه‌های روشنی از ناپایداری این سرای گذرا می‌بیند. این تحولات و تغییرات شگرف، انسان را از دل‌بستن به دنیا و غرق شدن در جلوه‌های فریبی آن برحذر می‌دارد. اعتقاد به معاد، زنده‌گی دنیا را از حالت هدف‌نهایی بودن خارج نموده و آن را برای انسان به عنوان وسیله‌ی برای رسیدن به یک هدف والا و زنده‌گی جاوید و همیشگی تبدیل می‌نماید. بر این اساس، دنیا برای انسان است، نه انسان برای دنیا؛ شخص معتقد به معاد خود را بسیار پرازش‌تر از آن می‌داند که به متاع اندک دنیا بفروشد.

به‌طور مثال: همسر فرعون با آن‌که همه لذات برایش فراهم بود، از تمامی لذات زنده‌گی دنیا چشم پوشیده و خود را با زرق و برق دستگاه فرعون فریب نداد. او از تمام جلوه‌های فریبنده دنیوی دست شست و از درون کاخ‌های فرعون به بهشت الهی چشم دوخت و از پروردگارش چنین تقاضا نمود: «پروردگار من، خانه‌ی برایم در جوارت در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارهایش رهایی بخش.» «... رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ بَخِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ...»^۱

کنترل غرایز و شهوات

در پرتو ایمان به غیب و اعتقاد به سرای جاویدان، وقتی انسان دریافت که فرصت دنیا بسیار محدود و بهره آن بسیار ناچیز است، بر خواسته‌های بی‌پایان خود چیره‌گی و تسلط

می‌یابد و این خواسته‌های بس دور و دراز نمی‌تواند فرد را به دنبال خود بکشد. در این حال، فرد از داشتن اندک مال دنیا مغرور و از خود بی‌خود نمی‌گردد و با از دست دادن یا به دست نیامدن اندک مال و منال دنیا، آزرده‌خاطر نمی‌شود.

«در زنده‌گی دنیا هم آرزوهای بلند و هم یأس‌های عمیق در کمین انسان نشسته‌اند و هردو کشنده‌اند و هردو تهدیدکننده زنده‌گی‌اند و آنچه هردو را در بند می‌کند، یاد مرگ است. یاد مرگ هم «آمال» و هم «آلام» را که هردو بی‌حد جلوه می‌کنند، محدود می‌سازد و آن‌ها را آن‌چنان که هستند، کوچک نشان می‌دهد و تاب و طاقت آدمی را افزایش می‌دهد و او را بر ادامه زنده‌گی قادر می‌سازد.^۱

امیرمؤمنان علی علیه السلام یاد مرگ را اصلاح‌گر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خواند و می‌فرماید: «**الا فاذکروا هادم اللذات و منغص الشهوات و قاطع الأمنیات عند المساورۃ للأعمال القبیحة**»^۲

به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و مکررکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست، به یاد آورید.



شاگردان، در باره آثار تربیتی ایمان به معاد در گروه‌های سه نفری تبادل نظر نمایند.



۱. اعتقاد به معاد در... و... انسان‌ها نقش برجسته‌تری ایفا می‌نماید.
۲. در پرتو ایمان و باور به معاد انسان از... گذر کرده و به... آن‌ها نفوذ می‌نماید.
۳. اعتقاد به معاد، زنده‌گی دنیا را از حالت... خارج می‌نماید.
۴. امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد یاد مرگ چه می‌فرماید؟

۱. نگاهی دوباره بر تربیت اسلامی، ص ۸۵

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۹

آثار اجتماعی ایمان به معاد

هدف: آشنایی با فواید اجتماعی ایمان به معاد

پرسش: آیا می‌دانید که اعتقاد به معاد چه تأثیر در بهبود وضعیت اخلاقی جامعه دارد؟

حق‌گرایی

ایمان به معاد به انسان نیرو می‌بخشد که به سوی حقیقت روی آورد و از حق دفاع کند و در برابر شداید و فشارها مقاومت نماید و تسلیم نشود؛ زیرا در نظر فرد معتقد به معاد، مرگ از مفهوم فنا و نیستی، به معنای بقا و هستی و ملاقات پروردگار یکتا تغییر می‌یابد. نمونه‌یی از این بی‌اعتنایی به تهدیدها را در رفتار ساحرانی که به حضرت موسی علیه السلام ایمان آورده‌اند، مشاهده می‌نماییم.

روز موعود، ساحران در بین انبوه مردم شروع به سحر و جادو نمودند و هرچه در توان داشتند، انجام دادند. در آن زمانی که چشم‌ها خیره و افسون سحرها بود، حضرت موسی علیه السلام، عصای خود را بین سحر ساحران انداخت.

عصای موسی علیه السلام، ناگهان به اژدهای وحشتناکی مبدل گشت و تمام بافته‌های ساحران را بلعید. ساحران با دیدن اژدها شگفت‌زده شدند. آنان که فهمیده بودند که کار حضرت موسی علیه السلام سحر و جادو نیست؛ بلکه معجزه الهی می‌باشد، بر پاهای حضرت موسی علیه السلام افتادند و به ایشان ایمان آوردند.

فرعون که از ایمان آوردن ساحران به حضرت خشمگین شده بود، آنان را تهدید به مرگ نمود و به آنان گفت: آیا قبل از اجازه من ایمان می‌آورید؟! من دست و پای شما را به عکس یکدیگر قطع می‌کنم و به شاخه‌ها و تنه‌های درخت خرما آویزان‌تان می‌کنم.

از آنجا که ساحران با دیدن حقیقت به خدا و معاد ایمان آورده بودند، از تهدیدها نهراسیدند و در برابر فرعون ایستاده و به او گفتند: «**إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا**» هر کاری

می‌خواهی، انجام بده؛ زیرا زور و ستم تو بیش از این دنیا نیست، و در ادامه گفتند: «قالوا لا ضَیْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» کشتن ما مهم نیست که ما به سوی خدای خود باز می‌گردیم. در این داستان قرآنی، نقش ایمان آوردن ساحران به معاد را مشاهده می‌نماییم و می‌بینیم که ایمان به معاد در وجود ساحران، انقلابی برپا نمود؛ به گونه‌یی که دنیا و فرعون و پادشاهای او در چشم ساحران بی‌قدر و ناچیز گشت و آنان تهدیدهای فرعون را در مقابل عذاب‌های الهی به هیچ‌انگاشتند.

عدالت اجتماعی

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی آفریده شده و از طرفی نمی‌تواند به تنهایی نیازهای خویش را برآورده سازد؛ لذا زنده‌گی جمعی را انتخاب نموده است. برای این‌که این زنده‌گی جمعی به گونه‌یی سالم و خوب اداره شود، افراد باید قوانین و حقوق یکدیگر را محترم شمارند و در اعماق وجود خود نسبت به دیگران احساس تعهد و مسؤولیت نمایند و در نهایت به یکدیگر نیکی کنند و عدالت را سرلوحه کارشان قرار دهند تا جامعه‌یی امن و آرام داشته باشند.

آنچه که انسان‌ها را برای رعایت این امور برمی‌انگیزد، ایمان به مبدأ و معاد است. اگر انسان بداند که تمام اعمال او روزی محاسبه خواهد شد، سعی می‌کند در تمام رفتارهای خود دقت نماید تا حق کسی را ضایع نسازد. نمونه‌یی از این تعهد و احساس مسؤولیت نسبت به اجتماع و رعایت عدالت را در رفتار امام علی علیه السلام مشاهده می‌نماییم.

حضرت علی علیه السلام به عنوان حاکم اسلامی در برابر زیاده‌خواهی برادرش عقیل از بیت‌المال او را از آتش جهنم برحذر می‌دارد. «عقیل» که پیرمرد عیال‌واری بود، خدمت برادر خود امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام رسید و درخواست کرد تا از بیت‌المال به سبب خویشاوندی خود سهمیه بیشتری به او بدهد. امام آهنی را داغ کرد و نزدیک دست عقیل آورد. عقیل از ترس دست خود را پس می‌کشد. امام می‌فرماید: اگر تو از این آتش ساده دنیا می‌ترسی، من هم از عذاب و قهر ابدی خدا می‌ترسم!



شاگردان، در مورد آثار ایمان بر رفتار اجتماعی انسان باهم تبادل نظر نمایند.



۱. اعتقاد به معاد چه تأثیری در مبارزات افراد معتقد دارد؟
۲. برای داشتن یک زنده گی سالم اجتماعی وظیفه افراد چیست؟
۳. بهترین انگیزه برای اجرای عدالت چیست؟
۴. رفتار امام علی علیه السلام با برادرش عقیل در مورد تقسیم بیت المال چگونه بود؟



شاگردان، آیات مربوط به مقابله سحران و حضرت موسی علیه السلام را در قرآن بیابند و خلاصه ترجمه آن را یادداشت نمایند.

بخش

فقه

اهمیت ازدواج

هدف: آشنایی با اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در دین مقدس اسلام.

پرسش: آیا می‌دانید ازدواج چه فایده‌های اجتماعی و فردی دارد؟

جهان و آنچه در آن است، همه و همه، سرشار است از حکمت‌ها و حقایق بی‌شماری که اگر با چشم بصیرت به آن نگریسته شود، درهای شناخت و معرفت الهی به روی جوینده آن گشوده می‌شود.

یکی از مسایلی که در عالم خلقت قابل توجه و تدبّر است، مسأله «زوجیت» و «جفت بودن» در موجودات عالم خلقت می‌باشد. خداوند متعال با اراده عالمانه و عادلانه خود، در نظام آفرینش و عالم خلقت، هر چیزی را به شکل «جفت» آفریده است؛ بنابراین «جفت بودن» و «زوج بودن» در هر چیزی حقیقتی است که استثنا برنداشته و پیش از آن که دانش بشری و تحقیقات علمی به آن دسترسی پیدا کند، قرآن کریم در آیات متعددی از جمله این آیه « **وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** » - از هر چیزی دو گونه (نر و ماده) آفریدیم امید که شما عبرت بگیرید.^(۱) » به این واقعیت (زوجیت در موجودات) اشاره کرده است. آری، این خبر بزرگ، این سخن حکیمانه و علمی و این بیان روشن در مورد «زوجیت» موجودات عالم خلقت، قرن‌ها قبل از تحولات و پیشرفت‌های علمی در جوامع بشری، در شهری مثل مکه و مدینه که خط‌نویس، خواننده، کتاب و مکتبی در آن نبوده، از معجزه‌های قرآن مجید به شمار می‌رود و نیز دلیلی محکم بر اصالت علمی این کتاب آسمانی و صدق نبوت خاتم انبیا(ص) می‌باشد.

ازدواج

تعریف ازدواج: ازدواج در لغت به معنای پیوند دادن زناشویی و جفت و قرین شدن است. ازدواج، پیوند، توالد و تناسل در عرصه زنده‌گی جمادات، نباتات و حیوانات بر اساس قوانین بقا جهت‌گیری صحیح‌گرایز صورت می‌گیرد؛ ولی انجام این مسأله حیاتی و برنامه عالی طبیعی در زنده‌گی انسان‌ها، باید بر اساس احکام شرعی و قوانین و مقررات الهی که در قرآن کریم و سخنان و سیره پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام آمده است، تحقق پیدا کند و مایه‌های اولیه این حقیقت، به خواست و اراده حکیمانه خداوند متعال به شکل‌گریزه،

(۱) سوره ذاریات آیه ۴۹

میل، دوستی و محبت، در مرد و زن قرار داده شده است تا زمینه‌ی باشد برای پیوندی پاک و مقدس؛ چنان که در آیه ذیل هم به آن اشاره شده است:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ و از آیات خداوند است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید تا در کنار او آرامش بیابید و میان شما مودت، مهربانی و محبت قرار داد که در این حقیقت، نشانه‌هایی (از سوی خدا) برای مردمی است که اهل تفکر هستند^(۱)

چنان که اشاره شد، در دین مقدس اسلام، توجه به ازدواج و تشکیل خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به‌ویژه آن که تشکیل خانواده راهی است برای رشد و تربیت و تحویل دادن افراد صالح و شایسته به جامعه اسلامی؛ بنابراین در جامعه‌ی که به خانواده توجه نشود و جایگاه آن به عنوان کانون رشد و تربیت و اصلاح افراد جامعه نادیده گرفته شود، به‌وجود آمدن مشکلات اجتماعی نیز یک امر مسلم خواهد بود؛ همان گونه که اکنون جهان غرب به‌خاطر بی‌توجهی به این مسأله، دچار مشکلات بی‌شماری است که آن معضلات در جامعه اسلامی به‌خاطر پایبندی به احکام و قوانین اسلامی در مورد مسأله ازدواج و خانواده، بسیار محدود است؛ چرا که دین مقدس اسلام، صلاح و سعادت جامعه را در صلاح و سعادت فرد می‌داند و از سویی رشد و تربیت فرد در خانواده صورت می‌گیرد؛ لذا یکی از مهم‌ترین پیامدهای ازدواج سالم، تشکیل خانواده سالم و تربیت افرادی سالم برای جامعه می‌باشد.

حضرت رسول اکرم ﷺ در مورد اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده می‌فرماید: **(مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ)**؛ هیچ بنایی در اسلام ساخته نشده است که در نزد خداوند بزرگ و بلندمرتبه و محبوب‌تر از ازدواج باشد.

آثار و فواید ازدواج و تشکیل خانواده

۱- به‌دست آوردن آرامش خاطر: خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ و از نشانه‌های او تعالی این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا با آن‌ها آرام بگیرید و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است).

(۱) سوره روم آیه ۲۱

۲- **حفظ دین و ایمان:** پیامبر اکرم ﷺ می فرماید (من تزوج أحرز نصف دینه؛ هر کس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.)^(۱)

۳- **افزایش روزی:** هم چنین در آیه ۳۲ سوره نور آمده است که: (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ بی همسران خود و غلامان و کنیزان درست کارتان را همسر دهید اگر تنگ دست‌اند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست).

۴- **تولد نسلی پاک و صالح:** حضرت رسول اکرم ﷺ در زمینه ازدواج و اهمیت آن می فرماید: «چه چیز مانع می شود که مؤمن ازدواج نکند؟ چه بسا خداوند فرزندی به او بدهد که وزنه‌یی برای جبهه توحید باشد»^(۲)

بنابراین داشتن نسلی صالح و شایسته یکی دیگر از آثار ازدواج و تشکیل خانواده می باشد.



فعالیت

۱. شاگردان، به صورت سه نفری در باره این که یک خانواده خوب چگونه خانواده‌یی است؟ گفت و گو کنند.
۲. شاگردان، درس را مطالعه نمایند؛ سپس هر گروه با کمک درس شش سطر در مورد اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده بنویسند.



ارزشیابی

- ۱- ازدواج را تعریف نمایید.
- ۲- پیامبر گرامی اسلام ﷺ در باره اهمیت ازدواج چه فرموده‌اند؟
- ۳- چهار مورد از آثار ازدواج و تشکیل خانواده را نام ببرید.



کارخانه‌گی

شاگردان، آیات ذکر شده در درس را همراه با ترجمه حفظ نمایند

(۱) وسایل الشیعه، جلد ۲۰، ص ۱۶

(۲) محمد وحیدی، احکام خانواده، انتشارات سنابل، جلد ۷، قم ۱۳۸۵، ص ۲۹.

موانع ازدواج و راه‌های مقابله با آن

هدف: شناخت راه‌های بر طرف کردن موانع ازدواج

پرسش‌ها

- آیا می‌دانید چه مشکلاتی بر سر راه ازدواج جوانان قرار دارد؟
- به نظر شما چگونه می‌توان با این مشکلات مقابله کرد؟

مشکلات و موانع ازدواج، عواملی به‌طور کامل بیرونی و غیر قابل برطرف شدن نیستند؛ بلکه این عوامل یا به خود فرد برمی‌گردند و یا به افراد دیگر و نیز امکان دارد به اجتماع و عوامل بیرونی دیگری مرتبط شود که بازهم با وجود ویژه‌گی‌هایی که در دین مقدس اسلام بر آن‌ها تأکید شده، برطرف خواهد شد؛ لذا چنانچه ما تلاش کنیم تا خود را به ویژه‌گی‌های نیکویی مجهز نماییم، به‌صورت طبیعی از موانع بسیاری، به سلامت خواهیم گذشت؛ موانعی چون: ۱- توکل؛ «امام علی علیه السلام می‌فرمایند: هر کس بر خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان می‌شود و اسباب برایش فراهم می‌گردد.»^۲

۲- نیکی کردن به خویشان؛ قرآن کریم می‌فرماید: **(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛** در حقیقت خداوند به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد و به شما اندرز می‌دهد شاید که پند گیرید.)^(۱)

۳- صبر و قناعت؛ حضرت علی علیه السلام فرمودند: بردباری و وقار دو همزاد هستند که از همت بلند زاده می‌شوند.^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: به آنچه خداوند قسمت تو کرده، قانع باش و به آنچه دیگران دارند، چشم ندوز و آنچه را که بدان نمی‌رسی، آرزو نکن؛ زیرا کسی که قانع باشد، سیر می‌شود، و کسی که قانع نباشد سیر نمی‌شود و بهره آخرت را دریاب.^۳

(۱) سوره نحل آیه ۹۰

۲. منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۷

۳. منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۸

۴- رعایت اعتدال: امام علی علیه السلام می فرماید: هر کس به خرج‌های اضافی افتخار نماید، با تهیدستی خُرد و خوار می‌شود.

اما موانعی که امکان دارد در مسیر ازدواج فرد پیش آید، عبارت‌اند از:

- ۱- موانع فردی:
- ۱- جست‌وجوی همسر بی‌نقص و بی‌عیب
 - ۲- نداشتن کار و منبع درآمد
 - ۳- وضعیت بد اقتصادی
 - ۴- نداشتن مسکن
 - ۵- مشکل جسمی
 - ۶- تقدس بیجا (دنیاه‌گریزی)

- ۲- موانع بیرونی:
- ۱- والدین
 - ۲- دیگران به‌ویژه خویشان و نزدیکان
 - ۳- خرافات و باورهای بی‌اساس
 - ۴- رسم‌های غلط

دین و آیین ما، دین اعتدال و میانه‌روی است که نه افراط در آن راهی دارد و نه تفریط و این اصل در تمامی احکام و دستورالعمل‌های دینی ما قابل مشاهده است؛ از جمله مسأله ازدواج و انتخاب همسر که توجه خاصی به آن شده. چنان‌که در درس‌های پیشین نیز اشاره شد، خانواده مقدس‌ترین بنیان اجتماعی در جامعه اسلامی است؛ پس واضح است که آنچه در این زمینه مطرح می‌شود، در جهت اصلاح و منفعت افراد جامعه اسلامی است؛ البته اگر به چشم بصیرت و دیدهٔ عبرت‌بنگرنند و بیاندیشند.

یکی از مسایل مهم در راه ازدواج فرزندان، موانع و مشکلاتی است که امکان دارد توسط فرد یا افراد دیگر و یا حتی اجتماع پیرامون او ایجاد شود؛ از جمله سخت‌گیری در انتخاب همسر و یا بی‌دقتی و بی‌توجهی به این مسأله که نه تنها از طرف خود شخص صورت می‌گیرد؛ بلکه اطرافیان او نیز اعمال نظر می‌کنند؛ بنابراین اگر شخص توکل داشته باشد و با دیدهٔ باز و آگاهی کامل و در نظر گرفتن شرایط خویش به انتخاب همسر آیندهٔ خویش مبادرت ورزد و از افراط و تفریط دوری نماید، مطمئناً به لطف خداوند متعال در این امر،

موفق خواهد شد و در غیر این صورت، ممکن است که به مشکل برخورد نماید. در پایان، این سخن حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام را یاد آور می شویم که: **(ثَلَاثَةٌ يَسْتَبْطِنُونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمٌ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ أَوْ أَخْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ سِرًّا؛ سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار دارند؛ روزی که سایه‌یی جز سایه او نیست؛ کسی که وسایل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت‌کننده‌یی برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد).**



شاگردان، درس را خاموشانه مطالعه نمایند و بعد دو نفری باهم تبادل نظر نمایند.



- ۱- سخن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را در مورد اهمیت مساعدت برای ازدواج بیان نمایید.
- ۲- خرافات و باورهای اشتباه چگونه باعث ممانعت از ازدواج می‌شود؟
- ۳- دو مورد از موانع ازدواج فردی را نام برده توضیح دهید.
- ۴- چه زمانی نقش پدر و مادر به عنوان یک مانع بیرونی محسوب می‌شود؟



شاگردان، آیه ۹۰ سوره نحل را همراه با ترجمه حفظ نمایند.

شرایط انتخاب همسر

هدف: آشنایی با معیارهای صحیح انتخاب همسر

پرسش

به نظر شما چه معیاری در انتخاب همسر از اهمیت بیشتری برخوردار است؟
معیارهایی که در ازدواج خوب است در نظر گرفته شود، به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف- معیارهای مشترک بین زن و مرد.

ب- معیارهای خاص زن و مرد.

معیارهای مشترک

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون یکی از ویژگی‌ها و معیارهایی که باید در مورد همسر (زن، مرد) مورد توجه باشد، چنین می‌فرماید: «إِحْدَرُ الْأَحْمَقِ فَإِنَّ مُدَارَاتُهُ تُعْنِيكَ وَ مُوَافَقَتُهُ تُرْدِيكَ وَ مُخَالَفَتُهُ تُؤْذِيكَ وَ مُصَاحَبَتُهُ وَ بَالٌ عَلَيْكَ».

از انسان کم‌عقل دوری کن؛ زیرا کنار آمدن با او تو را خسته می‌کند و وفق دادن خود را با او تو را پست می‌کند و مخالفت کردن با او تو را اذیت و آزار می‌رساند و معاشرت با او برایت گرفتاری و عذاب خواهد بود.

بنابراین یکی از ویژگی‌های همسر شایسته، خردمندی و عاقل بودن اوست. برخی دیگر از شرایط و معیارهای همسر شایسته عبارت‌اند از:

- متدین بودن در اعتقاد و عمل
- اخلاق خوب داشتن
- عفت داشتن
- مؤدب بودن
- سلامت جسمی
- سلامت روحی و روانی
- تناسب مال و شؤون اجتماعی
- هم هدف بودن

- تناسب تحصیلات و دانش افراد

معیارهای خاص در مردان

الف - توانمندی برای اداره زنده گی (رشید بودن): یعنی بتواند مصلحت امور خود و خانواده اش را بسنجد و اداره نماید.

ب - داشتن توانایی مالی برای تشکیل زنده گی و اداره آن. حضرت امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید: «**الْكُفُوُ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ**» «یکی از معیارهای هم کفو بودن آن است که مرد عقیف باشد و برای اداره زنده گی توانایی مالی داشته باشد»^(۱)

معیارهای خاص در زنان

الف - از آنجا که در اکثر کشورها به ویژه کشورهای شرقی، سن ازدواج پایین بوده و به طور معمول دختران در سنین کم ازدواج می کنند، توجه به شرایط فیزیکی و توانایی جسمی آنان برای پذیرش ازدواج و همسراری مسأله مهمی است که باید به آن توجه شود؛ بنابراین اولین معیار خاص در زنان، داشتن توانایی جسمی می باشد.

ب - توانمندی برای اداره زنده گی (رشیده بودن): داشتن توانایی و مهارت اداره زنده گی خود و خانواده به ویژه مدیریت خانه.

پس خوب است تا معیارهای ناصحیحی چون جذابیت های کاذب ظاهری، رقابت، فخرفروشی و تعصبات را کم رنگ نموده و معیارهای صحیح دینی را جایگزین نماییم!

داستان آموزنده ازدواج جویر

جویر مردی سیاه چهره، فقیر و تنها بود که به دلیل فقر و نداشتن سرپناه، در صفا مسجد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (مسجد النبی) سکونت داشت و از اهل صفا به شمار می رفت. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را به خواستگاری ذلفا دختر زیاد بن لبید فرستاده، جویر نیز چنین کرد و به خانه زیاد رفت و مسأله خواستگاری را مطرح کرد. زیاد، پس از شنیدن درخواست جویر با توجه به این که او را هم شأن خود نمی دید، به نزد پیامبر شتافت و خطاب به آن حضرت گفت: جویر همتای ما نیست و مقام و موقعیت او متناسب مقام و موقعیت خاندان ما نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن سخنان او فرمود: «ای زیاد! جویر شخص با ایمانی است و مؤمن همتای مؤمنان است و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است؛ بنابراین (با رضایت دخترت) او را همسر جویر گردان»^(۱).

(۱) حر عاملی، وسایل الشیعه، جلد ۲۰، ص ۷۸.

(۱) محمد محمدی اشتهاردی، ازدواج و شیوه همسراری از دیدگاه اسلام، انتشارات کتاب یوسف، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۰۸.

زیاد پس از شنیدن سخنان حضرت رسول ﷺ به خانه‌اش باز گشت و جریان را برای دخترش بازگو نمود. دخترش نیز موافقت کرد و ازدواج انجام شد. پس از مدتی جویر در یکی از جنگ‌های مسلمین با کفار به شهادت رسید. پس از شهادت او در میان انصار هیچ زنی به اندازه ذلفا خواستگار نداشت.

از آنجا که مسأله ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین مسایل زنده‌گی افراد و شیرین‌ترین حادثه زنده‌گی ایشان می‌باشد، می‌بایست دقت کافی به عمل آید تا این حادثه شیرین و زیبا به جریانی تلخ و غمناک مبدل نشود. چه بسا عدم توجه و دقت کافی در انتخاب همسر و شریک زنده‌گی، باعث پیامدهایی شود که پس از آن قابل جبران نباشد. لذا آشنایی با معیارها و شرایط صحیح انتخاب همسر از دیدگاه دین مقدس اسلام و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام باید مورد توجه قرار گیرد تا بینش و آگاهی ما را نسبت به این مسأله بیشتر نموده و ارتقا بخشد.

فعالیت



۱. شاگردان، گروه‌بندی شده در مورد داستان جویر و ذلفا با یکدیگر گفت‌وگو نمایند.
۲. شاگردان، در گروه‌ها در مورد معیار انتخاب همسر با هم تبادل نظر نمایند.

ارزشیابی

۱. یکی از معیارهای زن و مرد «رشید بودن» است توضیح دهید.
۲. چرا تناسب مال و شؤون اجتماعی در انتخاب همسر مهم می‌باشد؟
۳. چهار مورد از شرایط و معیارهای انتخاب همسر را نام ببرید.

کارخانه‌گی



شاگردان، با مراجعه به کتب اسلامی و کمک افراد آگاه، آیت یا روایتی دیگر در مورد معیارهای انتخاب همسر بنویسند.

عقد نکاح

هدف: شناخت شرایط صحت عقد نکاح

پرسش

- رعایت چه مواردی برای صحت عقد نکاح الزامی می‌باشد؟

قال رسول الله (ص): (النكاحُ سُنتي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج سنت و برنامه

من است پس کسی که از سنت من دوری کند از من نیست.)^(۱)

آنچه که در این درس می‌خوانید:

الف: تعریف عقد.

ب: انواع عقد نکاح

ج: شرایطی که برای صحت عقد نکاح الزامی است.

تعریف عقد

عقد به معنای گره زدن و محکم کردن است و در اصطلاح به پیوندی که بین یک زن و مرد بسته می‌شود و زنده‌گی و سرنوشت آن دو را به یکدیگر گره می‌زند، عقد نکاح یا عقد ازدواج گفته می‌شود.

به واسطه عقد نکاح، زن به مرد حلال می‌شود و آن‌ها محرم یکدیگر می‌شوند و این عقد و پیمان مقدمه‌یی می‌شود برای تشکیل یک کانون پاک و مقدس به نام «خانواده»؛ بنابراین خوب است که در کنار آشنایی با تعریف و معنای عقد، با انواع و شرایط آن نیز متناسب با مجال این درس آشنا شویم.

انواع عقد نکاح

عقد نکاح به دو نوع تقسیم می‌شود: دائم و غیر دائم.

- **عقد دائم:** به عقدی گفته می‌شود که «مدت زناشویی» در آن معین نشود و زنی را

که به این قسم عقد می‌کنند، «دایمه» می‌گویند.

(۱) حر عاملی؛ وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۷.

- **عقد غیر دایم:** به عقدی گفته می‌شود که «مدت زناشویی» در آن معین شود و زنی را که به این شیوه عقد می‌نمایند، «متعّه و صیغه» می‌نامند.^(۱)

شرایط عقد نکاح

هنگامی که عقد نکاح بین زن و مرد خوانده می‌شود و آن‌ها به واسطه آن به یکدیگر زن و شوهر می‌شوند، باید شرایطی به عنوان ارکان عقد نکاح رعایت شود تا صحت عقد نکاح تضمین گردد. آنچه که تحت عنوان شرایط عقد نکاح باید مدنظر باشد، به اختصار عبارت‌اند از:

- ۱- صیغه عقد خوانده شود.
- ۲- صیغه عقد به زبان عربی صحیح خوانده شود.
- ۳- عقد ازدواج باید ایجاب و قبول داشته باشد؛ یعنی زن در مقابل مهر معلوم برای همسری اعلام آماده‌گی نماید و مرد شرایط او را بپذیرد.
- ۴- در خواندن صیغه عقد توسط مرد و زن یا وکیل آن‌ها باید قصد انشا وجود داشته باشد؛ یعنی منظور از خواندن صیغه عقد، عمل به آن نیز باشد.
- ۵- خواننده صیغه، بالغ و عاقل و دارای قصد باشد خواه خود زن و مرد باشند و یا وکیل آن‌ها.
- ۶- رضایت زن و مرد به ازدواج؛ به صورتی که طرفین به خاطر اجبار و بدون رضایت قلبی، عقد ازدواج را نخوانند.

احکام عقد نکاح

- در زناشویی - چه دایم و چه غیر دایم - باید صیغه خوانده شود و تنها رضایت زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را هم یا خود زن و مرد می‌خوانند یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند.
- وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود.
- یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دایم یا غیر دایم از طرف دو نفر وکیل شود.
- «اگر وکیل زن و مرد یا ولی آن‌ها صیغه را می‌خواند، باید در عقد آن‌ها را معین کند به طور مثال نام آن‌ها را ببرد یا به آن‌ها اشاره نماید».^(۲)

(۱) ر.ک. محمدحسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۲، قم ۱۳۸۳، ص ۴۴۹
(۲) محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، جلد ۲، ص ۴۵۳.

مستحبات و آداب عقد

- برای عقد ازدواج مستحب است که کارهای زیر انجام شود:
- مستحب است در هنگام عقد دایم افرادی شاهد عقد باشند و عقد، آشکارا و علنی انجام شود.
 - خواندن دو رکعت نماز قبل از اجرای عقد.
 - خواندن خطبه قبل از خواندن عقد ازدواج که بر مواردی همچون ذکر حمد و ثنای الهی، شهادتین، صلوات بر رسول خدا ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام و وصیت به تقوا و دعا برای سعادت و خوشبختی دو همسر باشد.
 - خواندن عقد ازدواج در شب یکی دیگر از مستحبات و آداب عقد است.

فعالیت



- ۱- شاگردان، درس را خاموشانه مطالعه کنند.
- ۲- شاگردان به طور دو نفری در باره متن درس از همدیگر سؤال و جواب نمایند.

ارزشیابی

۱. عقد را تعریف نمایید.
 ۲. انواع عقد نکاح را نام ببرید.
 ۳. آیا زن هم می تواند وکیل عقد نکاح شود؟
 ۴. کدام مورد از موارد زیر در مورد عقد نکاح واجب می باشد؟
- الف: رضایت زن و مرد برای ازدواج.....
- ب: خواندن صیغه عقد به زبان عربی.....
- ج: رضایت خویشان و اقوام.....
- د: وجود شاهد برای عقد دایم.....

کارخانه گی



شاگردان، با استفاده از کتاب های اسلامی و افراد آگاه، داستان ازدواج یکی از معصومین را بنویسند.

مهریه

هدف: آشنایی با مهر و احکام آن

پرسش: مهریه چیست؟

«ام سلیم» یکی از بانوان مدینه بود که اسلام را پذیرفت و جزو مسلمانان به شمار آمد. یکی از افراد قبیله اش به نام «ابوطلحه انصاری» که هنوز مسلمان نشده بود، از او خواستگاری کرد- با این که ابوطلحه از افراد معروف و با شخصیت و ثروتمند مدینه بود- ام سلیم جواب منفی داد. ابوطلحه مکرر خواستگاری کرد؛ ولی ام سلیم می گفت: من هرگز با شخص کافر ازدواج نمی کنم و مدتی با ابوطلحه در مورد حقانیت اسلام بحث کرد و سرانجام گفتار ام سلیم در او اثر کرد و او مسلمان شد. ام سلیم ازدواج با او را پذیرفت و اسلام او را مهریه خود قرار داد»^(۱).

۱- تعریف مهریه و اهمیت آن در آیات و روایات

مهریه، مهر یا کابین در لغت به معنای چیزی را در عوض چیزی دیگر پرداختن است^(۲) و در اصطلاح به حقی که برای زن در قبال ازدواجش با مرد از سوی مرد پرداخت می شود، مهر یا مهریه می گویند.

در مورد مهریه و رعایت حق زن آیات و روایات متعددی است که به دلیل محدودیت تنها به مواردی از آنها اشاره می شود:

- خداوند متعال در آیه چهارم سوره نساء می فرماید: **«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنْ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا؛** مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک قرض (یا یک عطیه الهی) به آنها پردازید اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا مصرف نمایید».

(۱) محمد محمدی اشتهداری ازدواج و شیوه های همسراری از دیدگاه اسلام، ص ۴۱-۴۰

(۲) جبران مسعود، الرائد، ترجمه رضا انزلی نژاد، انتشارات استان قدس رضوی، جلد ۲، مشهد ۱۳۸۰، ص ۱۶۸۳.

بنابراین «مهریه» حقی است که در شرع مقدس برای زن قرار داده شده و بر رعایت و احقاق این حق مکرر تأکید شده است تا آنجا که حضرت رسول اکرم ﷺ در مورد آن می فرماید:

«خداوند ﷻ در روز قیامت همه گناهان (مسلمانان) را می آمرزد، مگر گناه نپرداختن مهریه و غصب اجرت کارگر و فروختن انسان آزاد که اگر کسی مرتکب یکی از این سه گناه شود، خدا او را نمی آمرزد»^(۱).

هم چنین امام صادق علیه السلام در مورد آنان که این حق را پایمال می کنند، می فرماید: «دزدها سه دسته اند: ۱- کسانی که زکات مالشان را نمی دهند؛ ۲- کسانی که مهریه همسران شان را برای خود حلال می دانند؛ ۳- کسانی که وام می گیرند و قصدشان نپرداختن آن است»^(۲).

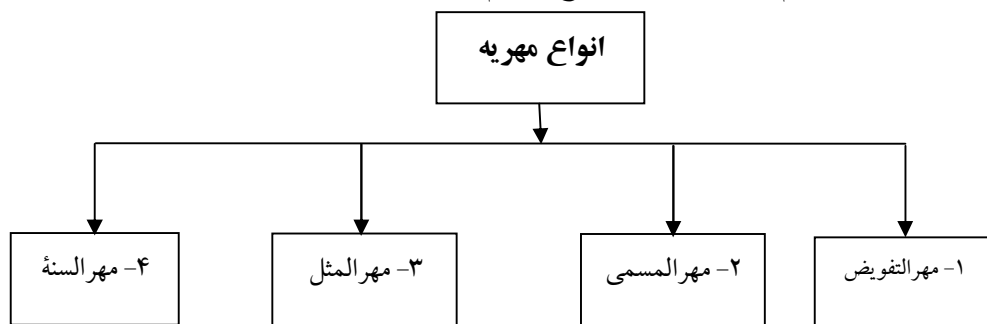
- مرد با پرداخت مهریه به عنوان یک هدیه و شیرینی برای زن، احترام خاصی قایل می شود.

- مهریه یک نوع پشتوانه‌ی مالی برای زن است تا در صورت ضرورت بتواند از دارایی خود استفاده نماید.

- برخلاف گذشته گان که زن را به چشم یک کالا می دیدند و همچون برده پولی را به صاحب اختیارش می پرداختند، دین مقدس اسلام شأن و منزلتی والا به زن بخشید و مهر را به عنوان یک هدیه از طرف مرد برای جلب رضایت خود زن قرار داد و نه اطرافیانش.

انواع مهریه

مهریه در احکام اسلامی به چهار نوع تقسیم می شود:



(۱) وسایل الشیعه، جلد ۱۵، ص ۲۲

(۲) همان ص ۲۳

۱- مهر التفویض

مقدار مهریه‌یی است که یکی از عروس و داماد به واسطه‌ی واگذاردن به دیگری تعیین می‌کند.^(۱)

۲- مهر المسمی

مقدار مهریه‌یی است که مورد توان و رضایت عروس و داماد قرار می‌گیرد و در متن عقد ذکر می‌شود.^(۲)

۳- مهر المثل

مهریه‌یی که برای یک زن متناسب با مهر زنان هم‌شأن او در نظر گرفته می‌شود، مهر المثل می‌گویند.

۳- مهر السنه

به مهریه‌یی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مبلغ «پانصد درهم نقره» برای زنان و دختران خود قرار داده است، گفته می‌شود.

دانستنی‌هایی در مورد مهریه

۱- مهر المسمی، مقدار معینی ندارد بنابراین به هر میزانی که زن و شوهر در مورد آن توافق نمایند، صحیح می‌باشد.

۲- هر چیزی که به ملکیت شخص مسلمان درآید، می‌تواند به عنوان مهریه قرار داده شود خواه خود مال و یا دین و یا منفعت عین مملوکی از قبیل خانه، زمین زراعتی، حیوان و درخت و... باشد. هم‌چنین می‌توان منفعتی همچون تعلیم و آموزش علمی را به عنوان مهریه قرار داد.^(۳)

۳- آنچه که در بعضی از مناطق تحت عنوان «قلین»، «تویانه»، «گله»، «ورور» و یا «شیربها» گرفته می‌شود، مهریه نیست و جزو مهریه هم محسوب نمی‌شود.

۴- مقدار مهر السنه به مقیاس امروزی آن، ۲۶۲,۵ مثقال نقره مسکوک می‌باشد.

(۱) محمد وحیدی، احکام خانواده (۱)، انتشارات سنابل، قم ۱۳۸۵، ص ۱۹۸

(۲) همان

(۳) ر.ک. آیه الله العظمی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، مسأله (۱)



شاگردان، در باره اهمیت مهریه و لزوم پرداخت آن دو نفری باهم تبادل نظر نمایند.



- ۱- مهریه را تعریف نمایید.
- ۲- انواع مهریه را نام ببرید.
- ۳- سخن حضرت امام صادق علیه السلام را در مورد مهریه زنان بگویید.
- ۴- مقدار مهرالمسمی به توافق چه کسی بسته گی دارد؟



- شاگردان، با مراجعه به کتب اسلامی و توضیح المسائل، چند حکم دیگر در مورد پرداخت مهریه زنان را بنویسند.

نفقه

هدف: آشنایی با نفقه و شرایط آن

پرسش‌ها

۱. نفقه چیست؟

۲. پرداخت نفقه چه شرایطی دارد؟

زنده‌گی جریانی زیبا و در عین حال مشترک است که یک طرف آن مرد با ویژه‌گی‌های خاص خود و در سوی دیگر زن با خصوصیات ویژه خویش قرار دارد. اما آنچه که این دو را به یکدیگر پیوند می‌دهد، خواست و اراده الهی است که در قالب عقد نکاح، پیوند مهر و محبت را بین این دو جاری می‌سازد و سرنوشت ایشان را به یکدیگر گره می‌زند و باعث می‌شود تا این دو برای تأمین آرامش و آسایش یکدیگر تلاش کنند؛ چراکه هر دو (زن و مرد) به یک میزان از زنده‌گی مشترک بهره‌مند می‌شوند و در آن سهیم هستند؛ بنابراین هریک وظیفه و مسؤلیتی را در قبال یکدیگر به عهده می‌گیرند تا آرامش و راحتی را به دیگری ارزانی نمایند.

دین مقدس اسلام نیز برای تأمین این نیازها، برای هریک، وظایفی را برشمرده که تأمین مخارج زنده‌گی (نفقه) خانواده، به‌ویژه همسر، یکی از وظایف مرد به شمار می‌رود و این مسأله از چنان اهمیتی برخوردار است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد می‌فرماید:

«**الكَافُّ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**؛ کسی که برای تأمین نیازهای مادی خانواده‌اش تلاش می‌کند، مجاهد در راه خداوند است.»^(۱)

بنابراین کسی که در راه تأمین مخارج زنده‌گی خانواده خود، به‌ویژه همسرش تلاش می‌نماید، پاداش یک مجاهد در راه خدا را دریافت می‌نماید.

(۱) بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴

تعریف نفقه

نفقه دادن یعنی تأمین هزینه زنده گی کسی، آن گونه که عادتاً بدان نیازمند است از خوراک و پوشاک و مسکن و سایر نیازمندی‌ها.^(۱)

اسباب وجوب نفقه

نفقه دادن با وجود سه دلیل زیر واجب می‌گردد:

۱- زوجیت

هنگامی که زنی به عقد دائم مردی درآید، نفقه او بر مرد واجب می‌شود و چنانچه پرداخت نشود، دینی بر عهده مرد باقی می‌ماند.

۲- خویشاوندی

اشخاصی چون پدر و مادر و فرزند به دلیل خویشاوندی، مستحق دریافت نفقه هستند و در سلسله مراتب کسانی که واجب النفقه هستند، بعد از همسر دائم قرار می‌گیرند. البته ناگفته نماند که پرداخت نفقه همسر بر مرد واجب است و تا زمانی که نفقه او پرداخت نشده، مرد نمی‌تواند نفقه پدر و مادر و فرزند را بپردازد؛ بلکه نفقه زن از اولویت برخوردار است.

۳- ملک

سومین سبب برای پرداخت نفقه، رابطه ملکیت می‌باشد؛ از این رو پرداخت نفقه برده گان نیز از جمله موارد پرداخت نفقه می‌باشد و نیز حیوانات و چهارپایانی که جزو ملک شخص محسوب می‌شوند.^(۲)

کیفیت و کمیت نفقه

هنگامی که عقد دائم جاری می‌شود، مرد باید نفقه زن را بپردازد و کیفیت نفقه باید متناسب با شأن و منزلت زن بوده و تأمین کننده نیازهای معمول و متعارف او باشد و این نیازها می‌تواند نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازمندی‌هایی باشد که به مقام و موقعیت زن بسته گی دارد و چنانچه مرد در پرداخت نفقه زن کوتاهی کند، نفقه زن به صورت دینی بر عهده مرد باقی خواهد ماند و زن صاحب حق و طلبکار محسوب خواهد شد؛ خواه که آنان در آغاز زنده گی مشترک باشند یا این که عمری را در کنار هم به پیری رسانده باشند.

(۱) علیرضا فیض، مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۷۸

(۲) ر. ک، همان

همچنین عدم توانایی مالی مرد نیز این حق زن را از بین نمی‌برد و به هر حال او مدیون زن خواهد بود؛ البته دو نکته زیر نباید فراموش شود که:

۱- کیفیت نفقه زن متناسب با شأن و منزلت زن باشد و حال و موقعیت او در نظر گرفته شود؛ اما کمیت (مقدار) نفقه ارتباطی به عرف ندارد.

۲- خوب است که بانوان عزیز وضعیت مالی و توان اقتصادی شوهران خود را در نظر داشته باشند؛ چرا که زنده گی یک تفاهم دوطرفه است و نه یک جریان یک‌سویه.

در چه مواردی نفقه زن واجب نیست؟

- ۱- زن در عقد دائم مرد نباشد.
- ۲- زن به دلیل نشوز یا خردی و کلانی بیش از حد سن نتواند خواست‌های شوهر را برآورده سازد.

۳- وقتی که زن مرتد شود.^(۱)



شاگردان در گروه‌های سه نفری در مورد درس با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند و خلاصه آن را بیان کنند.



- ۱- نفقه را تعریف نمایید.
- ۲- چرا تلاش برای تأمین نفقه خانواده، به‌ویژه همسر، پاداش جهاد در راه خدا را دارد؟
- ۳- چه چیزی باید در کیفیت نفقه زن مورد توجه باشد؟
- ۴- اسباب وجوب نفقه را نام ببرید.



شاگردان، در مورد کسانی که حق نفقه دارند، به ترتیب اولویت و سلسله‌مراتب یک چارت تنظیم نمایند.

(۱) ر.ک. احکام خانواده، ص ۲۷۴

حقوق متقابل زن و شوهر

هدف: آشنایی با حقوق زن و شوهر

پرسش

- در باره حقوق متقابل زن و شوهر چه می‌دانید؟

دین اسلام، دین رأفت، انصاف و مهربانی است؛ لذا می‌توانیم رایحهٔ خوش آن را از احکام و مقررات و دستورالعمل‌های دینی، استشمام نماییم. یکی از مسائلی که شاید در دین ما بر آن توصیه و سفارش زیادی شده است، رعایت حال همسر، احترام گذاشتن به حقوق او و توجه کردن به انجام وظایف هریک در قبال دیگری می‌باشد؛ بنابراین برای هریک (زن و مرد) حقوقی برشمرده شده و در مقابل هر حق، وظیفه‌ی برای طرف مقابل (زن و مرد) قرار داده شده است؛ چرا که وجود هر حقی، ایجاب‌کننده وظیفه‌ی برای دیگری در مقابل صاحب حق می‌باشد؛ به‌طور مثال: تأمین هزینه‌های زنده‌گی زن، حق زن است که در مقابل وظیفهٔ تأمین این مخارج یا همان نفقه بر عهدهٔ مرد نهاده شده است؛ پس متوجه می‌شویم که دین مقدس اسلام تا چه اندازه به رعایت حقوق زن و مرد توجه داشته و با تعیین وظایف و سفارش در آیات و روایات بر آن تأکید نموده است.

به همین خاطر، در این درس حقوق زن و شوهر، همراه با وظایف آنان، برای شما عزیزان بیان می‌شود؛ چرا که این دو لازم و ملزوم هم هستند.

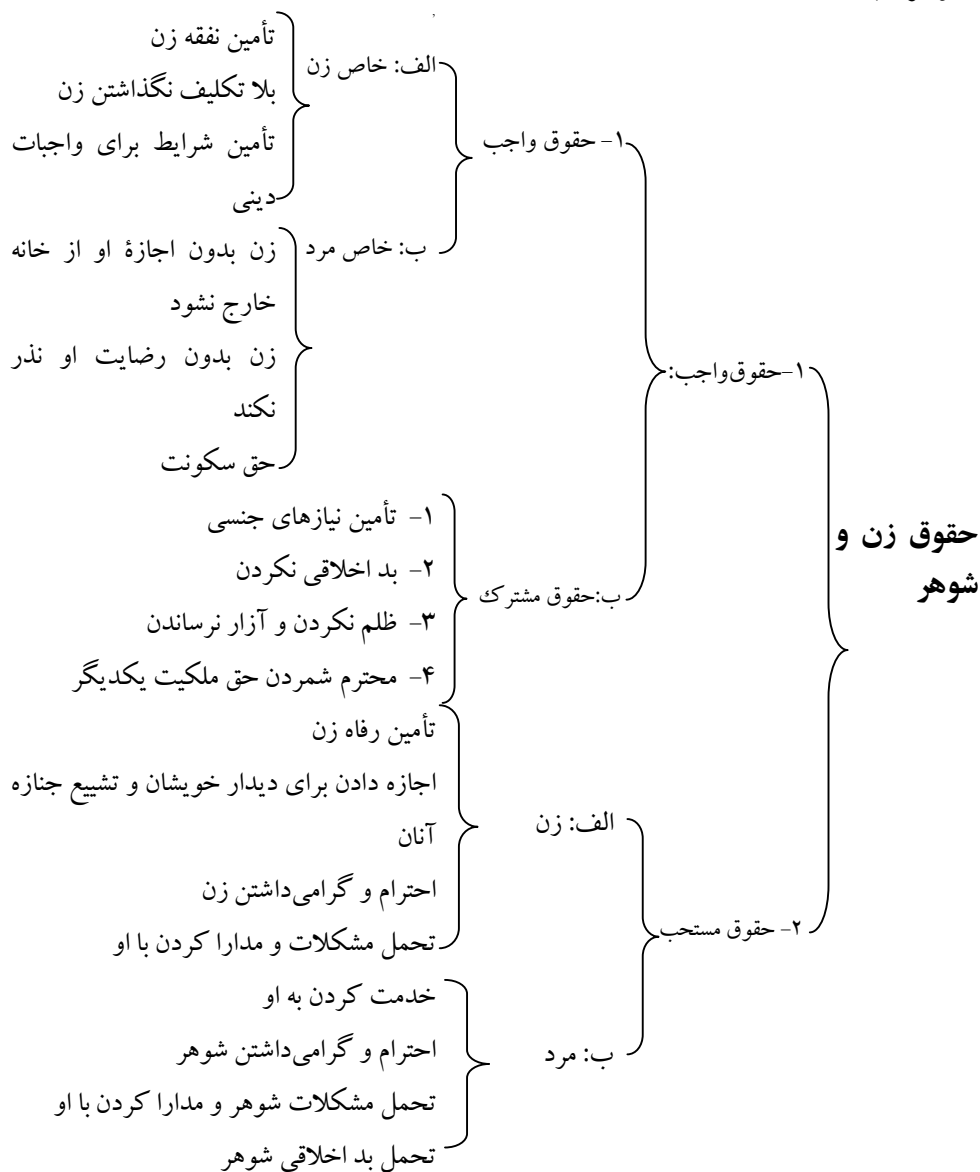
حقوق و وظایف زن و شوهر در روایات

۱- رسول خدا ﷺ فرمودند:

«أَوْصَانِي جِبْرِئِيلُ بِالْمَرْئَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي طَلَاقُهَا إِلَّا مِنْ فَاخِشَةٍ مَبِينَةٍ؛ آن قدر جبرئیل در بارهٔ زن به من سفارش کرد که گمان کردم طلاق دادن او روا نیست؛ مگر طلاق دادن زنی که آشکارا بی‌عصمتی کند.»^(۱)

(۱) محمد محمدی اشتهاردی، ازدواج و شیوهٔ همسرمداری، ص ۱۸۲

۲- حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ضمن برشمردن حقوق افراد بر یکدیگر فرمود: اما حق زن آن است که بدانی خداوند جل جلاله او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی که زن نعمت الهی برای توست؛ او را گرمی بدار و با او مهربان باش. او پای بند زنده گی توست به او محبت کن و غذا و لباس او را فراهم نما و اگر از روی نا آگاهی خطا کرد، او را مورد عفو قرار بده. ^(۲)



(۲) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵.

- رسول خدا ﷺ فرمودند:

«كَلِمَا إِزْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا إِزْدَادَ حُبًّا لِلِّسَنَاءِ؛ هر چه ایمان بنده مؤمن افزون تر باشد، به

همسرش بیشتر محبت می نماید.»^(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ما را بیشتر دوست دارد، به همسرش بیشتر محبت می ورزد.^(۲)

با توجه به آنچه از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام استنباط می شود، اساس زنده گی زناشویی بعد از ایمان و باورهای دینی، باید مهر و محبت و عاطفه باشد و نه هیچ چیز دیگری! شاید که در سختی ها و کمبودها و نامالیمات، وجود همین عوامل باعث تحمل و جبران کاستی ها و کمبودها شود. در پایان، گوشه یی از سخنان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در مورد رضایت ایشان از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در زنده گی مشترک و رضایت متقابل آن سیده زنان در عالم از حضرت امیر علیه السلام نقل می کنیم؛ باشد که الگوی همه ما شود.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبُنِي وَ لَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ وَ لَهَا أَغْضَبَنِي وَ لَا عَصْتُ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَيُكْشَفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَ الْأَحْزَانُ؛ سوگند به خدا، هیچ گاه فاطمه علیها السلام را خشمگین نکردم و هرگز تا آخر عمر او، او را به کاری مجبور نساختم و او نیز هیچ گاه مرا ناراحت نکرد و هیچ گاه از اطاعت من سرپیچی ننمود، هر گاه به او نگاه می کردم، همه اندوهها و رنج هایم برطرف می شد.»^(۳)

آری، این نمونه یی است از یک کانون مقدس خانواده گی؛ الگویی از بهترین ها برای آنان که به چشم بصیرت و دیده عبرت بنگرند.

(۱) بحار الانوار، جلد ۱۰۳، ص ۲۲۸

(۲) همان ص ۲۲۷

(۳) ازدواج و شیوه همسر داری، ص ۱۹۰ - ۱۹۱



شاگردان، در چهار گروه تقسیم شده و هر گروه لیستی از کارهایی که مرد می تواند برای کمک به همسر خود و نیز زن برای کمک به شوهر خود انجام دهد، تهیه کنند؛ سپس یک نفر به نماینده گی از گروه مطالب را ارائه نماید.



- ۱- حقوق خاصی که جزو حقوق واجب زن است را نام ببرید.
- ۲- حقوق مستحب مرد را نام ببرید.
- ۳- محترم شمردن حق مالکیت جزو کدام دسته از حقوق می باشد؟
- ۴- چرا بدخلقی نکردن جزو حقوق مشترک می باشد؟



شاگردان، در مورد حقوق زن و شوهر تحقیق نموده و پنج سطر در کتابچه های شان

بنویسند.

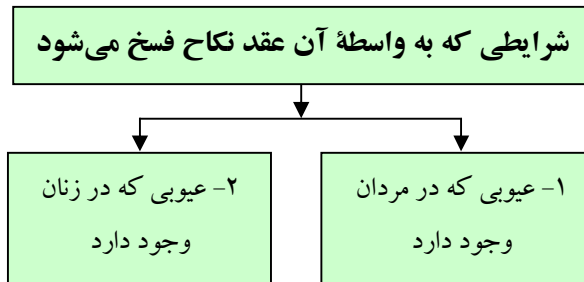
انحلال عقد نکاح

هدف: شناخت شرایط انحلال عقد نکاح

پرسش: عقد نکاح تحت چه شرایطی فسخ می‌شود؟

صداقت و راستی تنها در واژه زیبای دنیای کلمات نیستند؛ بلکه این واژه‌ها و کلمات مترادف آن‌ها به خاطر بار معنایی که در عالم واقع پیدا می‌کنند، زیبایی‌ساز و زیبا می‌شوند که همه ضمیرهای صاف و باطن‌های پاک آن را دوست می‌دارند و به آن اهتمام می‌ورزند. حال اگر این صداقت و راستی نادیده گرفته شود و یا پایمال خواست‌های شخص گردد، چه باید کرد؟

و اگر راستی و صداقت در مسأله‌ی همانند عقد و ازدواج و تشکیل خانواده، کنار نهاده شود و به جای آن فریب و ناراستی و دروغ جایگزین شود، چطور؟ واضح است که شرع مقدس اسلام به همان اندازه که به بسته شدن عقد و پیمان ازدواج توجه دارد و آن را ترغیب و تشویق می‌نماید، به همان اندازه نیز به رعایت صداقت و راستی در این مسأله مهم تأکید می‌نماید تا آنجا که اگر یکی از طرفین عقد نکاح «تدلیس» یا فریب و پنهان کاری نماید تا واقعیت را به گونه‌ی دیگری جلوه دهد و یا پیمان‌شکنی نماید، به طرف دیگر عقد نکاح اجازه فسخ و انحلال آن داده می‌شود؛ اما با شرایط خاصی که برای آن وضع شده؛ چرا که اصل، بسته شدن این پیمان مقدس است و نه گشودن و برهم زدن آن. بنابراین لازم است تا قدری بیشتر با شرایط انحلال و فسخ عقد نکاح آشنا شویم.



عیوب مردان

«اگر بعد از عقد نکاح زن بفهمد که شوهر او دیوانه است یا آلت مردی ندارد یا عنین^(۱) است و نمی‌تواند نزدیکی نماید یا تخم‌های او را کشیده‌اند، می‌تواند عقد را برهم بزند.»^(۲) بنابراین چنانچه زنی بعد از عقد متوجه شود که مرد یکی از عیوب ذکر شده را قبل از عقد داشته، می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند و به طلاق نیازی نیست.

عیوب زنان

اگر مرد بعد از عقد متوجه شود که زن یکی از عیوب زیر را دارد، می‌تواند عقد را فسخ کرده و به هم بزند:

الف: دیوانه‌گی

ب: ابتلا به بیماری‌هایی چون برص، خوره

ج: کوری

ه: فلج بودن به گونه‌یی که مشخص باشد.

و: افضا شده باشد (مجرای ادرار و حیض او یکی شده باشد).^(۳)

ی: ابتلا به مشکلات جسمی که مانع نزدیکی شود.

چنانچه مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از عیب‌های گفته‌شده را داراست، می‌تواند عقد را بدون طلاق برهم بزند و این حق مرد به شمار می‌رود. همان‌گونه که می‌دانیم، وضع این حقوق برای زن و مرد نشان‌دهنده احترام و ارزشی است که شرع مقدس برای خواست‌ها و نیازهای فرد قایل است و به آن توجه دارد.

(۱) عنین: مرضی که باعث ناتوانی مرد در انجام نزدیکی می‌شود.

(۲) سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۸۳، ص ۴۶۱

(۳) ر.ک همان ص ۴۶۰

چند نکته از احکام فسخ عقد نکاح

- ۱- زن و مرد باید توجه داشته باشند که در صورت وجود داشتن عیوب ذکر شده می‌توانند عقد نکاح را فسخ نمایند؛ در این صورت باید بدون طلاق از یکدیگر جدا شوند.
- ۲- چنانچه زن، عقد نکاح را به خاطر این که مرد «عنین» است فسخ نماید، مرد باید «نصف مهریه» را به زن بپردازد.^(۱)
- ۳- اگر زن یا مرد، عقد نکاح را به دلیل وجود هر یک از عیب‌های گفته شده (به جز عنین بودن مرد) به هم بزنند، چنانچه نزدیکی انجام شده باشد، مهریه زن باید به طور کامل پرداخت شود و در غیر آن وظیفه‌ی بر عهده مرد نیست.

فعالیت



این شعر شاعر که می‌گوید:

عیب کسان منگر و احسان خویش دیده فرو بر به گریبان خویش
چگونه می‌تواند با مطالبی که در این درس خوانده‌ایم، ارتباط پیدا کند؟ نظریات خود را بنویسد.

ارزشیابی

- ۱- به نظر شما چه ارتباطی بین مسئله صداقت (که در آغاز درس مطرح شده) با مسئله انحلال عقد نکاح وجود دارد؟
- ۲- زن تحت چه شرایطی می‌تواند عقد نکاح را برهم بزند؟
- ۳- با وجود کدام یک از عیوب، مرد باید مهریه زن را کامل بپردازد؟

کارخانه گی



- شاگردان، خلاصه درس را در هفت سطر در کتابچه‌های‌شان بنویسند.

(۱) توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۴۶۴

طلاق

هدف: آشنایی با دیدگاه و احکام اسلامی پیرامون طلاق

پرسش

- به نظر شما کدام یک از کارهای حلال در پیشگاه حق تعالی منفور و ناپسند است؟

آنچه در این درس می‌خوانید

۱- تعریف طلاق

۲- طلاق از دیدگاه روایات

۳- انواع طلاق

تعریف طلاق

طلاق کلمه‌یی است که از ریشه «طلق» گرفته شده و به معنای «گشودن بند» و «رها کردن» است و در اصطلاح از بین بردن قید عقد نکاح دائم است.

طلاق از دیدگاه روایات

ازدواج، تشکیل خانواده و حفظ آن از ضرورت‌های زنده‌گی انسان است که در تمام جوامع بشری به آن توجه خاص شده است؛ چرا که بشر برای تداوم نوع خود و تأمین نیازها و رسیدن به کمالات عالی، نیازمند تشکیل خانواده و حفظ آن است و به همان اندازه تخریب و از هم پاشیدن این کانون، ناپسند و آزاردهنده است؛ بنابراین همیشه سعی بر این بوده که زمینه‌های حفظ پیوندها فراهم شود و در برابر آنچه که باعث از هم گسیختن آن‌ها می‌شود، مقابله شود. از همین روی، در دین مقدس اسلام نیز روایات بسیاری در مورد مذمت «طلاق» ذکر شده تا بر حفظ کانون خانواده تأکید شود. اما گاهی شرایطی پیش می‌آید که زن و مرد به هیچ‌وجه قادر به ادامه زنده‌گی مشترک نمی‌باشند؛ بلکه تداوم زنده‌گی مشترک ایشان جز مفسده و ناراحتی چیز دیگری در پی نخواهد داشت و لحظه لحظه زنده‌گی، جهنمی مرگ‌بار برای آنان خواهد بود و به جز این، ناراحتی‌های روحی و

روانی که برای کودکان به وجود می‌آید، بخش دیگری از این قضیه است که نمی‌توان نادیده گرفت؛ لذا در چنین شرایطی راهی جز جدایی نیست هر چند که مکروه و ناپسند است.

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد طلاق فرمودند: «**مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئاً أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ؛** خداوند چیزی را که نزد او مبغوض تر از طلاق باشد حلال نکرده است.»^(۱)

حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمودند: «**مَا مِنْ شَيْءٍ مِمَّا أَحَلَّهُ اللَّهُ لِلرِّجَالِ أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ وَ إِنْ اللَّهُ يُبْغِضُ الْمِطْلَاقَ الدَّوَّاقَ؛** از چیزهایی که خدا حلال فرموده هیچ چیز نزد او ناپسندتر از طلاق نیست، خداوند مردی را که زیاد زن طلاق می‌دهد و هر زمانی، زنی را تجربه می‌کند، دشمن می‌دارد.»^(۲)

انواع طلاق

ابتدا باید بدانیم که طلاق در احکام اسلامی چهار رکن دارد که اصل طلاق بر آن استوار است:

- ۱- صیغه طلاق ۲- مُطَلَّق (طلاق دهنده) ۳- مُطَلَّقة (زن طلاق داده شده)
- ۴- اِشهاد (گواه گرفتن به صیغه طلاق)^(۳).

الف) طلاق حرام: که این طلاق را طلاق بدعی نیز می‌گویند. در صورتی که زن در حال حیض طلاق داده شود، طلاق حرام صورت گرفته است.

ب) طلاق مکروه: طلاقی است که سازگاری بین زن و مرد ممکن باشد.

ج) طلاق واجب: که همان طلاق ایلاءکننده یاظهارکننده می‌باشد و مردی که به خاطر زیان رساندن به همسر خود قسم خورده تا با وی نزدیکی نکند، واجب است که یکی از این دو کار را انجام دهد: ۱- رجوع به زن و پرداخت کفاره ۲- طلاق زن.

د) طلاق سنت: در صورتی که صلح و سازش بین زن و مرد ممکن نبوده و بیم گناه و معصیت وجود داشته باشد، طلاق جایز شمرده می‌شود که به این طلاق، طلاق سنت گفته می‌شود.

(۱) میزان الحکمه، جلد ۲، ص ۶۲۰ - ۶۲۱

(۲) همان

(۳) ر. ک مبادی فقه و اصول، علیرضا فیض، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۳۵

طلاق سنت خود به سه نوع تقسیم می‌شود:

- ۱- طلاق باین
- ۲- طلاق رجعی
- ۳- طلاق عده

۱- **طلاق باین:** به طلاقى که رجوع و بازگشتى در آن نباشد، طلاق باین می‌گویند.
 ۲- **طلاق رجعی:** به طلاقى گفته می‌شود که مرد می‌تواند به زن رجوع کند (خواه رجوع شود یا نشود).

۳- **طلاق عده:** زمانی شوهر با حفظ شرایط زن را طلاق دهد و پس در وقت «عده» به او رجوع نماید و پس از نزدیکی در پاکی دیگر زن او را طلاق دهد، طلاق عده می‌گویند.



شاگردان، گروه‌بندی شده پیرامون عواقب طلاق و آثار سوء آن گفت‌وگو کنند؛ سپس یک نفر خلاصه نظریات گروه را در صنف ارائه نماید.



- ۱- سخن حضرت رسول اکرم ﷺ را در مورد طلاق بیان نمایید.
- ۲- طلاق چند نوع است؟
- ۳- اقسام طلاق سنت را بیان نمایید.
- ۴- چرا طلاق در دین اسلام مذموم و ناپسند است؟



شاگردان، برای اقسام طلاق تحقیق نموده و پنج سطر بنویسند.

حضانة

هدف: شناخت شرایط حضانة

پرسش‌ها

۱. حضانة یعنی چه؟
۲. حضانة طفل چه مواردی را شامل می‌شود؟

چنان‌که در درس پیشین نیز اشاره شد، طلاق حادثه‌ی است ناگوار و منفور که یکی از پیامدهای آن پراکنده‌شدن افراد خانواده و دور شدن اطفال از پدر یا مادر و یا هردو می‌شود. حال اگر طلاق اتفاق بیفتد، سرپرستی کودکان و فرزندان خانواده چه خواهد شد و مخارج آنان با چه کسی خواهد بود؟

تعریف حضانة

حضانة از ریشه «حزن» گرفته شده و به معنای آغوش و بغل می‌باشد و منظور از آن تحت سرپرستی گرفتن است؛ به همین دلیل، در احکام اسلامی به پدر «حاضن» و به مادر «حاضنه» یعنی نگهداری کننده و سرپرست گفته می‌شود.

عموماً حضانة به ولایت و سرپرستی اطلاق می‌شود که برای «طفل» و «دیوانه» صورت می‌گیرد؛ چراکه این دو قشر برای اداره امور خود قادر به انجام کارهای مربوطه نیستند؛ به‌ویژه فرزند «خرد» که در حفظ و نگهداری او، وجود یک سرپرست که حضانة او را بر عهده داشته باشد، الزامی است و زمانی هم که طفل بالغ و رشید شود، حضانة او هم از بین می‌رود؛ زیرا حضانة، ولایت است و کسی بر فرد بالغ و رشید ولایت ندارد.^(۱)

حضانة شامل موارد زیر است:

- ۱- شیرخوارگی؛ ۲- نظافت و بهداشت؛ ۳- نفقه؛ ۴- نام‌گذاری؛ ۵- تصرف در اموال طفل؛ ۶- تعلیم و تربیت؛ ۷- رفت و آمدها؛ ۸- ازدواج قبل از بلوغ؛ ۹- فعالیت‌های حقوقی؛ ۱۰- اعمال مذهبی.

(۱) شهید نائی؛ شرح المعنه، ترجمه علی شیروانی جلد ۱۰، انتشارات دارالعلم، قم ۱۳۸۲، ص ۱۸۵

حضرت علی علیه السلام در مورد معنی کلمه «رحمان» فرموده: از رحمت خداوندی است که قلب مادر را به رأفت واداشت تا به تربیت و حضانت کودک اقدام کند.^(۲)

آری، مادر به دلیل برخورداری از ویژه‌گی‌هایی چون: رأفت و مهربانی و دلسوزی نسبت به طفل، برای انجام اموری چون تغذیه طفل به‌ویژه در دوره شیرخوارگی و نظافت و بهداشت طفل و مراقبت از سلامت او سزاوارتر از پدر می‌باشد.

۳. **نفقه:** چنانچه کودکان صاحب مال و ثروتی باشند، نفقه آنان بر عهده کسی نیست و اگر که مال و ثروتی نداشته باشند، تأمین نفقه آنان بر عهده پدر است.

۴. نام‌گذاری و تصرف در اموال کودک نیز از جمله مواردی است که جزو وظایف ولی و سرپرستی که حضانت طفل را بر عهده دارد، به شمار می‌رود.

۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: خود و خانواده‌های‌تان را با نیکی آشنا سازید و فرزندان‌تان را تأدیب کنید.

۶. «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ؛

کودکان را بیازمایید زمانی که به سن ازدواج رسیدند و رشد را در آن‌ها یافتید، اموال‌شان را به آن‌ها بازگردانید».^۳

با توجه به آیه تا زمانی که کودکان به بلوغ نرسیده‌اند، قدرت استفاده از اموال خود و انجام کارهای حقوقی و مالی چون خرید و فروش، اجاره، حواله، مضاربه و... را ندارند؛ بنابراین تا قبل از رسیدن به سن بلوغ همه امور حقوقی مربوط به ایشان توسط ولی و سرپرست آنان انجام می‌شود. حتی در مورد انجام فرایض مذهبی چون حج و روزه مستحبی اذن پدر و مادر محترم شمرده شده و تأکید شده است.

حضانت طفل بر عهده کیست؟

در مورد حضانت طفل و آغاز و پایان آن بر طبق کتب فقهی چنین استنباط می‌شود که آغاز حضانت (از بدو تولد) با مادر است؛ زیرا که مادر در مقایسه با پدر، شایسته‌گی بیشتری برای حفظ و نگهداری طفل دارد. اما آنچه که مورد بحث است، مدت زمانی است که طفل دختر یا پسر تحت حضانت مادر قرار گیرد.

در حضانت طفل سه شرط است: آزاد بودن، مسلمان بودن و عاقل بودن. در مورد حاضن یا حاضنه از شروط اولیه برای بر عهده گرفتن حضانت طفل می‌باشد؛ بنابراین بعد از دوره شیرخوارگی، مادری که آزاد مسلمان و عاقل است، نسبت به پدری که یکی از این شروط را نداشته باشد، برای حضانت طفل سزاوارتر است؛ به‌ویژه برای حضانت دختر تا سن هفت ساله‌گی.

(۲) مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲، ص ۳۴۱

۳. سوره نساء آیه ۶

بنابراین «پدر، نسبت به حضانت پسر پس از آنکه از شیر گرفته شد تا سن بلوغ، و نسبت به حضانت دختر پس از سن هفت سالگی سزاوارتر است»^(۱).

و این در صورتی است که پدر و مادر هر دو موجود و در قید حیات باشند و اگر یکی از آن دو نفر فوت کند، دیگری از تمام خویشان برای حضانت طفل سزاوارتر می‌باشد تا زمانی که طفل بالغ شود و مادر نسبت به وصی پدر برای حضانت پسر و دختر پس از شیرخوارگی و هفت ساله‌گی دختر سزاوارتر می‌باشد؛ همان‌گونه که بر خویشاوندان اولویت دارد حتی اگر ازدواج کرده باشد.^(۲)

اما در صورتی که پدر و مادر هر دو فوت کرده باشند، حضانت بر عهده جد پدری اوست و به همین ترتیب، حضانت طفل در صورت نبود پدر، مادر، جد پدری، متناسب با تقدیم و اولویت در قرابت و خویشاوندی، به نفر دیگر واگذار می‌شود.



شاگردان، در گروه‌های سه نفری در مورد درس گفت‌وگو کنند؛ سپس خلاصه درس را در شش سطر بنویسند.



- ۱- حضانت را تعریف نمایید.
- ۲- از نظر احکام اسلامی، به‌طور عموم حضانت طفل در دوره شیرخوارگی و پس از آن به چه صورتی است؟
- ۳- حضانت شامل چه مواردی می‌شود؟



شاگردان، روایات به کار رفته در این درس را حفظ نمایند.

(۱) ترجمه شرح المعه، ص ۱۷۸

(۲) ر.ک همان ص ۱۷۹

وصیت

هدف: آشنایی با تعریف و اقسام وصیت

پرسش‌ها

۱- وصیت یعنی چه؟

۲- وصیت چه شرایط دارد؟

تعریف

«وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند یا بگوید که بعد از مرگش، چیزی از مال او ملک کسی باشد و یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با او است، قیم و سرپرست معین کند.»^(۱)

مرگ پایان کار آدمی نیست؛ بلکه دروازه‌یی است به سوی دنیای دیگر و پلی به سوی جهان آخرت، گروهی از این دروازه شادمان و راضی می‌گذرند و گروهی دیگر غمناک و پریشان و همه در انتظار حساب‌رسی روز قیامت حاضر می‌شوند. اما پیش از آن که طومار زنده‌گی انسان بسته شود، بازهم خداوند مهربان فرصتی دیگر برای انسان ایجاد می‌کند تا به اعمال خود سامان دهد و برای آنچه که هنوز به انجام نرسیده و یا بعد باید صورت پذیرد سفارش و وصیت نماید، البته قبل از ممات و در زمان حیات؛ چرا که بعد از مرگ، دیگر آدمی را راهی برای جبران و فرصتی برای آن نیست؛ بنابراین وظیفه هر مسلمان است که در زمان حیات خود وصیت‌نامه‌یی تنظیم نماید تا برای آنچه که از او باقی می‌ماند، طبق خواست و نظرش عمل شود.

عناصر وصیت

در وصیت چهار عنصر وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- موصی: وصیت‌کننده.

(۱) توضیح المسائل مراجع، جلد ۲، ص ۶۷۱

۲- وصیت: خواسته و سفارش موصی که امکان دارد به شکل مکتوب یا لفظی باشد و در واقع «انشاء» امری است که اثر آن مقید به موت باشد»^(۱).

۳- وصی: شخصی که اجراکننده وصیت است (موصی الیه) و مأمور به وصول حق و یا مأمور به نگهداری مولی علیه موصی می‌باشد (کسی را که به او وصیت می‌کنند، وصی می‌گویند).

۳- موصی له: عنصری که بعد از مرگ موصی حقی برای او ایجاد می‌شود و یا از ذمه او بری می‌گردد.^(۲)

انواع وصیت

در احکام اسلامی آنچه که تحت عنوان وصیت ذکر شده، خود به دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود.

۱- عهدی: هنگامی که وصیت‌کننده (موصی) برای انجام کار یا کارهای مشخص برای بعد از ممات خود به دیگری ولایت دهد، به آن وصیت، وصیت عهدی می‌گویند.

۲- تملیکی: به وصیتی گفته می‌شود که به اساس آن، شخصی، عین یا منفعتی را پس از مرگ خود به شخص دیگری به شکل رایگان تملیک نماید «و در واقع استیفا از حق است که موصی بعد از ممات خود بدون این که برای دیگری ولایتی مقرر گردد انجام می‌هد»^(۳)

وصیت

نکته اول: در وصیت تملیکی علاوه بر چهار عنصر اصلی در وصیت، یک عنصر دیگر به نام «موصی به» نیز وجود دارد و آن ملکی است که مورد وصیت قرار گرفته است.

نکته دوم: در وصیت عهدی علاوه بر عناصر چهارگانه، عنصر دیگری نیز هست که «موصی بر» نامیده می‌شود و آن عبارت است از:

۱- پرداخت کردن قرض و دین موصی

(۱) محمد جعفر لنگرودی، وصیت وارث، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۴، ص ۴۶

(۲) ر.ک محمد جعفر لنگرودی، وصیت وارث، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۴، ص ۴۶

(۳) وصیت، وارث، ص ۴۲

- ۲- گرفتن یا وصول مطالبات موصی
- ۳- باز گرداندن امانت‌هایی که در نزد موصی بوده و نیز پس گرفتن امانت‌هایی که در نزد دیگران است و متعلق به موصی می‌باشد.
- ۴- ولایت بر اولاد موصی، یعنی ولایت بر صغیر و سفیه و دیوانه و حفظ و نگهداری ایشان.
- ۵- توزیع حقوق واجب از قبیل پرداخت زکات، خمس، کفاره و یا مالیات‌هایی که بر عهده موصی بوده (تعهدات دینی و مدنی).
- ۶- خارج کردن مورد وصیت از ماترک.
- ۷- تقسیم ترکه بین ورثه میت.



شاگردان، در گروه‌های سه نفری درس را مطالعه نموده و با یکدیگر گفت‌وگو نمایند.



- ۱- وصیت را تعریف نمایید.
- ۲- عناصر وصیت را نام ببرید.
- ۳- در وصیت عهدی چه وظایفی بر عهده وصی می‌باشد؟
- ۴- وصیت عهدی را تعریف نمایید.



شاگردان، با مراجعه به قرآن کریم و یا کتب حدیثی، دو آیت یا روایت در مورد وصیت پیدا نموده در کتابچه‌های شان بنویسند.

احکام وصیت

هدف: آشنایی با شرایط عناصر وصیت

پرسش

۱- وصی باید چه ویژه‌گی‌هایی داشته باشد؟

با توجه به این که دو عنصر «موصی» و «وصی» جزو عناصر اصلی وصیت هستند، آگاهی از شرایط و ویژه‌گی‌های آنان نیز مهم و ضروری است؛ چرا که برای تحقق و اجرای وصیت می‌بایست شرایط خاصی در شخص وصیت‌کننده (موصی) وجود داشته باشد تا وصیت او شرعی و قانونی گردد.

شرایط وصیت‌کننده (موصی)

۱- عاقل باشد.

۲- بالغ باشد.

۳- مجبور نباشد؛ (یعنی وصیت‌کننده تحت شرایطی و بدون اختیار و از روی جبر وصیت نکرده باشد).

۴- رشید باشد. این واژه در مقابل «سفیه» قرار می‌گیرد و به کسی گفته می‌شود که تصمیم‌هایش عقلانی باشد.

حکم: چنانچه بچه ده ساله‌یی که خوب و بد را تمیز می‌دهد، برای عمل نیکی مثل ساختن مسجد و... وصیت نماید، وصیت او صحیح است.

«... چنانچه شخصی از روی عمد زخمی به خود زده یا سمی خورده است که بواسطه آن یقین یا گمان به مردن او پیدا می‌شود، اگر وصیت نماید که مقداری از مال او را به مصرف برسانند، صحیح نیست»^(۱).

شرایط وصیت‌شونده (وصی)

وصی را پدر، جد، وصی دیگری که حق تعیین وصی دارد و خود وصیت‌کننده تعیین می‌نماید.

(۱) توضیح المسائل مراجع، جلد ۲ مسأله ۲۶۹۷ و ۲۶۹۸

شرایط وصیت‌شونده یا وصی عبارت است از:

- ۱- امانت‌داری و مورد اطمینان باشد: این شرط یکی از مهم‌ترین شرایط وصایت است؛ چرا که اختیار امور موصی به شخص وصی واگذار می‌گردد.
- ۲- مسلمان بودن وصی برای موصی مسلمان.
- ۳- بالغ بودن ← از آنجا که قبول وصایت باعث ایجاد تعهدات به انجام امور
- ۴- رشید بودن ← موصی می‌شود، پس داشتن این شروط برای تصمیم‌گیری‌ها و
- ۵- عاقل بودن ← انجام امور مربوط الزامی است.

در چه مواردی وصایت وصی پایان می‌یابد؟

۱. اگر وصی بر طبق وصایای موصی رفتار نکند، از شرط امانت‌داری خارج شده و خود به خود از وصایت عزل می‌شود.
۲. اگر وصی فوت نماید.
۳. اگر وصایت موقت باشد و زمان مشخص داشته باشد با تمام شدن وقت، وصی خود به خود معزول می‌شود.
۴. اگر مورد وصایت (موضوعی که وصیت شده) منتفی گردد؛ به‌طور مثال: «مولی علیه^(۲)» فوت نماید.

احکام وصیت

۱. اگر وصیت شود که چیزی را به شخصی بدهند، در صورتی آن شخص مالک می‌شود که آن را قبول کرده بپذیرد؛ اگر چه در حال حیات موصی باشد.
۲. وصیتی که شخص نسبت به اموالش دارد (معرفی برای آن شخص می‌نماید) چنانچه بیشتر از $\frac{1}{3}$ کل اموالش نباشد، بر طبق وصیت عمل می‌شود و اگر بیشتر از آن مقدار باشد، سخن و عملکرد ورثه در مورد اجازه و رضایت برای عملی شدن وصیت الزامی است.
۳. «اگر نوشته‌یی به امضا یا مهر میت بینند چنانچه مقصود او را بفهماند و معلوم باشد، که برای وصیت کردن نوشته، باید مطابق آن عمل کنند»^(۱).

(۲) مولی علیه: کسی که سرپرستی امور افراد تحت سرپرستی موصی طبق وصیت به او واگذار می‌شود.

۴. اگر شخص از وصیت خود برگردد به طور مثال قسمتی از مالش را ببخشد و بعد بگوید به او ندهند، وصیت باطل می‌شود؛ بنابراین هنگامی که موصی، وصیت خود را تغییر می‌دهد، وصیت اولش باطل می‌شود.

۵. اگر کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته مثلاً خانهداری را که وصیت کرده به کسی بدهد یا بفروشد یا دیگری را برای فروش آن وکیل نماید، وصیت باطل می‌شود.^(۲)

(۱) توضیح المسائل مراجع جلد ۲، مسأله ۲۶۹۶

(۲) توضیح المسائل مراجع جلد ۲، مسأله ۲۷۰۷



شاگردان گروه‌بندی شده در مورد درس گفت‌وگو نمایند؛ پس خلاصه درس توسط یک نفر از هر گروه ارائه شود.



- ۱- شرایط وصیت‌کننده را نام ببرید.
- ۲- کدام یک از موارد زیر جزو شرایط وصی نمی‌باشد؟
الف- عاقل بودن ب- بالغ بودن ج- امانت‌دار بودن د- عادل بودن
- ۳- چرا با عدم امانت‌داری وصی، وصایت پایان می‌پذیرد؟



شاگردان برای مطالب درس یک چارت ترسیم نمایند.

بخش سیره

و

حدیث

انواع سیره

هدف: آشنایی با مفهوم و اقسام سیره

پرسش‌ها

۱. سیره چیست؟
۲. سیره چند نوع است؟

سیره به معنای سبک رفتار است و سیره پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام در واقع همان سبک رفتار آن بزرگواران است. پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام چون الگوهای عملی برای سعادت بشری هستند؛ لازم است سبک رفتار آن بزرگواران مورد بازشناسی قرار گیرد تا بتواند بشر را در زنده‌گی به راه راست هدایت کند. اما زنده‌گی آنان چون ابعاد مختلف و متفاوتی دارد؛ بنابراین در درس جاری ابعاد سیره مورد بررسی قرار می‌گیرد. این ابعاد عبارت‌اند از: سیره فردی، سیره اجتماعی، سیره سیاسی و سیره اقتصادی. بحث سیره با تاکید بر این ابعاد به ما می‌آموزد که پیشوایان دین در عرصه‌های مختلف زنده‌گی چگونه عمل کرده‌اند.

سیره فردی

بخشی از زنده‌گی هر فرد، زنده‌گی خصوصی اوست. زنده‌گی خصوصی شامل آن قسمت از زنده‌گی اوست که فقط تنها مربوط به خود اوست. سیره فردی در واقع تأمین‌کننده ارتباط فرد با خودش و ارتباط او با خدای متعال است؛ بنابراین اعمال عبادی و خلیقات شخصی داخل در سیره فردی است؛ مانند نحوه عبادت پیامبر ﷺ، و فضایل خصوصی مانند صبر، حلم، شجاعت و امثال این‌ها.

سیره اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و زنده‌گی در جمع یکی از نیازهای اساسی بشر است. وقتی انسان در جمع زنده‌گی می‌کند، به صورت طبیعی با دیگران تعامل و ارتباط برقرار

می‌کند. این تعامل و ارتباط با دیگران به صورت حتم، در سایه قواعد رخ می‌دهد. منبع این قواعد متنوع است و یکی از این منابع، سیره پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام است. شناخت سیره اجتماعی آن بزرگواران به این معنا است که آن حضرات وقتی در اجتماع زنده‌گی می‌کردند، با دیگران چگونه رفتار می‌کردند. دیگران می‌توانند پدر و مادر، فرزندان، خویشاوندان و سایر افراد جامعه مانند معلمان، همسایه‌گان و عموم مردم باشند؛ بنابراین سیره اجتماعی به معنای سبک رفتار پیشوایان دین با دیگر افراد جامعه است. احترام به والدین، صلح ارحام و رعایت حقوق همسایه نمونه‌هایی از سیره اجتماعی هستند.

سیره سیاسی

زنده‌گی اجتماعی نیاز به نظم و امنیت دارد. نظم و امنیت از طریق نهادی به نام دولت و حکومت تأمین می‌شود. افراد در جامعه پذیرفته‌اند که زنده‌گی توأم با امنیت، مستلزم گردن نهادن و پذیرش نهادی است که امنیت و نظم را تأمین کند. وقتی نهاد سیاست تأسیس شد، عده‌یی از افراد در نهاد سیاست قرار می‌گیرند و بر دیگران قانون را تطبیق می‌کنند و هم‌چنین نهاد سیاست روابط بین یک جامعه و جامعه دیگر را نیز تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر، بخشی از کارکرد سیاست مربوط به مسایل داخلی و بخشی از آن مربوط به روابط بین‌الملل است. سردمداران نهاد سیاست وظایفی دارند و مردم نیز نسبت به نهاد سیاست وظایف و حقوقی دارند.

پیامبر اکرم ﷺ به عنوان فردی که حاکم جامعه اسلامی است، به صورت قطع درس‌های بزرگی در سیره سیاسی او می‌توان یافت. سیره سیاسی پیامبر اکرم ﷺ در واقع به معنای سبک رفتار آن حضرت در باره رابطه مردم با حکومت و رابطه حکومت با مردم است. در سیره پیامبر ﷺ مبارزه با تبعیض، رشوه‌خواری و نحوه رابطه با مخالفان جزو سیره سیاسی رسول اکرم ﷺ است.

سیره اقتصادی

بخشی از روابط انسان‌ها با طبیعت و منابع مادی است. انسان‌ها در ارتباط با منابع مادی رویکردهای متفاوتی داشته‌اند. مکاتب اقتصادی مثل کمونیسم و کاپیتالیسم نمونه‌یی از

روابط اقتصادی را بیان می‌کنند. نحوه برخورد با منابع مادی به طور مشخص در دو قالب عرضه و تقاضا قابل بحث است. عرضه به این معنا است که چه کالاها و خدماتی عرضه گردد و تقاضا همان خواست‌های افراد برای فرآورده‌های مادی است. یکی از مباحث مهم اقتصادی بازار است، نحوه گردش کالاها و خدمات در اقتصاد بسیار دارای اهمیت است. سیره اقتصادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معنای نگرش و رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله در عرصه اقتصاد است. ربا، کار و رفاه اجتماعی مانند حمایت از محرومان جزو مباحث مهم اقتصادی است که در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمونه‌های زیادی از آن را می‌توان یافت. در مجموع در مضمون سیره با نمونه‌هایی از این سیره‌ها آشنا خواهید شد.



شاگردان، در باره انواع سیره در گروه‌های سه نفری بحث و تبادل نظر نمایند.



۱. سیره بر چند نوع است؟
۲. سیره فردی را توضیح دهید.
۳. برای سیره اجتماعی مثال بزنید.
۴. رباخواری چگونه نمونه‌یی از سیره اقتصادی است؟



شاگردان، در باره یکی از انواع سیره بر اساس انتخاب خود یک مقاله بنویسند.

کرامت

هدف: آشنایی با ارزش کرامت از نظر اسلام

پرسش: معنای کرامت چیست؟

نیازهای انسانی

انسان نیازهایی دارد، برخی از این نیازها جسمانی‌اند و برخی روانی. انسان نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن دارد؛ ضمن آن که یکی از نیازهای انسان نیاز به احترام است. انسان نیاز دارد به این که دیگران به او احترام کنند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر سخن از کرامت و حیثیت انسانی به میان آمده است. همه انسان‌ها نیاز دارند به این که مورد احترام واقع شوند و از سوی دیگران تحقیر نگردند. در قرآن کریم از کرامت ذاتی انسان سخن به میان آمده است. خداوند عز و جل در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»^۱ ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم. مفسران در مورد معنای آیه می‌گویند: «مقصود این است که ما در خلقت و آفرینش آدم را مکرم قرار دادیم؛ یعنی این کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش او قرار دادیم»^۲

کرامت دو وجهی است

کرامت به معنای عزیزی و بزرگواری و با عزت شدن است.^۳ کرامت در فرهنگ اسلامی به عنوان فضیلت ارزشمند مورد توجه قرار گرفته است. کرامت در اسلام یک فضیلت دو وجهی است؛ به این معنا که از یک سو هر فرد موظف است کرامت دیگران را خدشه‌دار نکند و از سوی دیگر هر انسان موظف است که خود نیز کرامت خود را حفظ کند و کارهایی را که خلاف کرامت او است؛ نباید مرتکب شود. «در حدیث است که

۱. اسراء آیه ۷۰.

۲. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۳. لغت نامه دهخدا، ج ۳۸، ص ۴۶۸، واژه کرم

انسان اختیار همه چیزش را دارد اما اختیار آبرویش را ندارد. کسی حق ندارد آبرویش را پیش مردم بریزد.^۴ امام علی علیه السلام در یکی از سخنان خویش کرامت را این گونه معنی می کند: «**الْكَرْمُ، حُسْنُ السَّجِيَةِ وَاجْتِنَابُ الدَّيْبَةِ**» کرامت، رفتار نیک و دوری از پستی و فرومایگی است.

نشانه‌هایی از کرامت

همان طوری که یادآور شدیم، کرامت فضیلتی دو وجهی است: هم حفظ کرامت خود و هم حفظ کرامت دیگران. در ذیل نمونه‌هایی از حفظ کرامت دیگران آورده می شود:

۱. دستگیری قبل از درخواست: انسان‌های کریم ضمن آن که حافظ کرامت خود هستند، کرامت دیگران را نیز پامال نمی کنند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام، می فرماید: «**الْكَرِيمُ مَنْ سَبَقَ نَوَالَهُ** **سُؤْ أَلَهُ**»^۵ انسان با کرامت کسی است که پیش از تقاضا عطا نماید. اگر کسی به هر دلیلی نیازمند باشد و از کس دیگری چیزی بخواهد؛ به خاطر حفظ آبروی او نباید در کمک کردن دیر کند.
۲. کوچکی دنیا: انسان‌ها وقتی به فضیلت کرامت آراسته شدند، برای خودشان آنقدر ارزش قائل اند که آن را برابر با هیچ چیز دیگری نمی دانند. در حدیث است: «**مَنْ كَرُمَتْ** **نَفْسُهُ صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ**»^۶ کسی که خودش کریم باشد، دنیا در چشم او کوچک می شود. انسان‌های کریم هیچ وقت خود را برای رسیدن به مال دنیا خوار نمی کنند.
۳. پرهیز از ننگ و عار: از دیگر ویژگی‌های انسان‌های بزرگوار، دوری از ننگ و عار است. انسان کریم هیچ گاه کاری نمی کند که مایه سرافکنده گی و شرمنده گی او گردد. در سخنان علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است: «**الْكَرِيمُ يَأْتِي الْعَارَ وَيُكْرِمُ الْجَارَ**»^۷ انسان بزرگوار از پذیرش ننگ ابا می ورزد و به همسایه خود احترام می گذارد.

۴. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۶

۵. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۶۵

۶. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۴۵۱

۷. همان، ج ۲، ص ۱۰۷

۵. گذشت: یکی دیگر از ویژه‌گی‌های انسان کریم، گذشت و عفو است. «مِنَ الْكَرَمِ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِ الْإِسَاءَةِ إِلَيْكَ»^۸ گذشت از بدی‌هایی که در حق تو شده است، نشانه کرامت و بزرگواری است.»



شاگردان، دو نفری در باره دو نوع کرامت تبادل نظر و گفت‌وگو نمایند.



۱. کرامت چند نوع است؟
۲. کرامت خود به چه معنا است؟
۳. نشانه‌های کرامت را شرح دهید.



شاگردان، در باره کرامت انسان تحقیق نموده شش سطر بنویسند.

عفت

هدف: آشنایی با ضرورت عفت

پرسش: عفت چیست؟

تسلط بر خویشتن

یکی از ویژه گی های مثبت برای هر انسان، تسلط داشتن بر خود است؛ به این معنا که بتواند در برابر خواست های نفسانی خود را کنترل کند. عفت به معنای مبارزه با خواست های مشروع و انسانی نیست؛ بلکه مبارزه با خواست های شیطانی و غیر انسانی است. این تسلط بر خود چیزی است که در ادبیات دینی از آن به عنوان عفت یاد شده است. عفت به معنای خویشتن داری از انجام محرّمات، دوری کردن از کارهای زشت و حصول حالتی برای نفس است که مانع از غلبه شهوت شود.^۱ حضرت علی علیه السلام عفت را این گونه معنا می کند: «**الصَّبْرُ عَنِ الشَّهْوَةِ عَمَّةٌ..**؛ عفت پایداری در برابر شهوت است.»^۲ شهوت به معنای خواست های غیر مشروع جنسی و شکمی است. کسی که در برابر خواست های نامشروع جنسی خود تسلط داشته باشد، در اصطلاح پاکدامن نامیده می شود. شخص پاکدامن چشم به ناموس دیگران نمی دوزد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «**مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِاعْظَمَ أَجْرًا مِّنْ قَدَرٍ فَعَفٍ**، پاداش مجاهدی که در راه خدا شهید شده، از کسی که قدرت [بر حرام و گناه] دارد ولی عفت می ورزد، بیشتر نیست»^۳

عفت شکم

عفت اختصاص به پاکدامنی جنسی ندارد؛ بلکه نوع دیگری از عفت که در بسیاری از روایات مورد تأکید قرار گرفته، عفت شکم است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «**مَا مِنْ عِبَادَةٍ**

۱. جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۵

۲. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۸۲

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۶۶، ص ۱۳۰۳.

أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ عبادتی در پیشگاه خدا برتر از عفت و رزیدن در امور شکمی و جنسی نیست.^۴ عفت شکم به معنای پرهیز از حرام خواری است.

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ وَ لَكِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا آكُلَ إِلَّا حَلَالًا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَيُّ الْإِجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ ابابصیر نقل می‌کند که کسی به امام باقر عرض کرد: من از نظر عمل ضعیف هستم و کم روزه ثوابی می‌گیرم اما امیدوارم که جز حلال نخورم، امام علیه السلام فرمود: هیچ تلاش و کوششی با ارزش‌تر از عفت جنسی و شکم نیست.^۵»

داستانی از ابن سیرین

نوجوان شاگرد بزاز، بی‌خبر بود که چه دامی در راهش گسترده شده. او نمی‌دانست این زن زیبا و مشخص که به بهانه خرید پارچه به مغازه آن‌ها رفت و آمد می‌کند، عاشق دلباخته او است، و در قلبش طوفانی از عشق و هوس و تمنا برپاست. یک روز همان زن به در مغازه آمد و دستور داد مقدار زیادی جنس بزازی جدا کردند، آنگاه به عذر این که قادر به حمل این‌ها نیستم، به علاوه پول همراه ندارم، گفت: «پارچه‌ها را بدهید این جوان بیاورد و در خانه به من تحویل دهد و پول بگیرد». مقدمات کار از قبل از طرف زن فراهم شده بود. خانه از اغیار خالی بود، جز چند کنیز اهل سر کسی در خانه نبود.

محمد بن سیرین - که عنفوان جوانی را طی می‌کرد و از زیبایی بی‌بهره نبود - پارچه‌ها را به دوش گرفت و همراه آن زن آمد تا به درون خانه داخل شد در از پشت بسته شد. ابن سیرین به داخل اطاقی مجلل راهنمایی گشت. او منتظر بود که خانم هرچه زودتر بیاید و جنس را تحویل بگیرد و پول را پردازد. انتظار به طول انجامید. پس از مدتی پرده بالا رفت. خانم در حالی که خود را هفت قلم آرایش کرده بود، با هزار عشوه پا به درون اطاق گذاشت. ابن سیرین در یک لحظه کوتاه فهمید که دامی برایش گسترده شده خواهش کرد، فایده نبخشید. گفت چاره‌ی نیست باید کام مرا بر آوری و همین که دید ابن سیرین در عقیده خود پا فشاری می‌کند، او را تهدید کرد و گفت: «اگر به عشق من احترام

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰

۵. الکافی ج: ۲، ص: ۱۵۷۹

نگذاری و مرا کامیاب نسازی، الان فریاد می‌کشم و می‌گویم این جوان نسبت به من قصد سوء دارد. آنگاه معلوم است که چه بر سر تو خواهد آمد.» موی بر بدن ابن سیرین راست شد. از طرفی ایمان و عقیده و تقوا به او فرمان می‌داد که پاکدامنی خود را حفظ کن. از طرف دیگر سر باز زدن از تمنای آن زن به قیمت جان و آبرو و همه چیزش تمام می‌شد. چاره‌ی جز اظهار تسلیم ندید. اما فکری مثل برق از خاطرش گذشت. فکر کرد یک راه باقی است، کاری کنم که عشق این زن تبدیل به نفرت شود و خودش از من دست بردارد. اگر بخواهم دامن تقوا را از آلوده‌گی حفظ کنم، باید یک لحظه آلوده‌گی ظاهر را تحمل کنم. به بهانه قضای حاجت، از اطاق بیرون رفت، با وضع و لباس آلوده برگشت و به طرف زن آمد. تا چشم آن زن به او افتاد، روی درهم کشید و به صورت فوری او را از منزل خارج کرد.^۶



شاگردان، در گروه‌های چهار نفری در باره ارزش عفت باهم تبادل نظر نمایند.



- ۱- عفت چیست؟
- ۲- عفت شکم یعنی چه؟
- ۳- ابن سیرین چرا با لباس آلوده به خانه آن زن برگشت؟



شاگردان، در باره عفت مقاله پنج سطر بنویسند.

۶. داستان راستان، مرتضی مطهری، ج ۲ ص ۵۲ تا ۵۶

ارزش ادب

هدف: آشنایی با ضرورت رعایت ادب در اسلام

پرسش: ادب چیست؟

ادب را از چه کسی آموختی؟

لقمان را گفتند: ادب از چه کسی آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان؛ هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از فعل^۱ آن پرهیز کردم.

اما سوال این است که کدام عمل بی‌ادبی است؟ چگونه عملی مودبانه است؟ ساده‌ترین جواب آن است که بگوییم با ادب کسی است که رفتار خود را مطابق با آداب انجام می‌دهد. اما باز هم می‌بینیم که به پاسخ خود نمی‌رسیم. حال این پرسش پیش می‌آید که آداب چیست؟

معنای ادب

اخلاق جمع خلق است و به معنای فضایی است که انسان باید به آن‌ها آراسته باشد؛ مثل راست‌گویی، امانت‌داری، احترام به والدین و غیره. اگر کسی به این فضایل عمل کند، انسان با اخلاق نامیده می‌شود. اگر کسی به این فضائل عمل نکند، انسان بی‌اخلاق نامیده می‌شود؛ ولی ممکن است به این افراد بی‌ادب نگویند. اما به نظر می‌رسد رابطه اخلاق و آداب، رابطه جزئی و کلی است؛ به این معنا که دستورات اخلاقی باید‌ها و نبایدهای کلی‌اند؛ اما آداب باید‌ها و نبایدهای جزئی هستند؛ به عنوان مثال: احترام به والدین یک باید اخلاقی است اما کلی است. این باید اخلاقی مشخص نمی‌کند که چگونه اگر رفتار شود به والدین احترام شده است. اما آداب جزئی هستند و به این معنا که از انسان رفتار مشخص را می‌خواهند؛ مانند این که دستور داده می‌شود در مقابل والدین نباید پاهایت را دراز کنی، یا نباید در برابر پدر و مادر اف‌بگویی.

لغت‌دانان برای کلمه ادب معانی چون: فن، حسن معاشرت و علم ادبیات معنا کرده‌اند.^۲ معنای مناسب در این‌جا همان معنای حسن معاشرت است. یکی از مفسران بزرگ اسلام ادب را این‌گونه معنا کرده است: ادب یعنی نیکو و زیبا انجام دادن یک کار اختیاری که از نظر

۱. انجام دادن آن

۲. لغتنامه دهخدا ذیل واژه ادب

عقل یا دین مشروع باشد.^۴ بازهم به همان مثال احترام به والدین توجه کنید. دو نفر را تصور کنید که هر دو نسبت به پدر و مادر خود احترام دارند و آن‌ها را خیلی دوست دارند. این دو نفر تصمیم می‌گیرند برای پدر و مادرشان لباسی بخرند. یکی لباس را می‌خرد و به خانه می‌آورد و بدون آن‌ها که به پدر و مادرش چیزی بگوید، لباس را تحویل می‌دهد؛ اما نفر دوم وقتی لباس را می‌خرد، آن‌ها را داخل بسته‌ی بسته‌بندی می‌کند و به مناسبت خاصی مانند روز مادر آن را به مادرش می‌دهد و می‌گوید: تقدیم به تو مادر عزیز به پاس زحمت‌هایی که برایم کشیدی.

به نظر شما کدام یک بهتر است. بدون شک نوع دوم زیباتر است. ادب نیز انجام دادن عمل مطابق شرع و عقل است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «**الاداب حلیل مجدده**؛ آداب لباس‌های نو هستند»^۵ در جایی دیگری می‌فرماید: «زینتی چون ادب نیست»^۶ و بازهم می‌فرماید: «مردم بیشتر از آن‌ها که به طلا و نقره نیاز داشته باشند، نیازمندتر به داشتن ادب نیکو هستند.»^۷

آداب معاشرت پیامبر

آداب معاشرت شامل آدابی است که افراد در برخورد با دیگران با آن‌ها محترمانه و صمیمی برخورد می‌کنند. روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

۱. هنگام سخن گفتن تبسم می‌نمود و حتی با دیگران شوخی و مزاح می‌کرد؛ ولی جز سخن حق بر زبان نمی‌راند.^۸
۲. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هرگز دیده نشد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پایش را مقابل کسی دراز کند.^۹
۳. امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم لباس و زینت خود را از تن خارج نمی‌کرد.^{۱۰}
۴. معروف است که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در سلام کردن از دیگران پیشی می‌گرفت.
۵. هنگام خداحافظی برای مؤمنان دعا می‌کرد.^{۱۱}

۴. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۲۵۶

۵. غررالحکم، ص ۲۴۷

۶. پیشین، ص ۲۴۷

۷. همان

۸. سنن النبی، علامه طباطبایی، ص ۴۸ - ۴۹

۹. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲

۱۰. سنن النبی، ص ۴۸

۱۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۹

۶. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هنگامی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله میهمان می‌رسید، حضرت با او غذا می‌خورد و تا مهمان دست از غذا نمی‌کشید، پیامبر صلی الله علیه و آله به خوردن ادامه می‌داد.^{۱۲}

فعالیت



شاگردان، در مورد داستان لقمان حکیم و اهمیت ادب در زنده گی دو نفری بحث کنند.

ارزشیابی



۱. ادب چیست؟
۲. انواع آداب را نام ببرید!
۳. دو نوع از رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را توضیح دهید.

کارخانه گی



شاگردان، در باره ارزش ادب تحقیق نموده پنج سطر بنویسند.

صبر و بردباری

هدف: آشنایی با جایگاه صبر در اسلام

پرسش: صبر و بردباری چه فایده‌هایی دارد؟

آستانه تحمل

صبر در لغت به این معنا است که اگر ناخوشی برای انسان رخ دهد، بتواند از داد و فریاد جلوگیری کند و در حال صبر، اضطراب روانی و حرکات غیرعادی از انسان سر نمی‌زند.^۱ افراد به طور طبیعی از نظر برخورداری از میزان تحمل متفاوت‌اند. برخی افراد تحمل بیشتری دارند و به عبارت دیگر آستانه تحمل آن‌ها بیشتر است؛ اما برخی افراد آستانه تحمل‌شان کم است و زود احساساتی می‌شوند و باندک مشکلی کنترل خود را از دست داده و از آن‌ها حرکات غیر عادی سر می‌زند.

در اسلام تأکید بر آن است که آستانه تحمل افراد افزایش یابد و این امر از طریق تمرین بر تحمل و صبر تحقق می‌یابد. در حدیثی از رسول اکرم نقل شده است: «**إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةَ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَثَبَّتُوا لَمْ يُهْلِكْ أَحَدٌ**؛ عجله و شتاب مردم را هلاک کرده و اگر مردم دارای خویشتن‌داری و دارای تحمل بودند، هیچ‌کس به هلاکت نمی‌رسید»^۲ حضرت علی علیه السلام فرمودند: «**الزمو الصبر فانه دعامة الايمان**...؛ همواره ملازم صبر باشید؛ زیرا صبر ستون ایمان است.»^۳

انواع صبر

۱. صبر بر مصیبت: بدون شک هر فردی در زنده‌گی با مشکلاتی مواجه می‌شود و راه موفقیت این است که در برابر این مشکلات خود را نبازیم و تسلیم مشکلات نشویم و مسیر

۱. مسکن الفؤاد ص: ۴۰ (ترجمه به مضمون)

۲. بحارالانوار، جلد ۶۸، صفحه ۳۴۰.

۳. غززالحکم، ص ۲۸۱

درستی را که در پیش گرفته‌ایم، ادامه دهیم و بدون شک با صبر، موفقیت و ظفر نیز نصیب ما خواهد شد. به گفته حافظ:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

یکی از مشکلات در زنده‌گی انسان، مصیبت از دست دادن دوستان و عزیزان است. در چنین شرایطی گرچه تحمل آن بسیار سخت است؛ اما در روایات سفارش شده است که انسان باید صبر داشته باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اگر کسی مصیبتی به او برسد و هنگامی که مصیبت را یاد کند استرجاع نماید و هنگام مصیبت‌های ناگهانی صبر کند، خداوند گناهان گذشته او را می‌بخشد»^۴ البته به دیگران نیز سفارش شده است که شخص مصیبت‌زده را از نظر روانی حمایت کنند و به او تسلیت بگویند. یکی دیگر از مشکلات در زنده‌گی انسان، بیماری است. در هنگام بیماری سفارش شده است انسان باید صبور باشد.

۲. صبر بر طاعت: یکی دیگر از موارد صبر، بردباری بر طاعت خداوند متعال است. انسان وظائف زیادی دارد که بر او واجب است آنها را درست انجام دهد. این وظایف شامل عبادت خداوند مثل نماز، روزه، جهاد... و تکالیف واجب دیگر است. وقتی کسی برای دیگری یا سازمانی کار می‌کند و در برابر کارش مزد می‌گیرد، باید به خاطر حلال‌شدن مزد خود درست کار کند و در انجام کارش صبور باشد.

۳. صبر بر معصیت: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «صبر بر دو نوع است یکی صبر بر مصیبت که امری زیباست و دیگری صبر بر حرام»^۵ یکی از موارد صبر بر حرام، صبر بر خوردن مال حرام است. رشوه خوردن حرام است و اگر کارمندی بتواند صبر کند و وسوسه پول نتواند او را فریب دهد، به صورت قطعی نزد خداوند جل جلاله اجر خواهد داشت.

۴. الکافی ج: ۳، ص: ۲۲۴

۵. غررالحکم، ص ۲۸۳

فعالیت



شاگردان، در مورد اهمیت صبر در گروه‌های سه نفری گفت‌وگو کنند.

ارزشیابی



۱. صبر را تعریف کنید!
۲. آستانه تحمل به چه معناست؟
۳. انواع صبر را توضیح دهید!

کارخانه‌گی



شاگردان، در باره اهمیت صبر شش سطر بنویسند.

شرح صدر

هدف: آشنایی با مفهوم و اهمیت سعه صدر

پرسش: شرح صدر چیست؟

سرمایه انسانی

یک سازمان اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود نیازمند برنامه‌ریزی، سرمایه اقتصادی و نیروی انسانی است. در این میان، نیروی انسانی گران‌بهاترین منبع برای یک سازمان اجتماعی است. اگر یک سازمان برنامه‌ریزی خوبی داشته باشد و از نظر اقتصادی نیز تأمین باشد؛ اما اگر نیروی انسانی خوبی نداشته باشد، به طور قطع دچار شکست خواهد شد. گاهی یک سازمان اجتماعی ممکن است از سرمایه انسانی خوبی برخوردار باشد؛ اما مدیریت خوب نداشته باشد. اگر مدیریت خوب نباشد، سرمایه انسانی از دست خواهد رفت.

از این رو برای رسیدن به اهداف یک سازمان، مدیر و گرداننده آن سازمان باید شخصی کاردان و موفق باشد. حال سوال این است که یک مدیر موفق باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. در روایات به نکته‌های مدیریتی جالبی اشاره شده است؛ اما در این درس یک مورد آن بحث می‌شود و آن سعه صدر یا شرح صدر است.

انبیا بهترین مدیران جامعه

یکی از مهم‌ترین رسالت انبیا علیهم‌السلام، اقامه عدل و قسط است. انجام این مسؤلیت بسیار مهم کار آسانی نیست و نیازمند سینه‌یی گشاده و باز است. حضرت موسی علیه‌السلام، وقتی به دریافت رسالت خدا مفتخر گردید، احساس کرد که برای ادامه راه به شرح صدر نیاز دارد؛ از این رو ملتزمانه از خدا جل جلاله چنین خواست: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ احْلُلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي؛ پروردگارا! سینه‌ام را فراخ فرمای و کارم را آسان ساز و گره از

زبانم بگشای تاسختم را بفهمند.»^۱ خداوند متعال برای پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ نیز فرمود:
«أَمْ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ، وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ؛ آیا سینهات را فراخ
 نکردیم و بار گرانی که نزدیک بود کمرت را بشکند، از دوشت برنداشتیم»^۲

شرح صدر به معنای گشاده گی سینه است.^۳ فیض کاشانی در تفسیر این آیه شریفه:
 «یعنی، سینهات را با علم و حکمت، دریافت وحی و صبر در برابر آزار و سختیها
 وسعت دادیم تا این که گنجایش مناجات حق و دعوت خلق را داشته باشید.»^۴ رسول
 خدا ﷺ می فرماید: **«أَكْثَرُ دُعَائِي وَ دُعَاءِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي بِعَرَفَةِ... أَللَّهُمَّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ**
يَسِّرْ لِي أَمْرِي؛ بیشترین دعای من و پیامبران پیش از من در عرفه این است که... خدایا! به من شرح صدر
 بده و کارم را آسان کن.»^۵ امام علی عليه السلام می فرماید: **«أَلَةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ؛** شرح صدر وسیله
 ریاست است.»^۶

نمونه‌یی از سیره

شخصی از اهل شام به مدینه آمد. در مدینه با امام حسین عليه السلام روبه‌رو شد. سوابق
 تبلیغاتی عجیبی که در روحش رسوخ کرده بود، موجب شد که دیگک خشمش به جوش
 آید و قریبه الی الله! آنچه می‌تواند سب و دشنام نثار حسین بن علی عليهما السلام بنماید. پس از آن که
 هرچه خواست گفت و عقده دل خود را گشود، امام حسین عليه السلام نگاهی پر از مهر و
 عطوفت به او کرد و چند آیه از قرآن - مبنی بر حُسن خلق و عفو و اغماض - قرائت کرد.
 آنگاه به او فرمود: «ما برای هر نوع خدمت و کمک به تو آماده‌ایم.» آنگاه از او
 پرسید: «آیا از اهل شامی؟» جواب داد: «آری» فرمود: «من با این خُلق و خوی سابقه دارم
 و سرچشمه آن را می‌دانم.»

۱. طه، آیات ۲۵ - ۲۸.

۲. الانشراح / او ۲

۳. مفردات راغب اصفهانی، ذیل واژه شرح

۴. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۴۳

۵. همان

۶. شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۱۵.

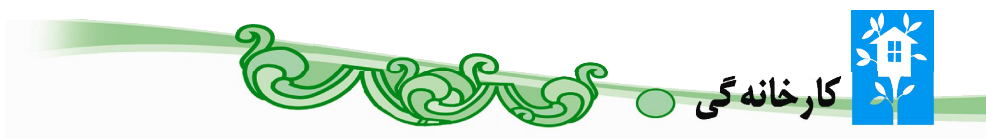
پس از آن فرمود: «تو در شهر ما غریبی، اگر احتیاجی داری حاضریم به تو کمک دهیم، در خانه خود از تو پذیرایی کنیم، تو را بپوشانیم و به تو کمک نقدی بدهیم.» مرد شامی که منتظر بود با عکس‌العمل شدیدی برخورد کند، و هرگز گمان نمی‌کرد با یک چنین گذشت و اغماضی رو به رو شود، چنان منقلب شد که گفت: «آرزو داشتم در آن وقت زمین شکافته می‌شد و من به زمین فرو می‌رفتم، و این چنین نشناخته و نسنجیده گستاخی نمی‌کردم...»^۷



شاگردان، در باره اخلاق مدیریتی دو نفری با همدیگر گفت‌وگو کنند.



۱. چرا سرمایه انسانی مهم است؟
۲. شرح صدر به چه معناست؟
۳. سعه صدر در کدام حالت اهمیت بیشتری دارد؟



شاگردان، در باره شرح صدر تحقیق نموده شش سطر بنویسند.

۷. داستان راستان، مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۲۸ - ۳۰.

عزت نفس

هدف: آشنایی با فضیلت عزت نفس

پرسش: عزت نفس به چه معنا است؟

مبارزه با نفس

جهاد با نفس به معنای مبارزه با خواست‌های شیطانی و غیر الهی مثل حرص و طمع و امثال آن است. نفس انسان خواست‌های مشروعی چون: خوردن، آشامیدن و نیاز به داشتن روابط با دیگران و نیاز به احترام دارد که این خواست‌ها به هیچ‌وجه منفی نیستند. لذا با جهاد با نفس به معنای مبارزه با این خواست‌های مشروع نفس نیست. با توجه به این مطلب به داستان زیر توجه کنید.

یکی از مشاییر در تاریخ اسلام به نام ابراهیم ادهم که در نخست امیر بوده و بعد توبه کرده، می‌گوید: من هیچ‌وقت آن‌قدر خوشحال نشدم که در سه موقع خوشحال شدم؛ یکی این که سوار بر کشتی بودم. در آنجا مردی بود که مردم را می‌خندانند. این مرد نقل می‌کرد که ما سرباز بودیم و در جایی می‌جنگیدیم و افراد را می‌گرفتیم. بعد برای این که بگویند چگونه آن‌ها را می‌کشیدیم و می‌آوردیم به اطراف نگاه کرد، دید هیچ‌کس از من مناسب‌تر برای این کار نیست، آمد و موی سرم را گرفت و مرا کشان‌کشان آورد و گفت ما این‌گونه آن‌ها را می‌کشیدیم. بسیار خوشحال شدم، چون دیدم در کشتی هیچ‌کس از من پست‌تر در نظر او نیست.^۱

به نظر شما آیا داستان فوق مصداق مبارزه با نفس است؟

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۰۵ (به نقل از ابن ابی‌الحدید شرح نهج البلاغه)

عزت نفس

در قرآن کریم آیه‌ی داریم که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است».^۲ واژه عزت در برابر کلمه ذلت (خواری) قرار دارد. اهل لغت کلمه عزت را، بلندپایه‌گی، ارجمندی و سرافرازی معنا کرده‌اند.^۳ هر مومنی شایسته است با عزت و سرافراز باشد و نباید اجازه دهد که دیگران او را تحقیر کنند. امام صادق علیه السلام در وصیت‌اش به عبدالله بن جندب می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ فَظًّا غَلِيظًا يَكْرَهُ النَّاسُ قُرْبَكَ وَلَا تَكُنْ وَاهِنًا يُحْقِرُكَ مَنْ عَرَفَكَ وَلَا تُشَارَّ مَنْ فَوْقَكَ وَلَا تَسْخَرُ مِنْ هُوَ دُونَكَ وَلَا تُتَارِعَ الْأُمَرَ أَهْلَهُ؛ تندخو و سخت‌گیر مباش که دیگران از نزدیک‌شدن به تو متنفر شوند، آن‌قدر آسان هم‌نگیر که کسانی که با تو آشنا هستند تو را تحقیر کنند، با کسی که از تو بالاتر است مخاصمه و دشمنی نکن و کسی را که رتبه‌اش از تو پایین‌تر است، تمسخر نکن و در امری که با اهلش طرف هستی، جدال نکن».^۴

بنابراین آنچه را در داستان فوق خواندید، مخالف عزت نفس است و مورد تأیید قرآن و روایات نیست. این داستان مصداق خوار شمردن نفس است. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «من هانت عليه نفسه فلا ترح خيره؛ کسی که خودش نزد خودش خوار باشد، از او امید خوبی و نیکی نداشته باشید».^۵

عوامل عزت و ذلت [؟]

عواملی که سبب می‌شود عزت نفس انسان پامال شود، در روایات مورد توجه واقع شده است و در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من اعتر بغیر الله ذل، کسی که به وسیله غیر خدا عزت پیدا کند ذلیل می‌شود». «من اعتر بغیر الحق أذله الله بالحق، کسی که به ناحق ارجمند و عزیز شود خداوند تعالی او را ذلیل خواهد کرد».^۶

۲. المناقون / ۸

۳. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه عزت

۴. مستدرک الوسائل ج: ۹ ص ۷۹

۵. غررالحکم ص: ۲۶۳

۶. غررالحکم ص: ۲۶۳

۲. یکی از عوامل ذلت، دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران است. در حدیث از حضرت علی علیه السلام آمده است: «التقلل و لا التذلل؛ باید به کم خود قانع باشیم اما نباید خود را خوار کنیم.»^۷

۳. وقتی نقطه ضعف‌های خود را برای همه‌گان بازگو کنیم، در چشم دیگران خوار و حقیر می‌شویم؛ بنابراین باید از گفتن نقطه ضعف‌های خود به دیگران پرهیز کنیم. علی علیه السلام می‌فرماید: «رضی بالذل من کشف ضره لغيره؛ کسی که بدحالی خود را برای دیگران آشکار می‌سازد، به خواری خود رضایت داده است.»^۸



شاگردان، در بارهٔ مبارزه با نفس با هم گفت‌وگو کنند!



۱. مبارزه با نفس چیست؟
۲. مبارزه با نفس چگونه با عزت نفس سازگار است؟
۳. با کدام نوع از خواست‌های نفسانی باید مبارزه کرد؟
۴. عوامل عزت نفس چیست؟



شاگردان، در بارهٔ جهاد با نفس و عزت نفس پنج سطر بنویسند.

۷. غررالاحکم ص: ۲۶۳

۸. غررالاحکم ص: ۲۶۳

رابطه مردم و دولت

هدف: آشنایی با وظایف مردم در برابر دولت

پرسش: وظایف دولت چیست؟

شهروند فعال

برخی محققان شهروند را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱. شهروند ناآگاه: آن دسته از افرادی که نسبت به اوضاع موجود آگاهی ندارند و در نتیجه نسبت به روندهای موجود جامعه نیز بی‌پروا هستند.
۲. شهروند آگاه: شهروندانی هستند که از اوضاع موجود آگاهی دارند؛ اما در عمل مشارکت ندارند.

۳. شهروند فعال: شهروندی که هم از اوضاع موجود آگاهی دارد و هم فعال است. دسته سوم کسانی‌اند که سرنوشت یک جامعه به دست آن‌ها است و می‌توانند در دگرگونی یک جامعه در جهت دل‌خواه شان نقش داشته باشند. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می‌فرماید: «**کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ**؛ شما همه سرپرست همدیگرید و همه تان مسئول زیردستان خود هستید.»^۱ تمام امت اسلامی موظف‌اند جزو دسته فعال باشند. دسته فعال همان دسته‌یی است که هم از اوضاع آگاه است و هم نسبت به سرنوشت خود احساس مسئولیت می‌کند.

همکاری با دولت در برقراری نظم

یکی از وظایف دولت برقراری نظم و امنیت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «**مَكَانُ الْقِيَمِ مِنَ الْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْحُرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ**؛ جایگاه سرپرست نظام چون تازی است که دانه‌ها را گرد هم می‌آورد و آن‌ها را ضمیمه هم می‌کند.»^۲ یک دولت موفق دولتی است که مردم با آن همکاری کند؛ ازین رو مردم باید جهت برقراری نظم با دولت همکاری کنند.

۱. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۱۹

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۴۴۲.

نقد دولت

پیامبر اسلام ﷺ در سخنرانی‌ای که در مسجد خیف داشت، فرمودند: «ثَلَاثٌ لَا يُعْلَىٰ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللُّزُومُ لِمَجَامِعَتِهِمْ؛ نسبت به سه چیز قلب هیچ‌کسی کینه نمی‌گیرد؛ خالص کردن عمل برای خدا، نصیحت برای پیشوای مسلمانان و همراه ماندن با مردم.»^۳ نصیحت در لغت به معنای پند از روی خیرخواهی است. حضرت علی عليه السلام نیز یکی از وظایف مردم را همین نکته معرفی می‌کند: «أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ؛ اما حق من بر شما، وفاداری به بیعت و نصیحت در حضور و غیاب است.»^۴ در دوره‌های گذشته به دلیل آن‌که حجم جامعه کوچک بود و اگر کسی می‌خواست انتقادی نسبت به حاکم جامعه داشته باشد، می‌توانست به‌طور مستقیم آن را با حاکم جامعه اسلامی در میان بگذارد. اما امروزه حجم جامعه گسترش یافته و دسترسی به کسانی که در قدرت هستند، مشکل شده است؛ لذا خیرخواهی و نصیحت باید از طریق رسانه‌های جمعی مثل رادیو، تلویزیون و مطبوعات به گوش مسؤولان دولتی رسانده شود.

قدردانی از دولت

یکی دیگر از وظایف هر مسلمان، قدردانی از حاکمانی است که به وظایف خویش خوب عمل کنند. قدردانی و اظهار سپاس از کسانی که در قدرت قرار دارند و به مردم خدمت می‌کنند، آن‌ها را از نظر روانی بیشتر تشویق به خدمت‌گزاری می‌نماید. قدردانی از آن‌ها در واقع حمایت روانی حاکمان خدمت‌گزار است.



شاگردان، درباره‌ی شهروند فعال با همدیگر بحث و گفت‌وگو کنند!



۱. در چه زمینه‌هایی باید مردم با دولت همکاری کنند؟
۲. آیا باید از دولت انتقاد کرد؟
۳. اگر حاکمی خدمت‌گزار باشد، آیا از او بدگویی کنیم؟

۳. س. الکانی ج: ۱ ص: ۴۰۳

۴. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۱۱۴

آداب حکومت‌داری

هدف: آشنایی با وظایف دولت در برابر مردم
پرسش: مسؤولان دولتی با مردم چگونه باید رفتار کنند؟

وظایف دولت در برابر مردم

رابطه مسؤولان دولت و مردم یکی از مباحث مهم و حیاتی در هر جامعه‌ی است. دولت موظف است خدمات و سهولت‌هایی را برای شهروندان فراهم سازد و به این دلیل همواره دولت‌مردان با مردم در ارتباط‌اند. هر جامعه‌ی که خواهان ترقی و پیشرفت است، در صدد انسانی‌شدن روابط بین دو طبقه حاکم و طبقه بیرون از حکومت است. این امر از طریق حاکمیت قانون عادلانه تحقق می‌یابد. در دین اسلام نیز نحوه رابطه دولت‌مردان و مردم مورد توجه قرار گرفته است. در ادبیات دینی در باره رابطه مسؤولان و مردم اصولی مورد توجه واقع شده است که به برخی از آن‌ها در این درس می‌پردازیم.

رفتار عادلانه در اجرای قانون

یکی از نکاتی که در سیره پیامبر اکرم مورد تأکید قرار گرفته، برخورد عادلانه در اجرای قانون است. برای عموم مردم در قانون هم حقوق و مزایایی در نظر گرفته شده است و هم مکلفیت‌هایی بر آن‌ها وضع شده است. مساوات در برابر قانون به معنای مساوات در هر دو بخش است.

این مزایا امروزه به صورت کمک‌های دولتی مثل کوپن و سایر انواع کمک‌های بلاعوض است. یکی از مزایا و حقوق برای مسلمانان که در صدر اسلام بوده، تقسیم غنایم است. ابوسعید خدری گوید: روزی رسول اکرم ﷺ مشغول تقسیم غنایم بود که مردی از قبیله تمیم گفت: عدالت داشته باش! پیامبر ﷺ در جواب فرمود: «وَيْحُكَ وَ مَنْ يَعْدِلُ إِذْ لَمْ أَعْدِلْ؟» وای بر تو! اگر من عدالت نورزم، دیگر چه کسی عادل خواهد بود؟^۱ اعتراض این فرد به پیامبر ﷺ به این معناست که در آن جامعه عدالت به گونه‌ی نهادینه شده

۱. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۱۳

است که حتی یک فرد عادی نیز به خود این حق را می‌دهد که حتی در برابر پیامبر ﷺ اعتراض کند.

نکته دیگر برابری در مکلفیت‌های قانونی است. وقتی یک قانون، شهروندان را موظف می‌کند که عملی را به گونه خاصی انجام دهند، با همه‌گان باید به گونه مساوی برخورد شود. آنانی که موقعیت اجتماعی یا سیاسی بهتر، دارند نباید از رعایت قانون استثنا شوند. پیامبر بزرگوار اسلام مخالف مصادره قانون بود و قانون را در حق همه‌گان به طور مساوی اجرا می‌کرد. زنی از قبیله بنی مخزوم مرتکب سرقت شد و طبق دستور قرآن باید حدّ بر او جاری می‌شد. سران قبیله، اسامه بن زید را به شفاعت نزد پیامبر ﷺ فرستادند. آن حضرت ﷺ فرمود: «ای اسامه! نبینم که درباره تعطیلی حدّی از حدود خداوند شفاعت نمایی!» سپس برخاست و طی سخنانی فرمود: «علّت نابودی ملت‌های گذشته این بود که هرگاه فرد بانفوذی دزدی می‌نمود، او را مجازات نمی‌کردند؛ ولی اگر فرد ضعیفی چنان می‌کرد، مجازات می‌شد. به خدا سوگند اگر دخترم فاطمه هم چنین می‌کرد، دستش را قطع می‌کردم!»^۲

دوری از استبداد

یکی از آسیب‌ها در نوع روابط مسؤولان و مردم، استبداد و خودکامه‌گی است. حضرت علی علیه السلام در نامه‌یی به مالک اشتر می‌نویسد: «وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرُ فَاطِعَ فَا ن ذَا لِكِ إِذْ غَا لٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ مَگُو مَن مَامُورِم (و بر اوضاع مسلطم)، امر می‌کنم و باید اطاعت‌شوم، زیرا این کار موجب دخول فساد در قلب و خرابی دین و نزدیک شدن تغییر و تحول در قدرت است.»^۳ طبق این فرمایش استبداد پیامدهای زیر را دارد: (۱) سبب سنگدلی و قساوت قلب خود حاکم می‌شود، (۲) سبب نابودی دین می‌گردد؛ زیرا مردم نسبت به دین بدبین می‌شوند، (۳) با افزایش بدبینی، مردم در برابر آن حکومت قیام کرده و آن حکومت را سرنگون خواهند کرد.

همدردی با محرومان جامعه

یکی از نکته‌های اساسی که در اسلام مورد تاکید فراوان قرار گرفته است، همدردی مسؤولان با محرومان جامعه است. اگر مسؤولان با محرومان جامعه مواسات داشته باشند، بین مردم محبوبیت پیدا کرده و می‌تواند حمایت توده‌های مردم را جذب کند.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۰۸

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳

روایت شده است که حضرت سلیمان علیه السلام، هر روز صبح با بزرگان و اشراف ملاقات می کرد تا به صف مستمندان می رسید، آنگاه کنار آنان می نشست و می فرمود: مستمندی همراه مستمندان^۴ به این معنا که من هم مستمندی مثل شما هستم.

پس از آن که به حضرت علی علیه السلام گزارش داده شد که یکی از ثروتمندان بصره عثمان بن حنیف را به میهمانی دعوت کرده که فقرا در آن دعوت نشده و او میهمانی را پذیرفته است حضرت به او نامه اعتراض آمیزی می نویسد و او را سخت نکوهش می کند: «ای پسر حنیف! به من گزارش داده شده که مردی از ثروتمندان اهل «بصره» تو را به میهمانی دعوت کرده و تو به سرعت به سوی آن شتافته ای؛ در حالی که طعام های رنگارنگ و ظرف های بزرگ غذا یکی بعد از دیگری پیش تو قرار داده می شد. من گمان نمی کردم تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندان ورودشان بر آن دسترخوان ممنوع و ثروتمندان شان دعوت شوند.»^۵ امام علیه السلام در ادامه این نامه می فرماید: «آیا به همین قناعت کنم که امیرالمؤمنین خوانده شوم؟ اما با آنان در سختی های روزگار شریک نباشم؟! و پیشوا و مقتدای شان در تلخی های زنده گی نباشم؟»^۶



شاگردان، در باره رابطه دولت و ملت با هم گفت و گو کنند!



۱. مساوات در برابر قانون چیست؟ مثال بزنید!
۲. استبداد چه پیامدهای منفی دارد؟
۳. رفتار خوب مسؤولان با مردم چه فواید دارد؟



شاگردان، در باره ثمرات مساوات در اجرای قانون پنج سطر بنویسند.

۴. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۸۳

۵. نامه ۴۵ نهج البلاغه

۶. همان،

اصلاحات از نظر اسلام

هدف: آشنایی با اصلاحات از نظر اسلام

پرسش: اصلاح چیست؟

زوج‌های متضاد در قرآن

یکی از این زوج‌های متضاد در قرآن کریم دو مفهوم اصلاح و فساد زیاد به کار رفته است. وقتی به لغت‌نامه‌های تخصصی در باره معنای فساد و اصلاح مراجعه می‌کنیم، هر کدام را به نقیض دیگری معنا کرده‌اند؛ به این صورت: فساد ضد اصلاح است یا اصلاح ضد فساد است؛ اما یک نکته مشخص است که اصلاح بعد از فساد است؛ یعنی اول فساد صورت می‌گیرد و بعد اصلاح شروع می‌شود. فساد به معنای خراب کردن و ایجاد نابسامانی است؛ اما اصلاح به معنای سامان دادن است.

انواع اصلاحات

در نتیجه اصلاحات در یک جامعه به این معناست که آن جامعه فاسد شده و نابه‌سامانی ایجاد گردیده و باید شرایط بهبود یابد. این نابه‌سامانی در سطوح مختلف جامعه رخ می‌دهد. این فساد و نابه‌سامانی ممکن است در حوزه سیاست، فرهنگ یا اقتصاد باشد؛ بنابراین اصلاحات نیز به اصلاحات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم می‌شود. اما باید توجه داشت که اصلاحات در اصل وظیفه دولت است؛ اما مردم نیز موظف به همکاری هستند. اما در شرایطی که دولت نخواهد به سوی اصلاح حرکت کند، وظیفه سایر مسلمانان است که دست به اصلاحات بزنند.

اصلاحات فرهنگی

اصلاحات فرهنگی وقتی معنا پیدا می‌کند که شرایط فرهنگی جامعه دچار انحراف و نابه‌سامانی شده باشد. در زمان امام حسین علیه السلام شرایط فرهنگی دچار انحراف شده و حاکم زمان نه تنها به اصلاح شرایط موجود نمی‌پرداخت که خودش نیز جزو افرادی بود که شرایط نابه‌سامان موجود را آورده بود. قیام امام حسین علیه السلام یک اصلاح فرهنگی و سیاسی است. امام حسین علیه السلام در وصیت‌نامه خودش به محمد بن حنفیه، هدف از قیام خود را بعد از ادای شهادت به وحدانیت خدا جل جلاله و رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت به روز جزا، این‌گونه شرح می‌دهد: «و أني لم أخرج أشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و إنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي أريد أن آمر بالمعروف و أنهي عن المنكر و أسير بسيرة جدي و أبي؛ من برای جاه‌طلبی و ثروت‌طلبی، افساد و ظلم بیرون نیامدم، بلکه من برای اصلاح امت جدم بیرون آمدم، می‌خواهم امر بمعروف و نهی از منکر کنم و همان راهی را بروم که جدم و پدرم رفتند.»^۱ دو کلمه افساد و اصلاح در این فراز از سخنان امام حسین علیه السلام بسیار کلیدی هستند. امام حسین علیه السلام هدف خود را اصلاح معرفی می‌کند و نه افساد. امام حسین علیه السلام می‌فرماید که من برای افساد و نابه‌سامان کردن اوضاع بیرون نیامدم؛ بلکه برای سامان بخشیدن به اوضاع بیرون آمدم. از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا دوره حضرت علی علیه السلام شرایط فرهنگی جامعه بهبود یافته بود؛ اما با آمدن یزید در جامعه اسلامی نابه‌سامانی فرهنگی به وجود آمده بود. امام حسین علیه السلام از شرایط موجود رنج می‌برد و خواهان اصلاح آن است و به همین دلیل قیام کرد.

اصلاحات اقتصادی

فساد اقتصادی به معنای نابه‌سامانی در حوزه اقتصاد یک جامعه است؛ به این صورت که تعداد انسان‌های فقیر در جامعه افزایش یابد و آبادانی در آن جامعه کند شود. فساد اقتصادی به معنای توزیع نابرابر منابع اقتصادی بین آحاد افراد جامعه است؛ به صورتی که تعدادی از افراد به منابعی دسترسی داشته باشند و اکثریت از دسترسی به آن‌ها محروم باشند. اصلاحات اقتصادی به معنای برابر کردن فرصت‌های اقتصادی است. اصلاحات اقتصادی به این است که زمینه پیشرفت برای همه مساوی باشد.

۱. بحار الأنوار ج: ۴۴ ص: ۳۳۰

اصلاحات سیاسی

بعضی اوقات فساد در دستگاه حاکمه رخ می‌دهد. این فساد خود را در قالب فساد اداری، تبعیض و امثال آن نشان می‌دهد. در چنین شرایطی بر کسانی که بیرون از دستگاه حاکمه قرار دارند، واجب است با تبعیض و رشوه‌خواری مبارزه کنند.



شاگردان، دربارهٔ انواع اصلاحات با همدیگر گفت‌وگو کرده و بیان کنند که کدام نوع اصلاحات برای جامعهٔ ما ضروری‌تر است.



۱. معنای اصلاح چیست؟
۲. اصلاح فرهنگی به چه معناست؟
۳. اصلاحات اقتصادی یعنی چه؟



شاگردان، در بارهٔ ضرورت اصلاحات در جامعه تحقیق نموده هشت سطر بنویسند.

رشوه

هدف: آشنایی با شیوه‌های مبارزه معصومین علیهم‌السلام با فساد اداری

پرسش: پیامدهای رشوه‌خواری در جامعه چیست؟

فساد اداری

یکی از معضلات اساسی در بسیاری از کشورها، مسأله فساد اداری است. فساد اداری به معنای سوء استفاده از قدرت برای منافع شخصی و غیر عمومی است. افرادی که در مسند قدرت قرار دارند، ممکن است به اشکال مختلف از قدرت سوء استفاده کنند. گاهی این افراد از صلاحیت‌های خود در جهت تحکیم منافع شخصی، قومی یا حزبی استفاده می‌کنند و گاهی برای ارائه خدمات از مشتریان خود تقاضای پول می‌کنند. در نتیجه فساد اداری دو مصداق روشن دارد: یکی پارتی‌بازی و دیگری رشوه‌خواری. در حالتی که در درون یک حکومت فساد اداری زیاد شود، حکومت و دولت ناکارآمد شده و نارضایتی عمومی در آن جامعه از دولت و حکومت افزایش می‌یابد و ممکن است ثبات حکومت دچار تزلزل شود. به این دلیل مبارزه با فساد اداری برای یک کشور بسیار حیاتی است.

راه حل این مسأله چیست؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان با فساد اداری مبارزه کرد؟

مکانیسم‌های کنترل و نظارت

مهم‌ترین روشی را که متخصصان برای مبارزه با فساد اداری پیشنهاد می‌کنند، افزایش نظارت و کنترل است. اما کنترل و نظارت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) کنترل بیرونی، (۲) کنترل درونی. کنترل بیرونی به این معنا است که افراد متخلف تحت نظر قرار گیرند و در صورت تخلف مجازات شوند؛ اما کنترل درونی در این است که به افراد انگیزه داده شود که مخالف با مقررات برخورد نکنند، در واقع بدون فشار بیرونی افراد خودشان از رشوه‌گرفتن و پارتی‌بازی پرهیز کنند. کنترل مورد نظر متخصصان بیشتر کنترل بیرونی است. آن‌ها بر این باورند که باید کنترل و تفتیش بیرونی آنقدر افزایش یابد که افراد

سودجو و فرصت طلب امکان رشوه خواری را نداشته باشند. اما از نظر اسلام کنترل بیرونی در ضمن کنترل درونی می تواند کارساز باشد.

کنترل درونی

شخصیت افراد به گونه‌یی باید شکل بگیرد که رشوه گرفتن و رشوه دادن زشت و نامطلوب تلقی شود. اگر افراد ایمان داشته باشند که رشوهستانی کار زشتی است، این امکان فراهم می شود که رشوه خواری از یک جامعه ریشه کن گردد. در روایات متعددی این عمل، زشت و مساوی با کفر معرفی شده است. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «**الراشي و المرتشي و الماشي بينهما ملعونون**؛ رشوه دهده، رشوه گیر و واسطه بین آنها از رحمت خدا دوراند.»^۱ در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «**لعن الله الراشي و المرتشي و الماشي بينهما و قال إياكم و الرشوة فأنها محض الكفر و لا يشم صاحب الرشوة ریح الجنة**؛ خداوند رشوه دهده، رشوه گیر و واسطه بین آنها را لعنت کرده است»^۲ در ادامه فرمودند: از رشوه پرهیزید که آن کفر محض است و رشوه گیر بوی بهشت را احساس نخواهد کرد. اگر کسی به خداوند ﷻ و روز جزا ایمان داشته باشد، هیچ گاه رشوهستانی نمی کند؛ زیرا این عمل گناه بزرگی است و حق الناس نیز هست هیچ گاه بخشوده نخواهد شد. کسی برای حضرت علی علیه السلام به عنوان هدیه چیزی می آورد تا به نفع او در دادگاه قضاوت کند. حضرت علیه السلام در جواب می گوید:.. کسی... نیمه شب ظرفی سر پوشیده پر از حلوا یا خوش طعم و لذیذ، به درب خانه ما آورد؛ ولی این حلوا معجونی بود که من از آن متنفر شدم گویا آن را با آب دهان مار یا استفراغش خمیر کرده بودند. به او گفتم: هدیه است، یا زکات و یا صدقه؟ که این دو بر ما اهلیت حرام است. گفت: نه این است و نه آن بلکه «هدیه» است. به او گفتم: زنان بچه مرده بر تو گریه کنند! آیا از طریق آئین خدا ﷻ وارد شده‌یی که مرا بفریبی؟!... به خدا ﷻ سوگند! اگر اقلیم های هفتگانه با آنچه در زیر آسمانها است به من بدهند که خداوند ﷻ را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌یی نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد، و این دنیای شما از برگ جویده‌یی که در دهان ملخی باشد، نزد من خوارتر و بی ارزش تر است.^۳

کنترل بیرونی

کنترل بیرونی نیز در اسلام سخت مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اسلام ﷺ و نیز سایر پیشوایان با رشوه خواران و کسانی که از بیت المال سوء استفاده کرده اند، به شدت برخورد

۱. بحار الأنوار ج: ۱۰۱ ص ۲۷۸

۲. جامع الأخبار ص: ۱۵۶

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

کرده‌اند. پیامبر ﷺ مردی را از طایفه «ازد» برای گردآوری زکات فرستاد. آن مرد وقتی از مأموریت برگشت، بخشی از اموال را به خدمت پیامبر ﷺ تقدیم و سهمی را برای خود برداشت و عرض کرد این اموال هدایایی است که مردم به من داده‌اند. حضرت برآشفتم و به او فرمود: «کیف تاخذ مالیس لک بحق؟ چرا آن که حق تو نیست می‌گیری» او در پاسخ با معذرت‌خواهی گفت: «لقد کانت هدیة یا رسول الله؛ آنچه گرفتم هدیه بود» پیامبر ﷺ فرمود: «ارایت لو قعد احدکم فی دارة و لم نوله عملا اکان الناس یهدونه شیئا؟» اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من والی محلی نباشید آیا مردم به شما هدیه می‌دهند؟!» سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت‌المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد.^۴

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: در یک حکومت اگر افراد به گونه‌ی تربیت شوند که اخذ رشوه را عملی بد و گناه بدانند و در کنار آن سران دولتی با جدیت با رشوه‌خواران برخورد کنند، در آن جامعه ریشه فساد نابود خواهد شد.



شاگردان، در باره تفاوت و اهمیت دو روش کنترل درونی و کنترل بیرونی گفت‌وگو کنند!



۱. فساد اداری چیست؟
۲. فساد اداری برای دولت و حاکمیت چه ضرری دارد؟
۳. کنترل درونی به چه معناست؟
۴. کنترل بیرونی به چه معناست؟



شاگردان، در باره اثرات کنترل و راه تقویت آن تحقیق نموده هشت سطر بنویسند.

۴. جرج جرداق، الامام علی (ع)، ج ۱، ص ۱۵۵ و ۱۵۶

تکاثر و ثروت اندوزی

هدف: آشنایی با نظر اسلام در باره ثروت اندوزی

پرسش: تکاثر ثروت چیست؟

جایگاه مال و ثروت در اسلام

داشتن مال و ثروت و تحصیل آن با دیدگاه اسلام هیچ منافات ندارد؛ بلکه تأکیدات برای تحصیل صحیح آن وجود دارد. پیامبر اسلام ﷺ قبل از آن که به پیامبری مبعوث شود، فردی تجارت پیشه بود و برای حضرت خدیجه رضی الله عنها تجارت می کرد. اگر تحصیل مال و ثروت امر بدی باشد، پس چرا پیامبر اسلام ﷺ تجارت می کرد. علاوه بر این در اسلام ضایع کردن مال حرام است. اسراف همان ضایع کردن مال است که از نظر اسلام حرام معرفی شده است. در قرآن کریم مال و ثروت «خیر» نامیده شده است. خداوند عز و جل در قرآن کریم در باره کسی که مرگش نزدیک شده، دستور می دهد که اگر مالی برجای گذارده، باید وصیت کند. در این آیه مبارکه مال به عنوان خیر یاد شده است **«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»** بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند [این کار] حقی است بر پرهیزگاران.^۱ به عبارت دیگر آنچه در اسلام مذمت شده، هدف قرار دادن ثروت است. به این صورت که وقتی ثروت تبدیل به هدف شد، سبب انحراف آدمی می شود و خصلت هایی در انسان به وجود می آید که سبب هلاکت او می گردد؛ زیرا در این صورت ثروت ملاک برتری و مایه تفاخر می شود و این موضوع از نظر اسلام ممنوع است.

وقتی مال برای انسان هدف و از حالت وسیله بودن خارج شد، انسان مسخ و برده مال می شود. حضرت علی رضی الله عنه می فرماید: **«الدُّنْيَا دَارٌ مَرَّةٍ لَا دَارَ مَقَرٍّ، وَالنَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ**

بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَرَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛ دنیا دار گذر است نه دار اقامت، و مردم در آن دو گروه‌اند. گروهی که خود را فروختند و خویش را هلاک کردند و گروهی که خود را خریدند و آزاد کردند.^۲ معنای حدیث این است که گروهی برده دنیا شدند و مال پرست شدند و گروهی نیز از این برده گی نجات یافتند. وقتی کسی برده دنیا شود، ثروت معیار برتری و فضیلت برای او می شود.

ثروت معیار برتری نیست

وقتی انسان‌ها برده مال شدند، ثروت را معیار فضیلت و برتری افراد قرار می دهند. «رسول اکرم ﷺ طبق معمول، در مجلس خود نشسته بود. یاران گرداگرد حضرتش حلقه زده او را مانند نگین انگشتر در میان گرفته بودند. در این بین، یکی از مسلمانان که مرد فقیری بود، از دروازه وارد شد و در نقطه‌یی جایی خالی یافت، رفت و آنجا نشست. از قضا پهلوی مرد ثروتمندی قرار گرفت. مرد ثروتمند جامه‌های خود را جمع کرد و خودش را به کناری کشید. رسول اکرم ﷺ که مراقب رفتار او بود، به او رو کرد و فرمود: ترسیدی که چیزی از فقر او بتو بچسبد؟! گفت: نه یا رسول الله؛ پیامبر ﷺ فرمود: ترسیدی که چیزی از ثروت تو به او سرایت کند؟ گفت: نه یا رسول الله؛ فرمود: ترسیدی که جامه‌هایت کثیف و آلوده شود؟ گفت: نه یا رسول الله؛ فرمود: پس چرا خودت را به کناری کشیدی؟ گفت: اعتراف می کنم که خطا کردم. اکنون به جبران این خطا و به کفاره این گناه حاضریم. از دارایی خودم را به این برادر مسلمان خود که درباره اش مرتکب اشتباهی شدم، می بخشم. مرد فقیر گفت: ولی من حاضر نیستم بپذیرم. گفتند: چرا؟ گفت: چون می ترسم روزی مرا هم غرور بگیرد و با یک برادر مسلمان خود آن چنان رفتاری کنم که امروز این شخص با من کرد.»^۳

گنج کردن مال

یکی دیگر از آفات دنیازدگی، گنج کردن مال است. در قرآن کریم به شدت از گنج کردن مال نهی شده است. قرآن کریم می فرماید: **«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛** و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳

۳. داستان راستان، ج ۱، ص ۶۲

خدا انفاق نمی‌کند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده»^۴ مفسران بر این باورند که طلا و نقره به عنوان سمبلی برای فلزهای گرانبه‌تر است. گنج کردن این دو فلز از نظر قرآن حرام است. از نظر اسلام باید سرمایه در گردش باشد تا تمام مومنین بتوانند از آن بهره بگیرند. اگر کسی سرمایه خود را به کاراندازد، سبب می‌شود برای بسیاری از افراد در جامعه شغل ایجاد شود. اما اگر سرمایه ذخیره شود و از آن استفاده نشود، سبب رکود اقتصادی می‌گردد. این مساله از نظر قرآن محکوم است.

پس در نتیجه مال دنیا نباید گنج شود؛ به گونه‌ی که هیچ‌یک از آن استفاده نکند و در ثانی باید در راه خدا مصرف شود. موارد مصرف فی سبیل الله شامل کمک به فقرا ساخت مساجد، مکاتب، مدارس دینی و.. می‌شود.



شاگردان، دربارهٔ موارد مصرف فی سبیل الله بحث و گفت‌وگو کنند.



۱. چرا در اسلام اصل ثروت و مال منفور نیست؟
۲. مال پرستی چیست؟
۳. آیا ثروت معیار برتری است؟



شاگردان، در بارهٔ به کارانداختن سرمایه در مسیر صحیح شش سطر بنویسند.

محرومیت‌زدایی

هدف: آشنایی با فضیلت انفاق

پرسش: در مواجهه با محرومان باید چه کار کرد؟

محرومیت‌زدایی و نه گداپروری

سیاست اقتصادی اسلام مبتنی بر حمایت از محرومان جامعه است، اما این حمایت به معنای ترویج گداپروری نیست. در اسلام تکدی‌گری عملی ناپسند تلقی شده است و همه‌گان سفارش شده‌اند که از گدایی پرهیزند. اما دیگران به انحای مختلف تشویق به حمایت محرومان شده‌اند. محرومیت‌زدایی به عنوان یک پالیسی اقتصادی صرفاً وظیفه دولت نیست. محرومیت‌زدایی از نظر اسلام وظیفه همه‌گانی تلقی می‌شود. بسیاری از سنت‌ها در اسلام ناظر به حمایت مالی از محرومان است. در قرآن کریم در اوصاف پرهیزگاران آمده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] است.» حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند سبحان نان فقرا را در بین اموال ثروتمندان قرار داده است، پس اگر فقیری گرسنه می‌ماند، به‌خاطر ندادن ثروتمند است و خداوند جل جلاله از این مسأله از آن‌ها بازخواست خواهد کرد.»^۲

مفهوم کلی که در راستای حمایت از محرومان است، مفهوم انفاق در راه خدا جل جلاله است. انفاق به واجب و مستحب تقسیم می‌شود. انفاق‌های واجب مثل زکات، خمس، کفارات و نذورات است و انفاق‌های مستحب شامل قرض الحسنه، صدقه، هدیه و.... می‌شود. این موارد هیچ‌گاه به معنای ترویج تنبلی در میان مردم نیست؛ بلکه به این معناست که تحت هر شرایطی اگر کسی دچار فقر و تنگ‌دستی شد، باید جامعه از او حمایت نماید.

اخلاق انفاق

کمک به محرومان از نظر اسلام باید تحت شرایطی انجام شود که این شرایط برخی ناظر به شخص کمک‌کننده و برخی به شخص مورد کمک است. این شرایط را می‌توان به

۱. الذاریات / ۱۹

۲. شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۵۳

عنوان اخلاق انفاق مورد بحث قرار داد. در انفاق نکته‌های زیادی باید رعایت شود که در ذیل به مواردی اشاره می‌شود:

الف) اخلاص: یکی از شرایط انفاق آن است که عمل انفاق برای رضای خدا عز و جل انجام شود و هدف ریاکاری و تفاخر نباشد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيْرَةٍ آءَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْطَهَا ضِعْفَيْنِ...؛ مَثَلِ كَسَانِي كَه أَمْوَالِ خُوِيْش رَا بَرَى بَرَى رَضَى خَدَا، اَز رُوِي يَقِيْن وَ اِعْتِقَاد اِنْفَاق مِي كُنْد، هَمَانْد بُوَسْتَانِي اِسْت بَر تَبْهَى كَه بَارَانِي تَنْد وَ بَه مَوْعَق، بَر آن بَارْد وَ دُو چَنْدَان مِيُوَه دَهْد»^۳

ب) رعایت اولویت‌ها: یکی دیگر از نکاتی که در باب انفاق مطرح است، تشخیص ضرورت‌ها است. باید تلاش شود به کسانی کمک شود که دارای ضرورت بیشتری است.

ج) انفاق پنهانی: وقتی به یک محروم کمکی می‌شود، باید به طور مخفیانه کمک شود. نباید با کمک کردن به کسی آبروی او لگدمال گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَ إِنْ تَخْفُوْهَا وَ نُؤْتُوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ»^۴ اگر انفاق‌ها را آشکار کنید، خوب است و اگر آن‌ها را مخفی کنید و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است.

د: پرهیز از منت دادن: وقتی به کسی کمک می‌کنیم با منت دادن نباید همراه باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَآ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنْ وَ الْآءَذِي...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، انفاق خود را بامنت و آزار باطل نسازید.»^۵

ه) پرهیز از اسراف و تبذیر: زیاده‌روی در هر کاری از نظر اسلام مورد تأیید نیست، حتی اگر آن عمل انفاق باشد. علی علیه السلام فرمود: «آفَةُ الْجُودِ التَّبْدِيرُ؟ تبذیر و زیاده‌روی، آفت بخشش است.» در جای دیگری فرمود: «أَقْبَحُ الْبَدْلِ السَّرْفُ»^۶ اسراف، زشت‌ترین بخشش است.

امام صادق حامی محرومان جامعه

معلى از یاران نزدیک امام صادق، در مورد آن حضرت می‌گوید: «در یک شب بارانی، امام صادق علیه السلام از خانه خارج شد و به سوی ظله بنی ساعده^۸ حرکت کرد. من نیز در پی ایشان به راه افتادم؛ ناگاه متوجه شدم چیزی از دوش آن حضرت به زمین ریخت... با شتاب پیش رفته و سلام کردم. فرمود: تو معلى هستی؟ عرض کردم: بلی، فدایت شوم. فرمود:

۳. سوره بقره/ ۲۶۵

۴. بقره/ ۲۷۱

۵. بقره/ ۲۶۴

۶. شرح عزرا الحکم، ج ۳، ص ۱۱۱

۷. همان، ج ۲، ص ۳۷۲

۸. ظله بنی ساعده یک سرپناه بوده که فقرا و افراد بی‌بضاعت برای استراحت از آنجا استفاده می‌کرده‌اند.

جست‌وجو کن، هر چه یافتی به من بده. چند گرده نان یافتم و به ایشان دادم که آن‌ها را در انبانی قرار داد. عرض کردم: فدایت شوم، اجازه دهید من آن را بیاورم. فرمود: نه، من به آوردن آن سزاوارترم، ولی تو نیز همراه من بیا. حرکت کردیم تا در ظُله بنی ساعده به جماعتی از فقرا که همه گی در خواب بودند، رسیدیم. حضرت به آنان نزدیک شد و زیر روانداز هر کدام یک یا دو گرده نان گذاشت تا به آخرین فردشان رسید آن گاه باز گشتیم.^۹



شاگردان، در باره محرومیت‌زدایی و مبارزه با فقر بحث کنند!



۱. آیا کمک به فقرا به معنای گداپروری است؟

۲. اخلاق انفاق را نام ببرید!

۳. سیره امام صادق درباره انفاق را بیان کنید!



شاگردان، در باره حمایت صحیح و مناسب از محرومان شش سطر بنویسند.

۹. ثواب الاعمال، صدوق (ره)، ص ۱۷۳

اسراف و تبذیر

هدف: آشنایی با دیدگاه اسلام در باره اسراف

پرسش: اسراف چیست؟

جامعه مصرفی

امروزه پژوهشگران اجتماعی در باره الگوی مصرف در جوامع سخن می‌گویند. در مورد برخی جوامع اصطلاح جامعه مصرفی به کار برده می‌شود. جامعه مصرفی، به جامعه‌ی گفته می‌شود که میزان استفاده آن‌ها از کالاها و خدمات بیشتر از تولید آن است. روشن است که پرمصرفی در بین طبقات ثروتمند جامعه رواج دارد. در چنین جوامعی بین فقیر و ثروتمند فاصله زیادی ایجاد می‌شود. عامل ایجاد این فاصله بهره‌مندی طبقه خاص از ثروت و محرومیت سایر طبقات از ثروت است. در نتیجه از نظر روانی پرمصرفی طبقات ثروتمند احساس محرومیت را برای سایر طبقات تشدید می‌کند. این احساس محرومیت ممکن است در درازمدت تبدیل به نارضایتی گردیده و آشفته‌گی اجتماعی را در پی داشته باشد؛ به صورتی که انسان‌های فقیر با دیدن افراد ثروتمند احساس نفرت کنند. شواهد عینی زیادی نیز این مسأله را تأیید می‌کند.

بنابراین راه‌حل چیست؟ چگونه می‌توان از چنین پیامدهایی جلوگیری کرد؟

نگاهی به نظام اقتصادی اسلام

بدون شک، دین اسلام آخرین پیام آسمانی است که از سوی خداوند برای بشریت نازل شده است تا بشر را در خم و پیچ‌های زنده‌گی هدایت کند. بخشی از این دستورها، دستورهای اقتصادی است. اگر بشر امروزی به بسیاری از این دستورها عمل کند، بدون شک از معضلات بسیاری رهایی می‌یابد.

اسراف

پرمصرفی همان چیزی است که در ادبیات دینی از آن به عنوان اسراف یاد می‌شود. علمای لغت در باره اسراف می‌گویند: «اسراف از حد گذشتن و زیاده‌روی است.»^۱ کلمه دیگری که تقریباً معادل اسراف است، کلمه تبذیر است. تبذیر نیز در لغت به معنای هدر

۱. لسان العرب، ذیل واژه اسراف

دادن مال است.^۲ در قرآن کریم در چندین آیه از اسراف نهی شده است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^۳ و بخورید و بیاشامید و زیاده‌روی نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد. «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»^۴ چرا که اسراف‌کاران برادران شیطانند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

«اسراف» در مقابل کلمه اقتار به کار می‌رود. اقتار به معنای سخت‌گیری در مصرف است که البته این حالت نیز در اسلام مذمت شده است. الگوی مصرف در اسلام تعادل است نه زیاده از حد و نه پایین‌تر از حد.

معیار اسراف

برای اسراف معیارهایی ذکر شده است؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین معیار آن سودمندی به حال انسان است. اگر آنچه را که مصرف می‌کنیم هیچ سودی به حال انسان نداشته باشد، مصداق اسراف است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «انما الاسراف فيما اتلف المال و اضر بالبدن» اسراف در جایی است که مال هدر رود و برای بدن ضرر داشته باشد.^۵ پس بدون شک هر آنچه برای سلامتی مفید باشد، استفاده و مصرف آن جزو موارد اسراف نیست.

نمونه‌های اسراف

۱. پرخوری: در قرآن کریم دستور عدم اسراف پس از خوردن و آشامیدن آمده است. یکی از موارد اسراف، زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن است. در دانش طب امروز ضررهای پرخوری به طور کامل بیان شده و بدون شک این عمل مصداق اسراف است.
۲. دورانداختن غذای اضافه: در برخی روایات دورانداختن غذا به عنوان مصداقی از اسراف یاد شده است.

۲. همان، ذیل واژه پندر

۳. اعراف، ۳۱

۴. اسراء (۲۷)

۵. بحار ج ۶ ص ۲۶۲

۳. اسراف در انفاق: یکی از موارد اسراف، اسراف در انفاق و کمک به دیگران است. از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌یی که می‌گوید خداوند اسراف کاران را دوست ندارد، سؤال شد؛ ایشان فرمودند: مردی انصاری مزرعه‌یی داشت؛ اما وقتی شروع به صدقه دادن می‌کرد، آنقدر صدقه می‌داد که برای خود و خانواده‌اش چیزی باقی نمی‌ماند. آن‌گاه خداوند این عمل را اسراف قرار داده است.^۶



شاگردان، درباره‌ی ضررهای اسراف با همدیگر گفت‌وگو کنند!



۱. اسراف چیست؟
۲. ملاک اسراف چیست؟
۳. دو نمونه برای اسراف بیاورید!



شاگردان، در باره‌ی اسراف تحقیق نموده و هفت سطر بنویسند.

۶. وسائل الشیعه ج: ۲۱ ص: ۵۵۹

مواسات

هدف: آشنایی با جایگاه همدردی با دیگران در اسلام

پرسش: مواسات چیست؟

مواسات و همدردی در اسلام

مواسات در لغت به معنای یاری کردن و غم‌خواری دیگری آمده است. این شعر

پرمغز سعدی که به عنوان شعار بر سر دروازه سازمان ملل در نیویورک نقش بسته است؛

بنی آدم اعضای یکدیگراند که در آفرینش ز یک گوهراند

چو عضوی ببرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

در واقع مضمون حدیثی است که از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است: «مثل المؤمنین فی

توادهم و تراحمهم کمثل الجسد إذا اشتکی بعضه تداعی سائره بالسهر و الحمی»؛ مثل مومنان در

دوستی و دلسوزی نسبت به همدیگر مثل یک بدن است که اگر بخشی از بدن ناراحتی داشته باشد،

بخش‌های دیگر بدن آن را با بی‌خوابی و تب همراهی می‌کند». در جای دیگری پیامبر اسلام ﷺ

خطاب به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «یا علی، سَیِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: إِنْصَافُكَ

الْتِمَاسُ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مُوَاسَاتُكَ الْأَخَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذِكْرُكَ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ»؛ ای

علی! برترین اعمال سه خصلت است: انصاف با مردم، همدردی با برادر دینی و یاد خدا در همه حال.» اگر

این دستور پیامبر اسلام ﷺ در جامعه اسلامی جامه عمل بپوشد، محرومان جامعه از نظر

روانی آرامش می‌یابند. در این صورت، در جامعه اسلامی فضای اخوت و برادری ایجاد و

۲. مستدرک الوسائل ۸، ۲۹۴

۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۲

پیوندها مستحکم تر می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ما حَفِظَتِ الْأُخُوَّةَ بِمِثْلِ الْمُوَاسَاةِ؛^۴ اخوت را هیچ چیز مانند مواسات و همدردی حفظ نمی کند.»

نمونه های مواسات

۱. مواسات مالی: انفاق های مالی مانند: صدقات، زکات، کفارات مالی و سایر انواع آن که باید بین فقرا توزیع گردد، یکی از نمونه های مواسات است.

۲. مواسات روانی: نوع دیگری از مواسات در اسلام، مواسات و همدردی روانی است. مواسات روانی به این مفهوم است که افراد برای حمایت هم نوعان خود گرچه هزینه مالی نمی کنند؛ اما کاری می کنند که در عمل همدردی صورت می گیرد. نمونه های زیادی برای این نوع مواسات وجود دارد:

۱. عیادت مریض: عیادت مریض در اسلام مستحب است. و قتی مومنی مریض می شود، مستحب است دیگران به دیدن او بروند. عیادت بر روحیه مریض بسیار تأثیرات مثبت دارد.

۲. تشییع جنازه: وقتی کسی عزیزی را از دست می دهد، بر دیگران مستحب است در تشییع جنازه او شرکت کنند و برای بازمانده گان اظهار تسلیت و همدردی نمایند.

۳. روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان: روزه گرفتن در ماه رمضان ابعاد مختلف عبادی، صحتی و اجتماعی دارد. بعد اجتماعی روزه مواسات و همدردی با محرومان و فقرای یک جامعه است. افراد ثروتمند وقتی روزه می گیرند و گرسنه گی می کشند، به صورت طبیعی به یاد محرومان و مستضعفانی می افتند که آنان در بسیاری از روزهای سال وضعیت مشابهی دارند.

۴. شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۷۶.

شاگردان، در باره اهمیت مواسات در جامعه بحث کنند!

۱. مواسات را تعریف کنید!
۲. فواید مواسات چیست؟
۳. مواسات مالی کدام است؟
۴. برای مواسات روانی چند نمونه بیاورید!